

میداد حلال

سرشناسه:	شبديني، محمد / ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پديدآور:	صداقت و حق بيني / نويسندگان محمد شبديني، جعفر وفا، قربانعلي الكايني.
مشخصات نشر:	معاونت تربيت و آموزش عقيدتي سياسي نمايندگي ولي فقيه در سپاه مرکز چاپ نمايندگي ولي فقيه در سپاه ۱۸۴ ص.
مشخصات ظاهري:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۱۵۴-۷
شابک:	

# صداقت و حق بینی

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### صداقت و حق‌بینی

---

نویسندگان: جعفر و فیا، قربانعلی الکایی،  
محمد شب‌دینی • ناظر نهایی: سیدعلیرضا ادیانی  
• صفحه‌آرا: علی نصیرمحمدی • نوبت چاپ: دوم  
• تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۱ • شمارگان: ۱۲۰۰۰۰  
شابک: ۷ - ۱۵۴ - ۲۴۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

---

## فهرست

چکیده: ۹	۵. تقویت معادباوری ۳۹
مقدمه ۱۱	۶. ذکر ۴۰
درس اول: چیستی صدق ۱۵	۷. انس با دعا و مناجات ۴۱
مفهوم‌شناسی ۱۵	درس سوم: آثار صدق ۴۳
قلمرو صدق ۱۶	۱. سلامت دین ۴۳
۱. حوزه اندیشه ۱۷	۲. دستیابی به مقامات معنوی ۴۳
۲. حوزه گرایش ۱۹	۳. عزّت ۴۴
۳. حوزه رفتار ۲۰	۴. مایه نجات ۴۶
۴. حوزه گفتار ۲۱	۵. همراهی خدا و پیامبر با انسان ۴۷
ضرورت و اهمّیت صدق در قرآن ۲۲	۶. اعتماد عمومی و محبوبیت ۴۸
جایگاه صدق در روایات ۲۵	اجتماعی ۴۸
۱. ملاک اسلام و ایمان ۲۵	درس چهارم: پیامدهای بی‌صداقی (کذب) ۴۹
۲. مایه نجات و برکات ۲۶	۱. خرابی ایمان ۴۹
۳. الهامات غیبی ۲۷	۲. نفاق ۵۰
۴. عامل پیروزی ۲۷	۳. فقر ۵۲
۵. مایه عزّت و محبوبیت اجتماعی ۲۸	۴. نکوهش و پشیمانی ۵۲
درس دوم: عوامل دستیابی به صدق ۳۱	۵. زمینه ساز گناهان (بدیها) ۵۳
۱. تقویت ایمان و تقوا ۳۱	۶. بی‌اعتمادی و مقبولیت ۵۳
۲. دانایی و معرفت ۳۳	درس پنجم: عوامل تهدیدکننده صدق ۵۵
۳. تعقل ۳۴	۱. عافیت‌طلبی ۵۵
۴. خودکنترلی ۳۵	



- ۱-۲. آسیه همسر حق شناس فرعون. ۱۳۸
- ۱-۳. مؤمن آل فرعون، حق شناس با فراست. ۱۳۹
- ۱-۴. ساحران فرعون، حق بینان ساجد. ۱۳۹
- ۱-۵. ملکه سبا، حق بین تائب. ۱۳۹
- ۱-۶. رعضه، حق بین شجاع [برای مطالعه]. ۱۴۰
- ۱-۷. بلعم باعورا، حق بین منحرف. ۱۴۰
- نمونه‌هایی از حق بینان و باطل‌گرایان در تاریخ اسلام. ۱۴۱
- ۲-۱. یاسر و سمیه تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها. ۱۴۱
- ۲-۲. ابولهب شراره کینه. ۱۴۲
- ۲-۳. مالک اشتر، حق بین فتنه‌ستیز [برای مطالعه]. ۱۴۲
- ۲-۴. زبیر بن عوام، در دام فرزند. ۱۴۴
- ۲-۵. عمار یاسر، حق بین مدافع. ۱۴۴
- ۲-۶. ابوموسی نادانی سطحی‌اندیش در دام فریب عمرو عاص. ۱۴۵
- ۲-۷. زهیر بن قین بجلی، شهید والا مقام [برای مطالعه]. ۱۴۶
- ۲-۸. شبث بن ربعی، چهره‌ای چند رنگ. ۱۴۷
- ۲-۹. جناب حر، حق شناسی با زیباترین توبه تاریخ. ۱۴۷
- ۲-۱۰. عبیدالله بن حُر جُعی، مرد هزار چهره [برای مطالعه]. ۱۴۸
- ۲-۱۱. علی بن یقطین، ثقه
۶. گذر از فتنه. ۱۱۹
- ۶-۱. نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه‌انگیزان. ۱۲۰
- ۶-۲. مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع فتنه‌گران. ۱۲۰
۷. زمینه ساز نجات در قیامت. ۱۲۰
- درس چهارم: موانع نگاه حق بین و حق شناس. ۱۲۳
۱. موانع شناختی. ۱۲۳
- ۱-۱. جهل. ۱۲۳
- ۱-۲. سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی. ۱۲۴
- ۱-۳. غفلت. ۱۲۵
- غفلت در قرآن [برای مطالعه]. ۱۲۵
- ۱-۴. انکار و لجاجت. ۱۲۷
- ۱-۵. شرک. ۱۲۸
۲. موانع گرایشی. ۱۲۹
- ۲-۱. شخصیت‌گرایی. ۱۲۹
- ۲-۲. قبیله‌گرایی و حزب‌گرایی. ۱۲۹
- ۲-۳. باستان‌گرایی [برای مطالعه]. ۱۳۱
۳. موانع رفتاری. ۱۳۲
- ۳-۱. حرام‌خواری. ۱۳۲
- ۳-۲. هوی پرستی [برای مطالعه]. ۱۳۳
- ۳-۳. رفاه‌زدگی. ۱۳۴
- ۳-۴. گناه کبیره. ۱۳۵
- درس پنجم: حق بینان و باطل‌گرایان در تاریخ. ۱۳۷
۱. حق بینان و باطل‌گرایان در تاریخ انبیا: ۱۳۸
- ۱-۱. حضرت یحیی، حق‌گوی شهید. ۱۳۸

- حق‌شناس ..... ۱۴۹
- ۲- ۱۲. علی بن ابی حمزه بطائنی در دام دینارا! ..... ۱۴۹
- ۲- ۱۳. دعبیل خزاعی، شاعر حق‌بین [برای مطالعه] ..... ۱۵۰
- ۲- ۱۴. فَرَزَانَةُ حَقِّبِین، احمدابن اسحاق ..... ۱۵۱
- ۲- ۱۵. جعفر کذاب [برای مطالعه] ..... ۱۵۲
- ۲- ۱۶. دو نمونه حق‌مدار و حق‌گریز ..... ۱۵۲
۳. نمونه‌هایی از حق‌بینان و باطل‌گرایان در انقلاب اسلامی ..... ۱۵۳
- ۳- ۱. بنی‌صدر باطل‌گرایی غرق غرور قدرت [برای مطالعه] ..... ۱۵۳
- ۳- ۲. آیت‌الله حسین نوری همدانی فقیه حماسه‌آفرین [برای مطالعه] ..... ۱۵۴
- ۳- ۳. شهید رجایی حق‌شناس ساده‌زیست و سازش‌ناپذیر ..... ۱۵۵
- ۳- ۴. منتظری، همراهی تا زاویه با نظام اسلامی ..... ۱۵۵
- ۳- ۵. محسن سازگارا باطل‌گرای دروغ‌پرداز ..... ۱۵۶
- ۳- ۶. محسن کدیور، سکولاری هم‌نوا با آمریکا [برای مطالعه] ..... ۱۵۷
- ۳- ۷. محمد نوری‌زاد، منشی بیگانه ..... ۱۵۷
- ۳- ۸. اکبر گنجی، مردی با کلاه عمو سام ..... ۱۵۸
- ۳- ۹. عطاءالله مهاجرانی، مهاجر جهنم الجنادره! ..... ۱۶۰
- درس ششم: از زلال نگاه حق‌بین و
- حق‌شناس امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ..... ۱۶۳
- امام، اسوه حق‌بینی و حق‌شناسی ..... ۱۶۳
۱. قیام علیه شاه و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ..... ۱۶۳
۲. مقابله با ملی‌گرایی ..... ۱۶۵
۳. مقابله با منافقین [برای مطالعه] ..... ۱۶۶
- پیش‌بینی‌های امام خمینی (ره) در عرصه‌های مختلف ..... ۱۶۷
- نگاه حق‌بین و حق‌شناس مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ..... ۱۷۲
۱. پیش‌بینی تحولات خاورمیانه ..... ۱۷۲
۲. پیش‌بینی پیروزی مقاومت و سقوط رژیم صهیونیستی ..... ۱۷۵
۳. افول و فروپاشی آمریکا و غرب ..... ۱۷۷
۴. طرح مکتب امام در مقابل مکتب ایرانی [برای مطالعه] ..... ۱۸۰
۵. آگاهی و اقدام نسبت به تهاجم فرهنگی ..... ۱۸۱
۶. مقابله با انحرافات سیاسی و عبور از فتنه‌ها ..... ۱۸۱
۷. پیش‌بینی مشارکت بیشتر مردم در انتخابات نهم مجلس روز دوازدهم ..... ۱۸۳
- اسفند ماه نود ..... ۱۸۳



### چکیده:

صدق مطابقت با واقع و نبودن خلأ و خلاف در اندیشه، گفتار و کردار آدمی است و اهمیت خاصی در قرآن و حدیث دارد تا آنجا که صداقت تراز ایمان، منبع خیرات و برکات و الهام غیبی معرفی شده است و صدیقین همردیف انبیا شهدا و صالحین قرار گرفته‌اند.

صدق دارای مؤلفه‌هایی است که ایمان، تقوا، عدالت‌خواهی، معرفت و دانایی، تعقل، مدیریت بر خود، توجه به معاد، ذکر خدا، دعا و مناجات و توفیقات الهی از جمله آنهاست. انسان در پرتو این امور می‌تواند به صدق و راستکاری دست یابد و نیت و عمل خود را با واقع هماهنگ سازد.

صدق اگر به درستی پیاده شود آثار زیادی در فرد و جامعه باقی می‌گذارد که برخی از آنها عبارتند از: عزت، برکت در آفاق مادی و معنوی، زیبایی معنوی، اصلاح‌پذیری فرد و جامعه، نجات از گرفتاری‌های دنیوی و اخروی، پیدایش آرامش و اطمینان، همراهی خدا و پیامبر با انسان.

رعایت نکردن صدق و راستی در زندگی، پیامدهای تلخی دارد از جمله: نفاق و دورویی، ایمان ظاهری و سودجویانه، ریا و خودنمایی و دروغ‌پردازی و علم بی‌عمل.

عافیت‌جویی، راحتی و آسایش جستن و تنزه‌طلبی و پاکداشت دیگران از عیب و نقص، هوای نفس و منفعت‌خواهی غفلت از مبدأ و خدا، عدم تعقل و عاقبت‌اندیش نبودن و لجبازی و تسلیم‌ناپذیری در برابر حق از موانع مهم صداقت است.

هر نیروی سازمانی خود را در تمام شرایط با برنامه‌های سپاه منطبق می‌کند و نسبت به مافوق خود به‌ویژه نسبت به مقام فرمانده کل قوا، صداقت قلبی و عملی دارد؛ رعایت نکردن این اصل پیامدهای ناگواری دارد که پیدایش بی‌نظمی، تضعیف رهبری، اختلاف در جبهه خودی و تقویت روحیه دشمن از جمله آنهاست.

پاسداری که شاخص صداقت را مدال شایستگی خویش کرده است با همکاران و زیردستان خود همدل و یک‌جهت است، انگیزه‌ای جز انجام صادقانه وظایف ندارد و در این مسیر، با تبعیت از قانون در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آنها و نیز گزارش‌دهی مشارکت صادقانه دارد.

گرنور عشق حق به دل و جانت افتد  
بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی  
حافظ

## مقدمه

سپاه پاسداران، حافظ و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است؛ نظامی که مبتنی بر حق است. از این رو شایسته است که خود به حق بینی و حق شناسی آراسته باشد. شناخت دقیق دوست و دشمن و جریانات سیاسی و رویدادهای جهان و قدرت تحلیل و نیز تقویت بنیه معنوی و اعتقادی در پرتو اسلام ناب و ولایت محوری از ضروریات این آراستگی است. از این رو ضروری است که با تکیه بر اصل پایدار دینی «تولی و تبری» و پیروی از آیه شریفه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» مسیر زندگی و مأموریت های خود را با شاخص های ولایت مداری هدف گذاری و فاصله خود را از جریانات فکری و سیاسی مخالفان ولایت بیشتر نمود تا در جامعه اسلامی الگوی ولایت مداری برای سایر اقشار گردد.

در آستانه سوم شعبان سال ۱۳۸۹ میلاد مبارک حضرت سیدالشهدا علیه السلام و روز

پاسدار، رهپوی راه سرخ حسینی، جمع زیادی از فرماندهان، مدیران و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حضور مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) شرفیاب شدند. در این دیدار بسیار صمیمی و آکنده از عشق و محبت، رهبر معظم انقلاب مطالب بسیار مهمی ایراد فرمود. در یک جمع بندی کوتاه می‌توان فرمایشات معظم له را در موضوعات و محورهای ذیل دسته‌بندی نمود.

الف. ویژگی‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ب. تبیین واقعیات امروز کشور و صحنه جهانی

ج. مقایسه انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های قرون معاصر در جهان

د. تقسیم‌بندی دولتها در نوع مواجهه با زورگویی آمریکا و سلطه جهانی

ه. عوامل زمینه‌ساز پیروزی جمهوری اسلامی در رویارویی با دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی

و. ضرورت توجه به بازنشستگان سپاه به عنوان اعضای وابسته سپاه.

رهبر بزرگوار و حکیم انقلاب سه ویژگی بارز را برای پاسداران به شرح ذیل بیان فرمود:

- دل‌های مشتاق به مجاهدت در هر عرصه و میدان؛

- زبان‌های صادق؛

- نگاه‌های حق‌بین و حق‌شناس.

سه عنصر فوق عناصر اصلی شاکله و هویت حقیقی سپاه پاسداران را تشکیل

می‌دهند. رهبر فرزانه انقلاب در توضیح مطالب فوق فرمود:

در شاکله معنوی سپاه، آتش اشتیاق، دل‌های پاسداران را به خدا نزدیک

می‌کند و صداقت و وفاداری آنان در نیت و گفتار و عمل همچون کلمه

طیبه رفعت می‌گیرد و به سوی پروردگار تعالی می‌یابد.

با نگاهی به دوران دفاع مقدس این ویژگی‌ها را به خوبی در شهدای عزیز و

مخلص سپاه همچون خرازی، همت، باکری، کاظمی، بروجردی، کلاهدوز و صدها شهید دیگر مشاهده می‌کنیم. پاسداران امروز ما باید بدانند از رموز موفقیت سپاه در دوران جنگ سخت و نیمه سخت همین عناصر بودند. مقام معظم رهبری همچنین فرمود:

این نگاه حق‌بین در هر شرایطی حتی اوضاع غبار آلود و پرابهام، واقعیات صحنه را تشخیص می‌دهد و وظیفه و راه عمل به وظیفه را درک می‌کند. نگاه حق‌بین و حق‌شناس پاسدار در فضای فتنه که فضای غبار آلود است و تشخیص حق و باطل بسیار مشکل، حق را از باطل تشخیص می‌دهد و زمانی که حق را شناخت نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد؛ چرا که بی‌تفاوتی خطر بسیار بزرگی برای انقلاب است در حالی که شهدای انقلاب و دفاع مقدس انتظار دارند که پاسداران از راه و هدفشان به خوبی پاسداری کنند.

در حوادث پس از انتخابات ۸۸، پاسداران به خوبی تشخیص دادند که دشمن وارد یک جنگ نرم در رویارویی با انقلاب شده و کشور در شرایط فتنه قرار گرفته است بنابراین به خوبی وارد صحنه شدند. به همین دلیل مورد بغض و کینه دشمن قرار گرفتند و امروز می‌بینیم از طریق رسانه‌ها (ماهواره، اینترنت و...) دشمنان خارجی و عوامل داخلی آنها سپاه را مورد شدیدترین تهاجمات قرار داده‌اند. آنچه از فرمایشات فرمانده معظم کل قوا فهم می‌شود این است که آن مقام عظمای سپاه را سازمانی دارای انعطاف می‌دانند که براساس نیازهای زمان روز به روز متحول و متکامل شده است و باید سپاه به شکل نهادی باقی بماند و ضمن این که از نظم و قانون‌پذیری سازمان برخوردار است، از مشکلات سازمان‌های متعارف از جمله شکنندگی و خشکی سازمان به دور باشد. بنابراین تأکید رهبر عزیز بر حفظ هویت نهادی سپاه به عنوان شجره طیبه‌ای است که به فرموده قرآن کریم در هر دوره ثمره خاصی از خود بروز می‌دهد.

این نوشتار در قالب شش درس و برای بهره‌مندی کارکنان عزیز در

دوره‌های تربیت و تعالی، به تبیین شاکله «نگاه‌های حق‌بین و حق‌شناس» و همچنین تبیین صدق در شش درس می‌پردازد تا سهمی در بسط افق دید و تعمیق نگاه حق‌بین و حق‌شناس و گسترش صداقت و راستی در سپاه داشته باشد و راهبرد بسی‌ثبات‌سازی، آشوب‌آفرینی و برپایی غائله‌ها و فتنه‌ها و نیز حرکت‌های تجزیه‌طلبانه استکبار جهانی را همچنان ناکام بگذارد؛ زیرا سپاه بر اساس رسالت پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن، در هر عرصه‌ای از کیان نظام مقدس جمهوری اسلامی که بر اساس تهدیدات سخت، نیمه سخت و نرم به خطر بیفتد خود را موظف به دفاع و مقابله با آن می‌داند.

گذر از فتنه ۸۸ و حوادث پس از آن نمونه بارز حق‌بینی و حق‌شناسی، بصیرت، تلاش و مقابله جدی سپاه با هر گونه فتنه است؛ زیرا باطل در افق نگاه‌های حق‌بین و حق‌شناس جَوَلانی ندارد و با توجه به جامعیت صفت صدق که جامع همه فضایل است سعی شده با تبیین و تحلیل آن بتوانیم آن را در سیره عملی پاسداران توسعه دهیم.

**معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه**

## درس اول

### چیستی صدق

- از دانشجو انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:
۱. با مفهوم لغوی و اصطلاحی صدق و راستی آشنا شود.
  ۲. قلمرو صدق را بشناسد و بتواند حیطه‌های صدق را برشمارد.
  ۳. دیدگاه او نسبت به مفهوم صدق تغییر یابد.
  ۴. چند مورد از صادقین نمونه را در گذشته و حال بیان کند.

### مفهوم‌شناسی

صدق در لغت به معنای راست و درست و مطابق واقع بودن و راستی در قول، در عمل و در فکر آمده است؛ به گونه‌ای که باورها، کارها و گفته‌های فرد انسانی مطابق حق و واقعیت باشد؛<sup>۱</sup> به تعبیری دیگر، صدق وصف قول یا عمل یا امری است که صحت و تمامیت داشته، بر مدار حق و واقعیت استوار باشد.<sup>۲</sup> و بر این اساس می‌توان گفت صدق به معنای سالم بودن از خلاف نیز هست و باقی ماندن بر مسیر حق.

---

۱. تفسیر روشن، ج ۲، ص ۳۵۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۱۶.

موارد کاربرد واژه صدق محدود به سخن نیست بلکه در مقام اظهار عقیده، در خبر دادن از امر واقع، در حکم به ایجاد امری [انشاء] و نیز در عمل استعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

مفهوم اصطلاحی صدق، متناسب با معنای لغوی آن، عبارت است از: مطابقت قول با نیت و ضمیر و با آنچه از آن خبر داده شده است. صدق نیت و صدق مورد خبر دو شرط یا دو صفت جدانشدنی از دامن صدق است؛ صداقت آنگاه بر اریکه واقعی خود تکیه می‌زند که هماهنگ با واقع باشد و نیز همگام با باور گوینده در نبود وصف اول، به سخن دروغ متصف می‌شود و در نبود وصف دوم، تنها خبری راست از واقع است؛ چنان‌که کافر، سخن درستی گفته است اگر بگوید [یا نقل کند] که حضرت محمد ﷺ رسول خداست اما صداقت ندارد؛ چرا که بر این باور نیست. شاهد بر صحت این کلام آیه قرآن است که شهادت منافقان به رسالت نبی اکرم را دروغ دانسته است. (منافقون: ۴۱)<sup>۲</sup>

کوتاه سخن آنکه صدق عبارت است از هماهنگی گفتار، نیت و عمل؛ در نتیجه هرگونه تضاد بین این امور، انسان را از حوزه صدق خارج می‌کند.

### قلمرو صدق

صدق در فرهنگ دینی برخلاف عرف و فرهنگ عمومی، محدود به محاورات و گفتار و نوشتار نیست بلکه دارای قلمرو وسیع نظری و عملی در حوزه‌های اندیشه، گرایش، رفتار و گفتار است، به اختصار به تبیین و توضیح قلمروهای صدق پرداخته می‌شود.

۱. همان، ج ۵، ص ۸۱.

۲. ترجمه مفردات، ج ۲، ص ۳۸۴.



## ۱. حوزه اندیشه

صدق در حوزه اندیشه بدین معناست که شخص واقع‌گرایانه، بر مبنای عقل و به دور از خرافه و خیال‌بافی و نیز با تقید به شرع افزون بر اینکه باید به نواهی شارع توجه کند و در حوزه ممنوعه مانند اندیشه در ذات خداوند وارد نشود. پس آنگاه که اندیشه با رعایت این شاخص‌ها به جَوَلان می‌پردازد در دامن صدق جای می‌گیرد و محصولات فکری، از زبان و قلم، نیز واقعیت را صادقانه عرضه خواهد کرد، اما آنگاه که به موازین، وَقعی ننهد و در اندیشه‌اش قوه خیال را راه دهد یا در مسائلی که تفکر در آن فرجام ندارد غور کند، راه به خراب آباد می‌برد. قوم یهود خود را در حوزه اندیشه برترین موجود و از اولیای خاص خدا می‌دانستند ولی قرآن کریم آنها را در این ادعای خود صادق نیافت و به صراحت اعلام داشت:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (جمعه: ۶-۷)

بگو ای یهودیان! اگر پندارید که شما دوستان خدا هستید نه مردم، آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید! ولی آنها هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند، و خداوند ظالمان را به خوبی می‌شناسد.

حوزه اندیشه، منبع تغذیه و تأمین‌کننده نیازهای رفتاری و گفتاری است؛ چرا که «از کوزه همان تراود که در او است». زبان و عمل و قلب و قلم بیگانه از هم نیستند با این نگاه است که می‌توان گفت: «راست اندیش» آنچه در چشمه‌سار اندیشه‌اش می‌جوشد را به زبان و قلم می‌راند یا در عمل و رفتارش تجسم می‌بخشد و آنگاه به وصف صادق آراسته می‌گردد. از این روست که مردان کمال یافته، صدق را نخست در حوزه اندیشه خود می‌جویند سپس در جویبار

عمل می‌یابند؛ چنان‌که در خاطرات امام خمینی (ره) به نقل از دخترش آمده است:

«امام، حاج احمد آقا را صدا زد و فرمود: آن نامه مرا فرستادید؟ اگر نفرستادید سریع بیاورید. آنگاه امام نامه را گرفت و جمله‌ای را خط زد و جمله‌ای اضافه کرد. من از ایشان پرسیدم: آقا! شما کار خیلی مهمی روی کاغذ انجام ندادی که این همه با توجه و عجله این نامه را خواستی، ایشان فرمود: یک مطلبی بود مربوط به پاسدارها و من نوشته بودم «با همه توانم به شما دعا می‌کنم» دیدم که ممکن است با همه توانم دعا نکنم. کلمه «همه» را خط زده بود و به جایش «بیشترین» را گذاشته بود!»<sup>۱</sup>

«صدیقین» یعنی پیشتازان صدق و راستی، بیش از هر چیز به صدق اندیشه می‌پردازند و در پاک‌سازی آن از چرکناکی دورویی می‌کوشند؛ بدین ترتیب سنگ بنای صداقت در سایر حوزه‌ها را با صدق در حوزه اندیشه می‌نهد؛ امام صادق (ع) از حضرت مسیح روایت کرده است که حضرت مسیح (ع) به پیروان می‌فرمود:

إِنَّ مُوسَى أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا وَ أَنَا أَمَرُكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّانَا فَضَلًّا  
أَنْ تَزْنُوا فَإِنَّ مُحَدِّثَ نَفْسِهِ بِالزَّانَا كَانَ كَمَنْ أَوْ قَدْ فِي بَيْتٍ مُزَوِّجٍ فَأَفْسَدَ  
الزَّائِقِ الدُّخَانُ وَإِنْ لَمْ يَحْتَرِقِ الْبَيْتُ.<sup>۲</sup>

موسی بن عمران به شما امر کرده زنا نکنید و من به شما امر می‌کنم که فکر زنا را در خاطر نیاورید، چه رسد به عمل زنا؛ زیرا آنکه فکر زنا کند مانند کسی است که در عمارت زیبا و مزین آتش روشن کند؛ دودهای تیره آتش زیبایی‌های عمارت را خراب می‌کند اگرچه عمارت آتش نگیرد.

۱. پا به پای آفتاب، امیررضا ستوده، تهران پنجره، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷.

یعنی فکر گناه خواه ناخواه در اندیشه مردم تیرگی ایجاد می‌کند و به صفا و پاکی دل آنها ضربه می‌زند؛ گرچه مرتکب آن گناه نشوند. حضرت علی علیه السلام می‌فرمود:

صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْإِثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْمَرْءِ عَنِ الطَّعَامِ.<sup>۱</sup>  
دریغ ورزی دل از تفکر در گناهان، بهتر از خودداری شخص از غذاست.

## ۲. حوزه گرایش

صدق و راستی شخص در حوزه گرایش بدین معناست که حق را به دور از شک و تردید، ریا و نفاق و دورویی بپذیرد، و از باطل‌گرایی بپرهیزد، نافرمانی حق نکند، و خشم و غضب، و حب و بغض و هرنوع گرایش خود را بر مدار صدق تنظیم کند. و حصول چنین معنایی سرمایه دین‌باوران است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

الصَّدْقُ رَأْسُ الدِّينِ.<sup>۲</sup>

راستکاری و صداقت سرلوحه دین است.

صدق در حوزه باور و گرایش است که موجب تحقق و استمرار ایمان مذهبی افراد است؛ چنان‌که ابوبصیر می‌گوید: من خدمت ابوجعفر [امام باقر علیه السلام] بودم. سلام [بن‌ابی‌عمره] خدمت او عرضه داشت: خیشمه از قول شما حدیث آورده است که فرموده‌ای:

هر کس به قبله ما نماز بگزارد و مانند ما به توحید و رسالت گواهی دهد و مانند ما به مناسک حج عمل کند و با دوستان ما دوست باشد و با دشمنان ما دشمن باشد، مسلمان است. ابوجعفر علیه السلام فرمود: «خیشمه راست گفته است». من گفتم: و باز خیشمه حدیث آورده است که شما گفته‌ای: ایمان عبارت است از گرایش به

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۴۵۸، دفتر تبلیغات.

۲. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۰۴.

اللّٰه و تصدیق به قرآن و التزام به این شرط که نافرمانی نکند. ابو جعفر علیه السلام فرمود: «خیشمه راست گفته است».

### ۳. حوزه رفتار

حیات و جانمایه صدق، ظهور در رفتار آدمی است؛ صادق راستین کسی است که آن را در رفتار خود بروز دهد. به همین جهت پیشوایان دینی پیروان خود را با صدق عملی محک می‌زدند و مردم را به این نوع صدق و وفاداری فرا می‌خواندند. به ذکر یک نمونه در این باره بسنده می‌شود:

«اعرابی [بادیه‌نشین] به حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مشرف شد و گفت: من تصمیم دارم به تو ایمان بیاورم. ولی تنها مانع من این است که خوردن خمر، زنا، سرقت و دروغ گفتن را دوست دارم. اما شما آنها را حرام کرده‌ای و من به ترک همه آنها قادر نیستم. اگر تو به یکی از آنها قناعت کنی به تو ایمان می‌آورم. پیامبر صلی الله علیه و آله قبول کرد و با او شرط نمود که دروغ نگوید. وی پس از پذیرش این شرط، اسلام آورد. هنگامی که از حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرخص شد و خمر را بر او عرضه کردند، با خود گفت: اگر من شراب بخورم، و پیامبر از من راجع به خوردن آن بپرسد و من دروغ بگویم، عهد خود را شکسته‌ام. و اگر راست بگویم آن بزرگوار حدّ خدا را بر من جاری خواهد کرد. به ناچار شراب‌خواری را ترک نمود. هنگامی که زمینه زنا و سرقت فراهم شد به همان علت از آنها صرف‌نظر نمود. آنگاه که به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برگشت با سرور و خوشحالی گفت:

یا رسول الله! چقدر نیکو بود این رهنمودی که شما فرمودی! از آن زمانی که مرا از دروغ گفتن باز داشتی، مرا از ارتکاب دیگر جرایم نیز نجات دادی و اینک از همه آنها توبه کرده‌ام.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر آسان، ج ۷، ص ۴۸۰.

#### ۴. حوزه گفتار

نیت صادق بر مؤمن راستگو شرط لازم است ولی کافی نیست و افراد نباید به قلب و عمل صحیح مغرور شوند بلکه باید زبان هم راستگو باشد؛ زیرا خطاهای آدمی از راه زبان و رفتار تحقق می‌یابد. هشدار! هشدار! هر سخن که بر زبان جاری شود، مورد بازرسی است:

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ. (ق: ۱۸)

[انسان] هیچ سخنی تلفظ نمی‌کند مگر آنکه نزد او [فرشته‌ای] نگهبان آماده [ثبت] است.

نقش زبان تا بدانجاست که گاه مسیر جامعه‌ای را به سوی خیر یا شرّ تغییر می‌دهد. ولنکاری زبان، موجب خروج زبان از حریم حق می‌شود و بدزبانی میوه فاسدی است که پرده حیا می‌درد.

در اهمیت سخن به همین روست که امام جعفر صادق علیه السلام به عبادبن کثیر بصری فرمود:

وَيُحَكِّ يَا عِبَادَ عَزَّكَ أَنْ عَفَّ بَطْنُكَ وَفَرَجَكَ؟ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيداً يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (احزاب: ۷۰-۷۱) أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْكَ شَيْئاً حَتَّى تَقُولَ قَوْلًا سَدِيداً.<sup>۱</sup>

وای بر تو ای عباد، مغرور شدی که بطن و فرج تو عقیف است؟! خدای تعالی در کتابش می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخنی استوار [وبه حق] بگویید تا خدا کارهای شما را اصلاح کند. بدان که خداوند از تو عملی را نمی‌پذیرد مگر اینکه سدیدانه سخن برانی (سخنی محکم و نفوذناپذیر بگویی).

۱. برهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۹۸، سید هاشم بحرانی، چاپ تهران، ۱۴۱۶ ق.

### ضرورت و اهمیت صدق در قرآن

فطرت و عقل آدمی ضرورت صداقت را درمی‌یابد؛ چراکه با حذف آن، از صحنه زندگی، حیات اجتماعی، به مخاطره جدی می‌افتد، پایه‌های امنیت متزلزل و سست می‌شود. بدبینی و سوء ظن فضای جامعه را آلوده می‌کند، دروغ، افترا و تهمت و فریب و نیرنگ بدون هیچ مانعی، معمول می‌گردد بزرگ و کوچک و پیر و جوان، عالم و جاهل و همه اصناف و اقشار از هم متفرق می‌شوند مهر و محبت از همه جا و حتی از اعضای خانواده‌ها، کوچ می‌کند و امن و آسایش رخت برمی‌بندد و بستر مناسب برای انواع مفساد آماده می‌گردد و زندگی رنگ پلیسی می‌یابد و جامعه به شهری می‌ماند که دروازه‌های ورودی آن تا آن سوی خروجی، در اشغال مهاجمان مسلح است و هیچ نقطه دور از دید و منظر آنها نیست. پس عقل‌ها در چنین شرایطی حکم می‌کند که همه اقشار جامعه باید صداقت و راستی را رعایت نمایند تا امنیت و آسایش و اطمینان و آرامش حاکم شود. این ضرورت عقلانی با این دستور و حیانی پشتیبانی می‌شود که:

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
سُلْطَانًا نَصِيرًا. (اسراء: ۸۰)

و بگو «پروردگارا» مرا در هر کاری به درستی داخل کن و به درستی از آن خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری‌بخش قرار ده.  
خداوند در این آیه به پیامبر دستور می‌دهد که صدق را مبنای خود قرار دهد از ورود به یک کار تا خروج از آن و از اول تا آخر صداقت را تداوم بخشد و به صدق مقطعی بسنده نکند.<sup>۱</sup>

با این بیان اسلام به راستگویی و صداقت جایگاه والایی بخشیده است؛ به گونه‌ای که آن را از اصول خدشه‌ناپذیر اخلاق فردی و اجتماعی و از

۱. ر.ک. ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۲۴۲.

شاخص‌های برجسته ایمان معرفی می‌کند و در آیات فراوانی اهمیت صدق را متذکر شده است و انسان‌های مقتدا و اسوه تاریخ را با این ویژگی می‌شناساند:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا. (الأحزاب: ۲۳)

از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند، صادقانه وفا کردند [و خود را آماده جهاد نمودند]؛ برخی از آنان به پیمان خویش عمل کردند [و به شهادت رسیدند] و برخی دیگر در انتظار [شهادت] هستند، و هرگز [عقیده و پیمان خود را] تغییر ندادند.

این آیه در وصف کسانی است که صداقتشان تنها در حوزه گفتار و بستن عهد و پیمان نیست بلکه در میدان خونین جهاد، صادقانه، و همراه ایثار و فداکاری تا مرز شهادت و نثار جان پیش می‌روند؛ نمونه بارز این آیه از جمع تربیت یافتگان مکتب پیامبر، امیر مؤمنان علی علیه السلام است؛ چنان که مولای متقیان علیه السلام شأن نزول این آیه را صداقت خودش و عمویش حمزه و برادرش جعفر و پسر عمش عبیده در عهدی که با خدا و پیامبرش بسته‌اند می‌دانست.<sup>۱</sup> از دیگر آیات قرآن که بر ارزش و اهمیت صدق گواهی می‌دهد این آیه است که به مومنان امر می‌کند تا با صدق‌پیشگان و راست‌اندیشان همراه باشند و به آنها بپیوندند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ. (توبه: ۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و با اهل صدق همراه باشید.

سخنی دیگر در باب اهمیت صداقت، اشاره به این حقیقت است که خداوند در قرآن کریم، راست‌منشان را در ردیف انبیا و شهدا و از ارکان حیاتی جامعه می‌شمارد:

۱. البرهان، ج ۴، ص ۴۳۱.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا. (نساء: ۶۹)

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، [در روز رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق‌های خوبی هستند. این آیه در مقام معرفی و بیان ارزش الهی و جایگاه اجتماعی چهار طایفه‌ای است که در واقع ارکان معنوی جامعه به حساب می‌آیند: انبیاء، صدیقین،<sup>۱</sup> شهدا و صالحین. از این تعبیر روشن می‌شود که بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از مقام صدق و راستی وجود ندارد؛ چنان‌که هیچ صفت زشتی بعد از کفر بدتر از دروغ و نفاق و خیانت در سخن و عمل نیست.

نکته دیگر اینکه ذکر طبقات چهارگانه اشاره است به این معنی که برای ساختن یک جامعه انسانی سالم و شایسته، نخست باید رهبران دینی و انبیا وارد میدان شوند، آنگاه مبلغان صدیق - که قول و عمل آنها هماهنگ است - اهداف و آرمان‌های پیامبران را در همه جا پخش کنند، و به دنبال این دوران سازندگی فکری، جمعی در برابر عناصر آلوده و آنهایی که موانع راه‌حلقند، وارد شوند و قربانی دهند و شهید گردند. محصول این کوششها و تلاشها به وجود آمدن جامعه رشید و اجتماعی پاک و شایسته است، و روشن است که صالحان نیز برای روشن نگاه داشتن مشعل حق نسبت به نسل‌های آینده همین وظایف سه‌گانه را انجام خواهند داد؛ یعنی رهبری می‌کنند، تبلیغ می‌نمایند، و قربانی می‌دهند.<sup>۲</sup> از دیگر مواردی که در اهمیت صدق از منظر قرآن می‌توان بدان استناد نمود، معرفی شخصیت‌های الهی در قرآن با خصلت راستگویی است؛ چنان‌که در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام و نیز در مورد حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید:

۱. صدیق صیغه مبالغه است و به معنای کسی است که سرتاپا راستی و درستی باشد.

۲. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۶۱.



وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا. (مریم: ۴۱)

ابراهیم را در این کتاب یادکن که او پیامبری راستگو بود.

وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ. (۷۵: مائده)

و مادر او (مسیح) راستگو بود.

از مطالعه مجموع آیات مربوط به صفات خاص «صادقین» می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آنان کسانی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار، به خوبی انجام می‌دهند؛ نه تردیدی به خود راه می‌دهند و نه از انبوه مشکلات می‌هراسند بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند. بی‌شک صفت صادقین مراتبی دارد؛ بعضی ممکن است در قلّه آن قرار گرفته باشند و به مقام عصمت برسند و بعضی در مراحل پایین‌تر جای گیرند.<sup>۱</sup>

### جایگاه صدق در روایات

در شناسایی مقام صدق در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به شاخص‌ها و ویژگی‌هایی در خور توجه می‌رسیم که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. ملاک اسلام و ایمان

راستی و درستی ملاک ایمان و اساس تدین است و در تشخیص دین‌داری افراد از اهمیت والایی برخوردار است؛ آنان که به ظاهر عبادات ارج می‌نهند، در تعیین درجه شایستگی‌شان باید به محک صدق سنجیده شوند؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدْ اعْتَادَهُ وَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۵ ترجمه کمره‌ای.

[برای شناخت ایمان واقعی افراد] به طولانی شدن رکوع و سجده او نگاه نکنید؛ چرا که به این گونه عبادت کردن عادت کرده است و اگر ترکش کند، وحشت زده می‌شود به راستگویی و امانتداری او توجه کنید.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

مَلَائِكَةُ الْإِسْلَامِ صِدْقُ اللِّسَانِ.<sup>۱</sup>

ملاک اسلام راستی‌گویی است.

و نیز می‌فرماید:

الْإِيمَانُ أَنْ تُؤَيِّرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَالْأَيُّ كُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ.<sup>۲</sup>

نشان ایمان، برگزیدن راستی است بر دروغ، گرچه آن زیان رساند و این سود آورد، و نیز بیشتر از دانش حرف نزدن و در گفت و گو از دیگران، تقوای الهی پیشه کردن.

## ۲. مایه نجات و برکات

صدق و راستی - افزون بر اینکه هماهنگ با سرشت آدمی است و سبب پیدایش و شهرت حسن سابقه در افراد راستگو می‌شود - منشأ نجات و برکات معنوی است؛ آنسان که دورویی و دروغ‌گویی عامل ندمت و نحوست و نامبارکی است.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

عَاقِبَةُ الصَّدَقِ نَجَاةٌ وَ سَلَامَةٌ.<sup>۳</sup>

عاقبت راستی رستگاری است و سلامتی.

النَّجَاةُ مَعَ الصِّدْقِ.<sup>۴</sup>

۱. غررالحکم ودررالکلم، ص ۲۱۸.

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۹.

۳. غررالحکم، ص ۲۱۸.

۴. غررالحکم، ص ۲۱۸.

رستگاری با راستگوئی است.  
این سخن گهربار رسول اکرم ﷺ است که می فرماید:  
وَأَعْلَمُ أَنَّ الصَّدْقَ مُبَارَكٌ وَالْكَذِبُ مَشْوُومٌ.<sup>۱</sup>  
راستی، برکت آفرین و دروغ موجب شومی است.

### ۳. الهامات غیبی

صدق و راستی قوی ترین رکن ایمان، مهم ترین ملاک عملی مکتب توحید و نشانه حب الهی است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:  
إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَهَمَّهُ الصَّدْقُ.<sup>۲</sup>  
وقتی خدا بنده ای را دوست دارد، راستی رابه او الهام می کند.

### ۴. عامل پیروزی

صدق و راستی در فرهنگ دینی، از پایه های استوار جهاد به حساب می آید؛ چنان که مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید:  
جهاد چهار گونه است: امر به معروف، نهی از منکر، صداقت در هر جایگاهی، دشمنی با فاسقان. کسی که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را محکم نموده است و کسی که نهی از منکر نماید، بینی کافران را به خاک مالیده است و کسی که در هر صحنه با صداقت حضور یابد، بی تردید تعهد و مسئولیت خود را انجام داده است و کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا غضب نماید خدا برای او غضب می کند و روز قیامت، او را خوشنود می نماید.<sup>۳</sup>  
حضرت علی علیه السلام درباره ارزش و آثار صداقت بیان بلیغ و شیوایی دارد که فرمود:

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۹.

۲. غرالحکم، خوانساری، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

ما در رکاب پیامبر خدا ﷺ بودیم و با پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود جنگ می‌کردیم، که این مبارزه بر ایمان و تسلیم ما می‌افزود، و ما را در جاده وسیع حق و صبر و بردباری برابر ناگواری‌ها و جهاد و کوشش برابر دشمن، ثابت‌قدم می‌ساخت. گاهی یک نفر از ما و دیگری از دشمنان ما، مانند دو پهلوان نبرد می‌کردند، و هر کدام می‌خواست کار دیگری را بسازد و جام مرگ را به دیگری بنوشاند، گاهی ما بر دشمن پیروز می‌شدیم و زمانی دشمن بر ما غلبه می‌کرد. پس آنگاه که خدا، راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل و پیروزی را به ما عنایت فرمود، تا آنجا که اسلام استحکام یافته فراگیر شد و در سرزمین‌های پهناوری نفوذ کرد.<sup>۱</sup>

##### ۵. مایه عزّت و محبوبیت اجتماعی

علاوه بر اهمیت صدق در موارد بالا منشا و مایه عزت و محبوبیت اجتماعی نیز می‌باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الصِّدْقُ عِزٌّ.<sup>۲</sup>

راستگویی عزت است.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

الصَّادِقُ مُكْرَمٌ جَلِيلٌ.<sup>۳</sup>

راستگو گرامی و بزرگ است.

عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ فَمَنْ صَدَقَ فِي أَقْوَالِهِ جَلَّ قَدْرُهُ.<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۶.

۳. غررالحکم، ص ۲۲۰.

۴. غررالحکم، ص ۲۱۹.

بر توباد به راستی، آن که راست گوید قدر و منزلتش بلند گردد.

الصِّدْقُ مَرْفَعَةٌ.<sup>۱</sup>

راستی سربلندی است.

يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا حُسْنَ الْيَقَةِ بِهِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُ وَالْمُهَابَةَ عَنْهُ.<sup>۲</sup>

راستگو بسبب راستگوئی خود سه چیز را به دست می‌آورد، اعتماد نیکو،

محبوبیت، و جلالت و هیبت.

در یک جمع‌بندی کلی درباره اهمیت و ضرورت صدق می‌توان گفت:

صدق جامع تمام فضائل علمی و عملی است. زیرا صدق صفتی است که تمام اخلاق فاضله از عفت و شجاعت و حکمت و عدالت گرفته تا فروغ آنها را شامل می‌شود. چون انسان دارای سه قسمت است؛ اعتقاد و عمل و گفتار، موقعی که راستگو باشد این هر سه قسمت باهم موافق خواهند بود یعنی آنچه به جای می‌آورد همان است که می‌گوید و آن چه می‌گوید همان است که عقیده دارد.<sup>۳</sup>

### پرسش

۱. صدق در لغت و اصطلاح چه مفهومی دارد؟
۲. صدق را در سه حوزه گرایش، رفتار و گفتار تعریف کنید.
۳. صدق در حوزه اندیشه را توضیح دهید.
۴. ارزش و اهمیت صدق را با سه شاهد قرآن و روایی زنده توضیح دهید.
۵. نظر امیرمؤمنان (ع) در مورد ارزش و آثار صدق چیست؟

۱. غررالحکم، ص ۲۱۸.

۲. غررالحکم، ص ۲۱۹.

۳. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۱۰.



## درس دوم

### عوامل دستیابی به صدق

از دانشجو انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. عوامل صدق را برشمارد و نسبت به مفهوم آن آشنایی پیدا کند.

۲. رابطه بین هریک از عوامل را با صدق و راستی بیان کند.

۳. تصمیم بگیرد به عوامل ایجاد صدق در نفس خویش ملتزم گردد.

۴. بتواند خود را نقد کند و بر اساس جدول «شایستگی‌های پاسداری» به عملکرد خود نمره بدهد.

صدق پیشگی خصلتی است که تنها با تلاش همه جانبه و مجاهدات درونی و در پرتو مفاهیم دینی و گزاره‌های اخلاقی به دست می‌آید. و جهت دستیابی به آن توجه به موارد ذیل ضروری است:

#### ۱. تقویت ایمان و تقوا

گرچه صداقت، ریشه در فطرت و عقلانیت آدمی دارد ولی پایگاه و بستر رشد و کمال آن، ایمان مذهبی افراد است؛ یعنی با پیدایش و استحکام پایه‌های ایمان، پایه‌های صداقت نیز، استوار می‌گردد؛ چه بسا افرادی که به ظاهر دارای ایمان مذهبی هستند ولی از صدق و راستی لازم و صداقت کافی برخوردار نیستند؛ زیرا ایمان آنها،

سطحی، تقلیدی و خارج از اصول بنیادین است و چنین ایمانی، از تولید و توسعه صداقت ناتوان است. تنها ایمان و اعتقادی می‌تواند، مولد صدق و راستی باشد که مبتنی بر ارکان و پایه‌های سه‌گانه اساسی باشد که عبارتند از: «شناخت عقلانی»، «باور قطعی و یقینی» و «رفتار ظاهری» به همین جهت است که قرآن کریم، دین‌باوران و مؤمنان ظاهری را از نو به دین‌باوری و ایمان راستین، فرا می‌خواند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ... (نساء: ۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او ایمان بیاورید.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ يُؤْثِرَ الْعَبْدُ الصَّدَقَ حَتَّى نَفَرَ عَنِ الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُ...<sup>۱</sup>

این از حقیقت ایمان است که بنده راستی‌گزیند تا آنجا که از دروغ نافع نیز بگریزد و سخنش از مرز دانشش تجاوز نکند (آنچه نداند نگوید).

تقوا خاستگاه صداقت است، نهال پرثمر صدق، در بوستان تقوا شکوفه می‌زند. آنکه فاقد تقواست به یقین فاقد صداقت نیز هست؛ تقوا بسان منبع آبی است که تعداد معینی از جویبارها از آن، انشعاب یافته و مقدار معینی از آب را به هر یک از آنها هدایت می‌کند. کاستی آب در هر یک از آنها از کم شدن آب منبع، حکایت می‌کند؛ جویبار صداقت نیز از منبع تقوا نشأت می‌گیرد ضعف صداقت در شخص نشان از ضعف تقوای او است.

تقوا اگر در دل آدمی نفوذ یابد و به صورت ملکه درآید، صدق و وفا می‌آفریند، به اندیشه و عمل انسان سمت و سوی الهی می‌دهد و به همه حرکاتش رنگ معنوی می‌بخشد؛ صداقت و راستی از شعائر و مظاهر دینی است و آنچه به این شعائر، رنگ الهی می‌دهد تقواست. مقتضای این اصل ثابت است که قرآن مجید، تعظیم شعائر الهی را محصول تقوای دل می‌داند و می‌فرماید:

۱. تحف العقول، ص ۲۱۷.



ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرُ اللَّهِ فَأَنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. (الحج: ۳۲)

چنین است و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، این کار از تقوای دلهاست.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود:

إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ وَ...<sup>۱</sup>

اهل تقوا نشانه‌هایی دارند که با آن شناخته می‌شوند: راستگو، و ادای

امانت، و وفای به عهد و...

ابراهیم مخارق می‌گوید: دین خود را برای امام جعفر صادق علیه السلام تعریف کردم در

پایان امام علیه السلام فرمود:

رَحِمَكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ بِأَلْوَرَعٍ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَعِفَّةِ الْبُطْنِ وَالْفَرَجِ تَكُونُوا مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى.<sup>۲</sup>

خداوند تو را رحمت کند، و سپس سه بار فرمود: از خداوند بترسید و تقوا

پیشه کنید، همواره با ورع باشید و امانت‌ها را ادا نمایید، و شکم و دامن

خود را از حرام نگه دارید تا در مقام قرب با ما قرار گیرید.

## ۲. دانایی و معرفت

در متون دینی، از دانایی با کلیدواژه‌هایی همانند علم، معرفت، بصیرت و تفقه

تعبیر شده است. دقت در مفهوم این واژه‌ها نشان می‌دهد که معرفت و دانایی

همزاد انسان است و شخص جاهل و فاقد بصیرت، جایگاه مقبولی ندارد؛ چرا که

صحنه زندگی بدون داشتن دانایی همیشه تاریک است و در تاریکی نمی‌توان از

تجیر درآمد و راه نجات یافت؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. خصال شیخ صدوق، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲. بحارالانوار، ترجمه باب ایمان و کفر، ج ۱، ص ۳۹۵.

يَا كَمِيلُ! مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ.<sup>۱</sup>

ای کمیل! هیچ حرکتی [و کاری] نیست جز اینکه در آن به شناختی نیازمندی.

و نیز می‌فرماید:

الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ.<sup>۲</sup>

نادانی اصل و بیخ هر شرّ و بدی است.

آنچه در اینجا مهم است ایجاد آشتی میان صدق و معرفت و صداقت و راستکاری است. انسان وقتی به گوهر صدق دست می‌یابد که غواصی در ژرفای دریای معرفت را آموخته باشد. از نادان نباید انتظار صداقت داشت؛ انتظار صدق و راستی از جاهل، انتظار آب از صحرای آتش خیز کویر است. پس باید معرفت آموخت تا به کوی راستی راه یافت. آنکه حس شامه ندارد چگونه می‌تواند عطر دل‌انگیز را باز شناسد. چه بسیار افرادی که عمری در جرگه شیعیان جای داشته‌اند ولی در این ادعا صادق نبوده‌اند؛ چون مقام ربّانی علی علیه السلام را در نیافته‌اند.

### ۳. تعقل

عقل چراغ پر فروغ زندگی است بدین شرط که به کار افتد و موانع از سر راه آن برداشته شود؛ پسان مواد معدنی که با استخراج، تجزیه و تصفیه ارزش می‌یابد وگرنه صرف آگاهی از محل و مقدار آن اثر خاص اقتصادی نخواهد داشت. معدن عقل نیز زمانی پرتوافکن است که به جریان افتد و را کد نماند. به کارگیری در زبان وحی به «تعقل» تعبیر شده است تعقل به این معنا از مؤلفه‌های صدق و راستی زیرا قدرت عقل با صداقت وزن می‌شود؛ اگر کسی اندیشه و تفکر خود را به کار گیرد و در حل و فصل مشکلی ره‌چاره‌های گوناگونی اعمال کند اما به ابعاد

۱. الحیة با ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۶۳.

۲. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۰۵.

و حیانی و اخلاقی آن توجه کند، از تعقل واقعی فاصله گرفته است. تعقل زمانی تحقق می‌یابد که همراه تقید باشد.

عقل‌گرایی هنگامی که پایبند به وحی باشد، شخص را از تفکرات و تصمیمات ناموزون و ناپسند باز می‌دارد. و گویی صرف تدبیر بدون صدق و راستی نه نشانه عقل آدمی است بلکه زمینه‌ساز حيله و مکر و خدعه است. بدون تردید طرحی که معاویه در حکومت خویش در انداخت به دور از موازین اخلاقی و ضوابط شرعی بود و برای فریب مردم بود، نه تعقل و تدبیر عقلانی؛ به همین جهت است که تعریف جامع عقل در فرهنگ ائمه علیهم‌السلام با مفهوم صداقت در آمیخته است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان.<sup>۱</sup>

عقل چیزی ست که به سبب آن خدای رحمان پرستش شود و بهشت به دست آید.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الصِّدْقُ.<sup>۲</sup>

میوه عقل و خرد صدق است.

خلاصه کلام آنکه عقل و تعقل نباید با مکر و دغل‌بازی اشتباه شود؛ عقل در معنای واقعی‌اش همواره بُعد اثباتی دارد و با صدق و راستی و با خیرات و برکات خدا پسند همراه است.

#### ۴. خودکنترلی

مدیریت بر خود از دیگر عوامل صدق است مقوله‌ای که صبغه دینی، و سابقه‌ای دیرینه دارد و در منابع اخلاقی در مرحله‌ای به محاسبه نفس، مرحله‌ای نقادی و

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۳۳۳.

در مرحله دیگر نقدپذیری تعبیر می‌شود. هر کس نمی‌تواند در مدیریت بر خود موفق شود، تنها کسی در این باب توفیق می‌یابد که صداقت را میزان ارزیابی خود بشناسد. و راستی و درستی را شعار خود قرار دهد، واقع‌گرا و حقیقت‌بین باشد، خود را در زندان تخیل نفریبد و بزرگتر از آنچه هست نبیند، و البته دچار تحقیر نفس نیز نگردد. مدیریت موفق بر خویشتن در حقیقت قضاوت صادقانه و داوری عادلانه در مورد خویشتن است و آن، زمانی تحقق می‌یابد که آدمی خویشتن را در کرسی محاسبه بنشاند و از اندیشه و عمل و رفتار و گفتار خود به دقت حساب بکشد.

۴-۱. محاسبه نفس؛ یعنی به بازرسی درون و دل پرداختن و پرونده فکری و عملی خویش و ارسی کردن و خود را به محکمه استیضاح کشاندن و سود و زیان روزانه را در دفتر دل ثبت نمودن.

آن کس که به محاسبه نفس می‌پردازد باید در دو ساحت مادی و معنوی به حسابرسی دقیق همت گمارد؛ از غذایی که می‌خورد، و درسی که می‌خواند، حرفی که می‌زند، سخنی که می‌شنود، جایی که می‌رود و همه عملکردهای ریز و درشت، و خوب و بد خود را از نظر کم و کیف باید بررسی کند و بنگرد کدام یک مرضی خداوند بوده و کدامیک مبعوض خدا. آنگاه به این امر بیندیشد که باید فعل پسندیده را بیش از پیش ادامه دهد و فعل ناپسند را در جدول زمانی مناسب فروکاهد تا آنگاه که در نامه اعمال روزانه‌اش نمونه‌ای از این فعل نیابد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهَ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ.<sup>۱</sup>

از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود نرسد تا اگر کار نیکی کرده از خداوند توفیق بیشتر آن را بخواهد و اگر کار بدی انجام داده است از خداوند طلب بخشش کند و توبه نماید.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

لقمان حکیم در وصیت فراگیر به فرزندش فرمود:

وَاجْهَدْ أَنْ يَكُونَ الْيَوْمَ خَيْرًا لَكَ مِنْ أَمْسٍ وَغَدًا خَيْرًا لَكَ مِنَ الْيَوْمِ فَإِنَّهُ  
مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُورٌ وَمَنْ كَانَ يَوْمُهُ شَرًّا مِنْ أَمْسِهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ.<sup>۱</sup>

و کوشش کن تا اینکه امروز تو بهتر از دیروزت باشد، و فردای تو بهتر از امروز تو باشد، برای اینکه هر کس دو روزش مساوی و یکسان باشد چنین کسی به غبن و ضرر گرفتار شده، چون یک روز از سرمایه عمر او گذشته و در مقابل آن چیزی به دست نیاورده. و هر کس امروزش بدتر از دیروزش باشد او ملعون است، چون کاری که او را به رحمت خدا نزدیک کند انجام نداده، بلکه موجبات دوری از رحمت خدا را برای خود فراهم ساخته و ملعون و مطرود و دورافتاده از رحمت است.

مقایسه دقیق بین دو روز به صورت قهری و خودکار صدق و راستی را پدیدار می‌سازد و تا صدق در میان نباشد اصولاً داوری و مقایسه به صورت صحیح و واقع‌بینانه نخواهد بود.

این نوع محاسبه افزون بر آثار تربیتی و اخلاقی که دارد بر صدق و راستی انسان می‌افزاید و در این صورت هیچ‌گاه از مدار خود خارج نمی‌شود و در صدد مکر و نیرنگ برنمی‌آید.

۴-۲. نقادی؛ نقادی بر دونوع است: نقادی از دیگران و نقادی از خویشتن؛ نوع اول در تمام فرهنگها معمول است ولی دومی، یعنی تنقید از نظرات و اندیشه‌های خود از ویژگی‌های موحّدان به ویژه مشرق زمین و پیروان اسلام است. این خصلت، ناشی از صداقت و راستی، واقع‌گرایی و حقیقت‌بینی برگرفته از احترام به اصل معرفت است چنانکه امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

من علامات العالم انتقاده لحديثه.<sup>۲</sup>

۱. ارشاد القلوب، ترجمه طباطبائی، ص ۲۹۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹.

از نشانه‌های عالم [واقعی] این است که سخن خود را به پای نقد می‌کشد. مهم‌ترین اثر نقادی مبارزه با اصل نفسانی «انما» و شکستن سدّ اعجاب و غرور علمی است و مانع از تحجر، جمود شخصیت زدگی است.

۳-۴. نقد‌پذیری؛ آدمی هر قدر کمال یافته و خود ساخته باشد، نباید خود را مصون از خطا بداند و در برابر انتقاد دیگران خشمناک شود یا احساس حقارت کند بلکه باید نقد‌پذیر باشد؛ یعنی سزاوار است به افراد شایسته اجازه دهد تا نقاط ضعف او را بازگو کنند؛ هر چند خود دانشمندی فرهیخته باشد. مؤمن صادق نباید خود را برتر از دیگران پندارد بلکه این خصلت پسندیده انبیا را در خود زنده کند که خود را در معرض نقد قرار می‌دادند؛ گرچه معصوم بودند. قرآن به نقل از حضرت یوسف علیه السلام طریق پسندیده صداقت با خود را نشان می‌دهد:

وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ. (یوسف: ۵۳)

و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم؛ چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند؛

زیرا پروردگار من آمرزنده و مهربان است.

بر این اساس است که ائمه علیهم السلام پیوسته به پیروان خود توصیه می‌کردند تا این خصلت پسندیده را در خود همچنان زنده نگه دارند؛ چنان که امام هادی علیه السلام به یکی از دوستان خود فرمود:

غَاتِبْ فَلَانًا وَقُلْ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا إِذَا عُوْتِبَ قَبِلَ.<sup>۱</sup>

فلانی را سرزنش کن و به او بگو: هرگاه خدا برای بنده‌ای خیر بخواهد، هنگامی که وی سرزنش [و انتقاد] شود می‌پذیرد.

و این زمانی می‌سور است که انسان در بلند آسمان صدق قرار گیرد و به صداقت جامع و کامل دست یابد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۳.

## ۵. تقویت معادباوری

قرآن کریم بعد از توحید و بیش از دیگر تعالیم دینی، معاد را مطرح کرده است و آیات و سوره‌های بسیاری یادآور مرگ و معاد است. از این رو مؤمن واقعی همواره باید به یاد مرگ و معاد وبرزخ و دوزخ باشد، حشر و نشر را در نظرش مجسم نماید. و یکی از راه‌های نجات و بهره‌مندی از پاداش‌های اخروی را صداقت بداند:

هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (مائده: ۱۱۹)

روز قیامت صدق و راستگوئی راستگویان به حال آنان مفید و سودمند است پاداش آنان بهشتی است که از زیر درختانش جوی‌های آب جاری و برای همیشه در آن نعمتها هستند خدا از آنان خشنود و آنان هم از خدا راضی و خشنودند رستگاری بزرگ این است.

یاد معاد اثر تربیتی زیادی دارد، انسان با یاد مراحل مختلف قیامت در افکار، گفتار و رفتار خود بازنگری می‌کند و بیش از پیش مراقب نفس خود می‌شود. یادآوری صحنه‌های دهشت‌انگیز قیامت، انسان را از دروغ‌پردازی، ظلم و خیانت و دغل‌بازی و فریبکاری باز می‌دارد و او را به صداقت و راستی و رستگاری و سعادت ابدی فرا می‌خواند آن‌که به یقین می‌داند که در محکمه عدل و با شهادت و گواهی خدای عادل، و اعضا و جوارح خویش محاکمه خواهد شد قطعاً در اندیشه و عمل خود تجدید نظر می‌کند و صدق و راستی را مبنای زندگی خود قرار می‌دهد. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌نویسد:

يَا بُنَيَّ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ جَذْرَكَ وَ شَدَدَتْ لَهُ أَرْزَكَ وَ لَا يَأْتِيكَ بَغْتَةً فَيَهْرَكَ<sup>۱</sup>.

۱. نهج البلاغه، ۳.

پسرم! از مرگ و از هر آنچه که پس از آن به ناگهان بدان روی می‌آوری و به سوی آن کشیده می‌شوی، فراوان یاد کن چنان‌که مرگ در حالی به سراغت آید که برایش سلاح مناسب برگرفته باشی و کمر را محکم بسته باشی، نه آن چنان ناگهان فرود آید که تو را مات سازد و مغلوبت نماید.

## ۶. ذکر

روح و محرک اصلی صدق، ذکر خداست چه نیرویی به جز ذکر خدا می‌تواند انسان را به جایگاه بلند صدق و راستی صعود بخشد؟ مگر معقول است که بدون نام و یاد خدا به قلّه عظیم صداقت دست یافت؟ کدام صدق است که بدون ذکر خدا معنا یابد و انسان را از دل تاریکی به روشنی در آورد؟

یاد خدا چه در زبان چه در دل، چه به صورت مقطعی و چه استمراری، و نیز صداقت در ذکر نردبان عروج مؤمن است. مراد از ذکر خدا تنها ذکر زبانی نیست بلکه مراد این است که هر فرد خود را در همه شرایط در محضر خدا ببیند و او را در همه جا حاضر و بر همه اعمال و رفتار خویش ناظر بداند. ذکر به این معنا صدق فراگیر می‌آفریند و انسان را از کج‌اندیشی‌ها بازمی‌دارد.

اگر ذکر خدا با صدق و راستی افراد نیامیزد جز نوعی نفاق و کذب و ریا نیست که جز خوشحال کردن شیطان ثمری ندارد صداقت در ذکر موجب می‌شود که ذاکر هنگام روبه‌رو شدن با تکالیف واجب به یاد خدا باشد و آنها را انجام دهد و هنگام روبه‌رو شدن با محرمات و معاصی از خدا غافل نباشد و تقوا پیشه کند. از این رو قرآن مؤمنان را مأمور به ذکر خدا می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. (احزاب: ۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید.

و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:



اعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَأَرْكَاها وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ خَيْرَ مَا  
طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى فَاتُّهُ اخْبَرَ عَنْ نَفْسِهِ فَقَالَ أَنَا  
جَلِيسٌ مِّنْ ذِكْرَنِي.<sup>۱</sup>

بدانید که بهترین اعمال شما نزد خداوند و پاکیزه‌ترین آنها و آنچه از همه  
بیشتر درجات شما را بالا می‌برد و بهترین چیزی که آفتاب بر آن تابیده،  
ذکر خدای سبحان است؛ زیرا خدای تعالی از خودش خبر داده، فرمود:  
من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

## ۷. انس با دعا و مناجات

دعا از دیگر مؤلفه‌های صدق است و عبارت است از مجسم ساختن توجه قلبی، و  
درخواست باطنی به صورت درخواست ظاهری همانند درخواست افراد بشر از  
یکدیگر. دعا کننده در برابر پروردگار متعال آن حالتی را می‌گیرد، که یک انسان  
فقیر و عاجز و درمانده در برابر توانگری عزیز و عالی؛ دست خود را در مقابل او  
دراز نموده، و با حالت ذلت و تضرع نیاز و حاجت خود را به زبان می‌آورد. این  
حقیقت را در وجود رسول خدا ﷺ به روشنی می‌توان دید؛ چنان‌که امام سجاده علیه السلام  
در وصف حال آن حضرت ﷺ فرمود:

رسول خدا ص وقتی به دعا مشغول می‌شد دست خود را بلند می‌کرد، و  
مناجات و دعا می‌نمود، به حالتی که یک فقیر گرسنه در گدایی به خود می‌گیرد.  
مؤمن حقیقی آنگاه به صدق دست می‌یابد که خواسته‌های خود را با خدا در  
میان بگذارد و بر آن اصرار ورزد. آنکه صداقت ندارد نیازهای خود را با غیر  
خدا در میان می‌گذارد یا خواسته‌هایش را ریاکارانه و آمیخته به هوای نفس و با  
زبان آلوده مطرح می‌کند. و چنین دعایی برآورده نخواهد شد. حضرت علی علیه السلام  
می‌فرماید:

---

۱. طرائف الحکم، ج ۲، ص ۸۲.

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دَعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ<sup>۱</sup>

خداوند دعای قلب بازیگر را مستجاب نمی‌کند.

از دعا‌های پیامبر است که می‌فرماید:

وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَ لِسَانًا صَادِقًا.<sup>۲</sup>

ای پروردگار من از تو قلب سالم و زبان راستگو... می‌خواهم.

### پرسش

۱. ایمان چه پیوندی با صدق دارد؟ توضیح دهید.

۲. تقوا چگونه صدق‌آفرین است؟

۳. معرفت و دانایی چه رابطه‌ای با صداقت دارد؟

۴. خودکنترلی، چه جایگاهی در فرهنگ دینی دارد؟

۵. یاد خدا و معاد چه نقشی در آفرینش صدق دارد؟

---

۱. علة الداعی، ص ۱۸۰.

۲. مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۲، ص ۳۳.

## درس سوم آثار صدق

از دانشجو انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. آثار و پیامدهای صدق و عدم صدق را برشمارد.
۲. به نقش صدق در اصلاح فرد و جامعه آگاهی یابد.
۳. تصمیم بگیرد از خود را از دایره کذب برهاند.
۴. چند مورد از آیات و روایات مربوط به صدق و کذب را توضیح دهد.

### ۱. سلامت دین

صدق ملاک و میزان دین‌مداری است و کسی صادق است در حقیقت در صدد حفظ دین خود می‌باشد و صادق با صداقت خویش دین خود حفظ می‌کند

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ صَدَقَ أَصْلَحَ دِيَانَتُهُ<sup>۱</sup>

هر که راست گوید دینداری خود را و نیکو کرده است.

### ۲. دستیابی به مقامات معنوی

ابی‌کهمش به حضرت صادق علیه السلام عرضه داشت که عبداله ابی‌یغفور خدمت شما

---

۱. غررالحکم، ص ۲۱۸.

سلام می‌رساند حضرت فرمود. بر تو و بر او سلام باد. هنگامی که عبدالله را دیدی از طرف من به او سلام برسان و بگو که جعفر بن محمد به تو می‌گوید:

انْظُرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَالْزَمَهُ فَإِنَّ عَلِيًّا ع إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.<sup>۱</sup>

بنگر به آن (مقامی که) علی ع نزد پیغمبر به آن رسیده است تو هم مراقب آن باش که علی ع آن مقام و منزلت را نزد پیامبر، بسبب راستی و اداء امانت بدست آورد.

### ۳. عزّت

اولین اثر صدق و راستی عزّت است و آن در اصل به معنای صلابت و سختی و در اصطلاح، حالتی است در انسان که مانع مغلوب شدن او در برابر عوامل خوارکننده می‌شود.<sup>۲</sup> شخص صادق و درستکار وقتی که بر وفق مراد و خواسته خدا عمل می‌کند خداوند متعال نیز در مقابل به او پاداش می‌دهد و عزیز شدن، اولین پاداش او است؛ چنان‌که امیرمؤمنان حضرت علی ع می‌فرماید:

مَنْ اطَاعَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عَزَّ وَ قَوِيَ.<sup>۳</sup>

هرکس از خدا اطاعت کند، عزیز و قوی می‌شود.

عزت از آن خداوند است و تنها به افرادی عطا می‌شود که رنگ بندگی بیابند و در تمام مراحل زندگی بر اساس رضوان الهی عمل کنند. آیه هشت سوره منافقون بر این معنا دلالت دارد که باریافتگان به درگاه الهی نیز عزتمند خواهند بود:

وَلِلَّهِ الْغَنَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ. (منافقون: ۸)

۱. ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۷۳.

۲. ر. ک: اخلاق سیاسی، ص ۹۸، علی اصغر الهامی نیا.

۳. شرح غررالاحکام، ج ۵، ص ۲۹۱.

عزّت، مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است.

از درون شکافی آیه، برمی آید که تنها زادگاه عزت و سیادت، صدق و راستی است و هرگز ممکن نیست کسی بدون رعایت موازین صداقت به درون مرزهای عزت راه بیابد. با نظر به این معنی است که روایت شد خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد:

وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي.<sup>۱</sup>

عزّت را در اطاعت خویش نهاده‌ام.

تنها مسیر عزت یابی، پیمودن راه حق و صدق و عدالت است و آن کس که بدون سرمایه صدق در صدد راهیابی به سیادت و عزّت و سعادت است سخت در اشتباه است و این، صریح سخن حضرت علی علیه السلام که می فرماید:

مَنْ يَطْلُبُ الْعِزَّ بِغَيْرِ حَقٍّ يَذُلُّ.<sup>۲</sup>

هر کس به جز از راه حق، عزّت جوید، ذلیل خواهد شد.

و مؤمن با صدق و راستی خود را در مسیر کسب عزّت قرار می دهد و با افزایش ایمان خود، به عزّت می افزاید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الصِّدْقُ عِزٌّ.<sup>۳</sup>

راستگویی عزّت است.

پس بین صدق و کسب عزّت ملازمه است بسان ماشین و راننده که هم راننده به ماشین حرکت می دهد و هم ماشین راننده را می برد. صداقت و درستکاری و حق جویی به انسان عزّت می بخشد و استمرار عزّت نیز بر صدق و وفای آدمی می افزاید؛

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳.

۲. همان، ج ۷۷، ص ۲۸۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۶.

#### ۴. مایه نجات

صدق و نجات همواره همراهند و در رهایی افراد از بن‌بستها و گرفتاری‌ها انفکاک‌ناپذیرند راستی جزء جدانشدنی و عضو ثابت پیکره ایمان است؛ هر جا ایمان هست نجات نیز هست که «النَّجَاةُ مَعَ الْإِيمَانِ»؛<sup>۱</sup> رهایی با ایمان است.

و عده‌های صادقانه اهل بیت علیهم‌السلام از یک سو و تجربه کامل و مکرر از سویی دیگر به خوبی این حقیقت را ثابت می‌کنند که افراد یا جوامعی که در مسیر زندگی، راه صحیح، معقول و مستقیمی انتخاب کرده‌اند هرگز به دام نیفتاده و در بند گرفتار نشده‌اند بلکه از معابر صعب و سخت، که مولود طبیعی برخی از امور زندگی است، به آسانی گذشته‌اند. زندگی سیاسی امام خمینی (ره) نمونه بارز و شاهد صادق این مدعاست؛ او در دوران سخت زندگی حتی یک بار اظهار شکست نکرد و به بن بست نرسید.

با این آثار واقعی صدق و راستی است که امیرمؤمنان علیه‌السلام پیروان خود را به آن سفارش نموده، می‌فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَهُوَ النَّجَاةُ وَ الْمُنَجَاةُ.<sup>۲</sup>

و راستگویی را پیشه خود سازید، که رستگاری و نجات در آن است.

از اطلاق و کلی بودن روایات به خوبی برمی‌آید که صدق تنها سبب نجات دنیوی نیست بلکه در جهان آخرت نیز مایه نجات است؛ با این تقریر که دنیا عالم حدوث است و آخرت عالم ظهور؛ و انسان بر وفق حدوث خود ظهور می‌یابد و جزا و پاداش اخروی و برزخی هر کس انعکاسی است از اعمالی که در این جهان انجام می‌دهد. پس صداقت و درستکاری که در این جهان افراد را از انواع نگرانی‌ها نجات بخشیده به یقین در قیامت هم می‌تواند مایه نجات او گردد.

۱. ارشاد القلوب، ترجمه سلگی، ج ۱، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۴۴.

## ۵. همراهی خدا و پیامبر با انسان

از دیگر آثار و برکات صدق، همراهی خدا و پیشوایان دینی با شخص صداقت‌پیشه است؛ چه در دنیا و چه در آخرت. دلایل قرآنی و روایی بر این سخن بیش از شمارش است و ما در این مورد به برخی از آنها بسنده می‌کنیم: مردی از انصار به حضور رسول الله ﷺ آمد، و عرضه داشت: «یا رسول الله من تاب جدایی از تو را ندارم. به خانه‌ام می‌روم همین که به یاد تو می‌افتم دیگر دستم به کار نمی‌رود. کارم را هر چه باشد رها می‌کنم و به زیارت تو می‌آیم تا تو را ببینم و آرام بگیرم. از بس که به تو علاقه‌مندم، و اکنون در این اندیشه‌ام که در روز قیامت که تو داخل بهشت شده تا اعلیٰ علیین بالا می‌روی، من آن روز چه کنم؟» اکنون در پاسخ این مرد آیه شریفه نازل شد:

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَٰئِكَ رَفِيقًا.<sup>۱</sup>

و هر کس خدا و پیامبر را اطاعت کند همواره با کسانی خواهد بود که خدا به آنها نعمت داده است از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و اینان نیکو همنشینانی هستند.

از این آیه و نیز نحوه محبت‌ورزی آن مرد به رسول خدا ﷺ می‌توان دو نکته را برداشت کرد:

الف. صدق و راستی در منظر قرآن فراتر از راستگویی است بلکه مقصود از آن به کارگرفتن صداقت در همه امور دینی و در همه ابعاد زندگی است. آن کس که در برابر ولایت تواضع کند و محبت ولی خدا را در دل جای دهد و به دور از ریا و خودنمایی به حبیب خدا اظهار محبت کند، به سبب این محبت صادقانه مورد لطف الهی قرار می‌گیرد.

۱. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۶۶۲.

ب. کسی که از نظر و خط و مشی زندگی از ائمه علیهم‌السلام پیروی کند و همگام با آن بزرگواران حرکت کند، در آخرت هم به همان شیوه خواهد بود. حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ، وَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام حَقًّا.<sup>۱</sup>

مسلمانی که در دنیا برای برادران دینی خود تواضع و فروتنی نماید او نزد خدا از صدیقین و راستگویان بشمار خواهد رفت، و از شیعیان راستین علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌باشد.

## ۶. اعتماد عمومی و محبوبیت اجتماعی

از دیگر آثار و برکات صدق، اعتماد عمومی و محبوبیت اجتماعی است؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا حُسْنَ الثَّقَةِ بِهِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُ وَ الْمَهَابَةَ عَنْهُ.<sup>۲</sup>  
راستگو بسبب راستگوئی خود سه چیز را به دست می‌آورد، اعتماد نیکو، محبوبیت، و جلالت و هیبت.

## پرسش

۱. عزت چیست و چه رابطه‌ای با صداقت دارد؟

۲. دینداری چه ارتباطی با صدق دارد؟

۳. سه نمونه از آثار صدق را بنویسید؟

۱. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. غرر الحکم، ص ۲۱۹.



## درس چهارم پیامدهای بی صداقتی (کذب)

- از دانشجو انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:
۱. پیامدهای عدم صدق را برشمارد.
  ۲. تصمیم بگیرد از کذب و ریا دوری گزیند.
  ۳. با ایراد مثلی قرآنی ثابت کند «علم بی عمل» نوعی از کذب است.

بی صداقتی بدترین آثار؛<sup>۱</sup> تلخ و پیامدهای ناگواری دارد که در این مقال به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

### ۱. خرابی ایمان

فرد غیر صادق، که حرکتش بر خلاف فطرت است، همیشه مضطرب و نگران است. در روایات اسلامی از این حالت گاهی به شر و گاهی به تخریب ایمان تعبیر؛ چنان‌که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

انَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ.<sup>۲</sup>

دروغگویی ایمان را ویران می‌سازد.

---

۱. عَاقِبَةُ الْكَذِبِ شَرُّ عَاقِبَةٍ. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲.

۲. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۴۷.

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وَالْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ.<sup>۱</sup>

دروغ بدتر از شراب است.

چنان‌که شراب مست می‌کند و حالت اعتدال و آرامش روحی و روانی را از انسان می‌گیرد دروغ‌پردازی نیز سبب تزلزل و تردید و تحیر می‌گردد با این تفاوت که آسیب‌های شراب نوعاً در حوزه فرد و چه بسا پنهانی و زودگذر است بر خلاف دروغ که بازتاب اجتماعی دارد و محدود به فرد نیست به همین جهت دروغگو همیشه در اضطراب و به دور از اعتدال و اعتماد است؛ ولی صدق و درستکاری همواره مایه آرامش آدمی است.

چنان‌که حضرت علی علیه السلام در این گفتار خود به آن اشاره می‌کند و می‌فرماید:

مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الْيَقَةُ بِهِ.<sup>۲</sup>

کسی که به دروغ‌گویی معروف شود، اعتماد مردم نسبت به او کم می‌گردد.

و چنین شخصی جایگاه مردمی نمی‌یابد و هر روز، از قدر و قیمتش می‌کاهد.

چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ ذَهَبَ بِهِائِهِ.<sup>۳</sup>

کسی که دروغش زیاد شود ارزشش از بین می‌رود.

## ۲. نفاق

نفاق مهم‌ترین پیامد بی‌صداقتی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الْكُذْبُ يُوْدِي إِلَى النِّفَاقِ.<sup>۴</sup>

۱. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۳.

۲. شرح غررالحکم، ج ۷، ص ۲۴۵.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۸.

۴. غررالحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۰.

دروغگویی منجر به نفاق می‌شود.

به همین جهت قرآن کریم، در مقام معرفی منافقان، نشانه آنها را دروغگویی معرفی می‌کند:

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ  
وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ. (المنافقون: ۱)

هنگامی که منافقان نزد تو می‌آیند می‌گویند ما شهادت می‌دهیم که  
حتما تو رسول خدایی و خداوند می‌داند که تو قطعاً رسول او هستی ولی  
خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغگو هستند.

نخستین سخنی که قرآن در این آیه درباره منافقان مطرح می‌کند اظهار ایمان  
دروغین آنها است که پایه اصلی نفاق را تشکیل می‌دهد، دوگانگی ظاهر و باطن؛  
آنها با زبان همراه با تأکید اظهار ایمان می‌کنند، ولی در دلشان هرگز خبری از  
ایمان نیست.

روی این حساب، اگرچه شهادت منافقان به رسالت پیامبر اسلام ﷺ خبری  
مطابق با واقع است پس «کذب خبری» نیست ولی چون برخلاف عقیده  
گویندگان این خبر بود «کذب مخبری» است. از این رو قرآن می‌گوید: تو  
پیغمبر خدا هستی اما اینها دروغ می‌گویند؛ به تعبیری دیگر، منافقان  
نمی‌خواستند، خبر از رسالت پیامبر ﷺ بدهند، بلکه می‌خواستند از اعتقاد خود به  
نبوت او خبر دهند، و بی‌شک در این خبر دروغگو بودند. این نکته نیز قابل  
توجه است که آنها در شهادت خود انواع تأکیدها را به کار بردند و این خود نشانه  
دیگری از نفاق و دروغگویی آنهاست.<sup>۱</sup>

بنابراین طبق این آیه دروغگویی علامت نفاق است.

و این در روایتی از پیامبر خدا هم نقل شده که فرمود:

۱. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۴۹.

لِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اتَّخَذَ حَاثًا.<sup>۱</sup>  
 برای منافق سه علامت است: چون سخن بگوید، دروغ می‌گوید؛ و  
 چون وعده دهد، تخلف می‌کند؛ چون امانتی به او سپرده شود، خیانت  
 می‌کند.

گرچه نفاق به مفهوم خاصش، صفت افراد بی‌ایمانی است که در ظاهر در  
 صف مسلمانانند، اما در باطن دل در گرو کفر دارند، ولی نفاق معنای وسیعی دارد  
 که هر گونه دوگانگی ظاهر و باطن، گفتار و عمل را شامل می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۳. فقر

فقر یکی دیگر از پیامد بی‌صداقتی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اعْتِيَادُ الْكَذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ.<sup>۳</sup>

عادت به دروغ سبب فقر می‌شود.

### ۴. نکوهش و پشیمانی

دروغ‌گویی سرانجام به پشیمانی و ملامت دیگران ختم می‌شود چرا که بعد از  
 اندک زمانی آنچه که پنهان بوده برای دیگران آشکار می‌گردد و دروغگو مورد  
 نکوهش و مذمت قرار گرفته و از این امر پشیمان می‌گردد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

عَاقِبَةُ الْكَذِبِ مَلَامَةٌ وَ نَدَامَةٌ.<sup>۴</sup>

سرانجام دروغ‌گویی، سرزنش و پشیمانی است.

۱. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۰۶.

۲. ر.ک. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۷۰.

۳. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۱.

۴. غرر الحکم، ص ۲۲۰.

و نیز می‌فرماید:

عَاقِبَةُ الْكَذِبِ التَّدْمُ وَ فِي الصِّدْقِ السَّلَامَةُ.<sup>۱</sup>

سرانجام دروغ پشیمانیست، سلامتی در راستی است.

### ۵. زمینه ساز گناهان (بدیها)

بی‌صدافتی (دروغگویی) در زبان امامان معصوم علیهم‌السلام منشاء تمامی بدی‌ها و گناهان شمرده شده است به طوری که ورود به گناهان دیگر با دروغ آغاز می‌شود. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مِفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابُ وَ الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ.<sup>۲</sup>

خداوند برای شرور و بدیها، قفل‌هایی قرار داده که مردم از خطرات آنها بر کنار باشند. شراب کلید قفل‌های بسته شرور و ناپاکی است، ولی خطر دروغ از شراب بیشتر است.

و نیز امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرماید:

حَطَّتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جَعَلَ مِفْتَاحَهُ الْكَذِبُ.<sup>۳</sup>

تمام ناپاکی‌ها و گناهان در خانه‌ای جمع شده و کلید آن دروغگوئی است.

### ۶. بی‌اعتمادی و مقبولیت

آن‌کس که دروغ می‌گوید خیال نکند که با این عمل در کوتاه مدت سودی برده است بلکه بالعکس باعث شده که مردم در دراز مدت از وی بی‌اعتماد شوند و حتی بر اثر این گناه محبوبیت و مقبولیت او نزد خانواده‌اش هم کم‌رنگ خواهد شد با علم به این مطلب امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

۱. بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۲۱۳.

۲. بحارالأنوار، ج ۶۹، ص ۲۳۷.

۳. مستدرک، ج ۲، ص ۱۰۰.

يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بِكَذِبِهِ ثَلَاثًا سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ وَ مَقَتَ الْمَلَائِكَةِ لَهُ.<sup>۱</sup>

دروغگو به دروغگوئی خود سه چیز را، به دست می‌آورد: غضب الهی، و خواری بین مردم، و دشمنی ملائکه.

و نیز می‌فرماید:

الْكَذَّابُ وَالْمَيِّتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيِّتِ الثِّقَّةُ بِهِ فَإِذَا لَمْ يُوثَّقْ بِكَلَامِهِ فَقَدْ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ.<sup>۲</sup>

دروغگو و مرده برابرند، همانا مزیت زنده بر مرده این است که می‌توان به او اعتماد کرد پس هرگاه اعتمادی نباشد حیاتش بیهوده است.

در فراز دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید:

لَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ بِهَا وُكٌ ... وَ مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ ذَهَبَ بِهَا وُهُ.<sup>۳</sup>

دروغ مگو که بهایت می‌رود ... هر که دروغش بسیار باشد بهایش برود.

### پرسش

۱. پیامدهای بی صداقتی کدامند؟

۲. صدق و کذب منافقان را در پرتو آیه‌ای توضیح دهید.

۳. چرا کذب منشاء تمام بدی هاست؟

---

۱. غرر الحکم، ص ۲۲۱.

۲. غرر الحکم، ص ۲۲۰.

۳. أمالی الصدوق، ۵۴۳.

## درس پنجم

### عوامل تهدیدکننده صدق

از دانشجو انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. عوامل تهدیدکننده صدق را برشمارد.
۲. آثار غفلت از یاد خدا و معاد را بداند.
۳. به ترک شهوات و دیگر عوامل تهدیدکننده صدق اشتیاق پیدا کند.
۴. براساس آیات نورانی قرآن و روایات بتواند ثابت کند که: کسی که صادق نیست نمی‌تواند مسئولیت خود را به شایستگی انجام دهد.

این درس عهده‌دار آسیب‌شناسی صدق است یعنی باید دید چه عواملی صدق و راستی را تهدید و بازار صداقت را سیاه می‌کند؟ عوامل تهدیدکننده صدق زیاد است که مهمترین آن عبارتند از:

#### ۱. عافیت‌طلبی

عافیت‌طلبی یعنی سرسلامتی جستن، بی‌درد زیستن، در راحت و آسایش بودن، به پاره‌ای از وظایف شخصی و عبادات فردی مشغول شدن و از زیر بار مسئولیت‌های اجتماعی اسلام شانه‌خالی کردن. این سلیقه نوعی انزوای طلبی، عزلت‌نشینی و رهبانیت است و هرگز مطلوب و مورد پسند فرهنگ دینی نیست.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرُّهْبَانِيَّةَ، إِنَّمَا رُهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

همانا خداوند تبارک و تعالی انزوا و دیرنشینی را بر ما مقرر نکرده است؛ رهبانیت امت من جهاد در راه خداست.

عافیت‌طلبی به این معناگاهی، آدمی را از صدق و راستگویی باز می‌دارد؛ چرا که احساس می‌کند حضور در صحنه‌ای ممکن است او را به شهادت و گواهی صادقانه در دادگاه بکشاند و این دردسر از حال و حوصله او خارج است. بدین بهانه دروغی بزرگ مرتکب می‌شود و حضور خود در صحنه را انکار می‌کند. و بدینسان به خیال خویش از همه زحمات و سختی‌های می‌یابد و آن را نوعی زیرکی تلقی می‌کند و بر آن خوشحال است؛ درحالی‌که اولاً به منظور آسایش و عافیت‌طلبی دروغ گفته و بدین وسیله دشمنی خود را با خدا اعلام داشته است و ثانیاً با یک دروغ، حق مسلم کسی را ضایع نموده است. چنین شخصی می‌پندارد که در حاشیه ماندن و دور از دردهای جاری جامعه زیستن، نوعی راحتی و آسایش مطلوب است و نمی‌داند که این تفکر در اسلام محکوم است؛ نمونه زیر شاهد صادق این مدعا است که اسلام با انزو و اطلبی و گوشه‌گیری موافق نیست:

مَدَّتْهُ بُدَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، يَكِي اِز اصحاب خود را ملاقات نمی‌کرد. روزی حالش را جویا شد، او را به حضور پیامبر ﷺ آوردند. حضرت علت غیبتش را پرسید: مرد ضمن اظهار دل‌تنگی از معاشرت با مردم گفت: ای رسول خدا، تصمیم دارم بالای کوهی روم و از مردم دوری‌گزینم و با خدای خویش خلوت کنم و او را عبادت نمایم. «پیامبر صلی الله علیه و آله او را از این کار بازداشت و فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۱۵.



لَصَبْرٌ أَحَدِكُمْ سَاعَةً عَلَى مَا يَكْرَهُ فِي بَعْضِ مَوَاطِنِ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَتِهِ خَالِيًا أَرْبَعِينَ سَنَةً.<sup>۱</sup>

همانا یک ساعت پایداری شما بر امری ناخوشایند در بعضی از صحنه‌های اسلام، از چهل سال عبادت در خلوت برتر است.

## ۲. تنزه‌طلبی

تنزه به معنای دوری از عیب و آلایش و نیز به معنای پا کدامن‌ی و پارسایی آمده است.<sup>۲</sup> و در این مقال، عبارت است از پاک و منزّه جلوه دادن افکار و افراد خاص از آلودگی‌ها؛ با این بیان که در مواردی برخی برای تنزه و پاک نگهداشتن مرام و دامن خود یا دامن دیگر مکتب‌ها و شخصیت‌ها، صداقت و راستی را به یک سو می‌نهند و از گفتار و عمل صادقانه طفره می‌روند و به دروغ توسل می‌جویند؛ چون اگر در این مواقع سخن به صدق و راستی گفته شود، شخصیت ظاهری‌اش مخدوش و چهره واقعی‌اش آشکار می‌شود، و نمی‌تواند شخصیت تصنعی به خود بگیرد و آلودگی خود را پنهان نماید و این خود نوعی نفاق روشمند است که اصالت معنوی را تهدید و جامعه را به دینداران بدبین می‌کند و مردم را به دروغ‌پردازی عادت می‌دهد؛ نمونه زیر بهترین گواه این واقعیت است که تنزه‌طلبی چگونه دامن صداقت را تهدید می‌کند:

و سر انجام برادران یوسف نقشه‌ای را که برای او کشیده بودند، همان‌گونه که می‌خواستند پیاده کردند ولی به منظور تنزه و پاکداشت دامن خود طرحی ریختند.

شب هنگام برادران گریه کنان به سراغ پدر آمدند و گفتند: «ای پدر ما

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲. لغت‌نامه دهخدا.

برای مسابقه رفتیم و یوسف را نزد اثاثیه خود گذاشتیم و گرگ او را خورد.» (یوسف: ۱۷) پدر که بی‌صبرانه ورود فرزند دل‌بندش یوسف را انتظار می‌کشید با یک نگاه به جمع آنها و ندیدن یوسف در میانشان سخت تکان خورد، بر خود لرزید، و جویای حال شد. آنها چنان گفتند که هم قول شده بودند و اضافه کردند: «ولی می‌دانیم تو هرگز سخنان ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم» (یوسف: ۱۷)؛ چرا که خودت قبلاً چنین پیش‌بینی را کرده بودی و این را بر بهانه حمل خواهی کرد. سخنان برادران خیلی حساب شده بود، اولاً پدر را با کلمه «یا اَبانا» (ای پدر ما) که جنبه عاطفی دارد مخاطب ساختند، و ثانیاً طبیعی است که برادران نیرومند در چنین تفریحگاهی به مسابقه و سرگرمی مشغول شوند و برادر کوچک را به نگاهبانی اِاث و دارند، و از این گذشته برای غافلگیر کردن پدر پیش‌دستی نموده و با همان چشم‌گریان گفتند تو هرگز باور نخواهی کرد، هر چند ما راست بگوییم.<sup>۱</sup>

دقت در این آیات نشان می‌دهد که چگونه برادران یوسف، خود را از راه دروغ‌پردازی‌های مختلف، پاک و بی‌تقصیر جلوه دادند و در بهای صداقت را حتی به روی برادر خویش بستند.

### ۳. منفعت خواهی

منافع مادی از عوامل عمده‌ای است که صدق و راستگویی را تهدید می‌کند؛ دقت در زندگی مسلمانان صدر اسلام این حقیقت را نشان می‌دهد که چگونه برخی از مردم برای حفظ منافع خود صداقت را ترک می‌گفتند و به دروغ و توجیه و توریه چنگ می‌زدند و این امر در حدی معمول شده بود که حتی رسول خدا ﷺ از این خصلت مسلمانان ناپذیر، نگران بودند و دروغ‌باغان را فاجر و فاسق معرفی کرد

۱. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۴۵.

و فرمود: «إِنَّ التَّجَارَهُمُ الْفُجَّارُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَدْ أَحَلَّ الْبَيْعَ؟ قَالَ نَعَمْ وَلَكِنَّهُمْ يَخْلِفُونَ قِيَامُونَ وَيُحَدِّثُونَ فَيَكْذِبُونَ»<sup>۱</sup> به درستی که تجار، همان گناهکارانند. گفتند: ای رسول خدا ﷺ، مگر خداوند خود خرید و فروش را حلال نکرده است؟ فرمود: چرا، ولی اینها با قسم خوردن و سخن گفتن دروغ گناه می‌کنند.

#### ۴. هوای نفس

نفس و سوسه گر، زینت بخش و اماره، انسان را در مثلث فساد می‌نشانند و او را به افکار و اعمال ناهنجار از جمله دروغ پردازی و امی دارد تا آنجا که ترجیح می‌دهد از راستی و راستگویی فاصله بگیرد و تنها به مصالح و منافع فرضی و خیالی خود بیندیشد و منافع دیگران را فدای مصالح خود نماید؛ دروغ پردازی برادران یوسف گویاترین سند و شاهد زنده و صادق این مدعاست که آنچه موجب پناه آوردن به دروغ شد هوای نفس بود:

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ. (یوسف: ۱۸)

[یعقوب] گفت: بلکه نفس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است، و [صبر من] شکیبایی نیکوست و در برابر آنچه وصف می‌کنید، تنها خداست که [از او] یاری خواسته می‌شود.

این جمله جواب یعقوب رضی الله عنه به برادران یوسف است، و این جواب را در شرایطی داده که خبر مرگ یوسف، فرزند عزیز و حبیبش را شنیده است. او در این حال مقدار حسد برادران را نسبت به یوسف می‌دانست، و اینکه او را به زور و اصرار از دستش ربودند به خاطر داشت و حال که پیراهنش را آورده‌اند خوب

۱. بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۴۱۳.

می‌دانست که وضع خونین پیراهنی که پاره نبود شاهی بر دروغ‌گویی آنان است. در چنین شرایطی این جواب را داده و فرموده است: «بلکه نفس شما امری را بر شما تسویل کرده است». یعنی من می‌دانم قضیه اینطور که شما می‌گویید نیست بلکه نفس شما در این موضوع شما را به وسوسه انداخته، و مطلب را مبهم کرده است، و حقیقت آن را معین ننموده است. آنگاه اضافه کرد که من حلیم و خویشتندارم، یعنی شما را مؤاخذه ننموده، در مقام انتقام بر نمی‌آیم، بلکه خشم خود را به تمام معنا فرو می‌برم.<sup>۱</sup>

## ۵. شهوات

شهوت از ماده شهو به معنای «و هو الرغبة الشديدة من النفس الى شيء يلائمه»<sup>۲</sup> آمده است. شهوت همان میل و رغبت شدید درونی است به هر چیزی که مناسب نفس آدمی باشد.

اگر این خواسته‌گریزی با عقل و وحی هدایت و تعدیل نشود، می‌کوشد از هر راه ممکن تمام نیازمندی‌های خویش را برآورده کند؛ خواه مشروع خواه نامشروع. همین امر انسان را به راههای ناهنجار و دروغ و تزویر می‌برد و از صداقت و راستگویی باز می‌دارد. از این رو اسلام پیروانش را از تمایلات نفسانی نهی کرده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ حَدِّثْ فَأَنْذِرُ أَصْحَابَكَ عَنْ حُبِّ الشَّهَوَاتِ فَإِنَّ الْمَعْلَقَةَ قُلُوبُهُمْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا - قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي.<sup>۳</sup>

ای هشام خداوند متعال به حضرت داود وحی نمود: ای داود، اصحاب خود را از شهوات و تمایلات نفسانی باز دار؛ زیرا آنانکه دل‌هایشان به تمایلات دنیوی وابسته است قلب‌هایشان از من دور می‌شود.

۱. ترجمه المیزان، قم، انتشارات اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۲. التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۶، ص ۱۴۵.

۳. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۱۳.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

الْجَنَّةُ مَخْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَالْجَهَنَّمَ مَخْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أُعْطِيَ نَفْسَهُ لَذَّتَهَا وَشَهَوَاتَهَا دَخَلَ النَّارَ.<sup>۱</sup>

بهشت با سختی‌ها و صبر و استقامت آمیخته است؛ هرکس در دنیا به سختی‌ها صبر کند به بهشت درآید، و دوزخ نیز با لذت و شهوت ترکیب یافته است؛ هرکس لذات [نا مشروع] و خواسته‌های [نفسانی و تعدیل نشده] آن را تأمین کند به دوزخ درآید.

## ۶. غفلت از یاد خدا

دروغگویی توفیقات را از انسان سلب می‌کند و گرد و غبار غفلت و جهالت را بر دل و دیده‌اش می‌نشانند و چنین کسی هرگز هدایت نمی‌یابد و همچنان در ظلمت ضلالت می‌ماند؛ قرآن کریم در مواردی این حقیقت را به صراحت بیان می‌دارد؛ گاهی دروغگویی و کفران نعمت را مقدمه ضلالت می‌شمارد و می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ. (زمر: ۳)

خداوند هدایت نمی‌کند کسی که دروغگو و کفران‌کننده است.

و گاهی اسراف و دروغگویی را عامل گمراهی می‌داند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ. (غافر: ۲۸)

خداوند هدایت نمی‌کند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست.

از این آیات برمی‌آید که غفلت از یاد خدا، انسان را از صدق و راستی جدا می‌کند و به دامن دروغ و بداندیشی می‌سپارد و چنین کسی راه ضلالت می‌پیماید و مسیر هدایت نمی‌یابد؛

کسانی که دارای این اوصاف هستند خود را سزاوار ضلالت و گمراهی

۱. همان، ج ۶۸، ص ۷۲.

کرده‌اند به عبارتی دیگر این اعمال و صفات آثاری دارد که خواه‌ناخواه دامن انسان را می‌گیرد، پرده بر چشم و گوش و عقل او می‌افکند، و او را به ضلالت می‌کشاند.

### ۷. غفلت از وظیفه و مسئولیت

قرآن کریم انسان را تکلیف‌گرا، وظیفه‌شناس، مختار، آزاد و مسئول می‌داند:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. (اسراء: ۳۶)

[ای انسان] از آنچه بدان آگاهی نداری پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند.

حضور در جامعه که نیاز ضروری زندگی بشری است مسئولیت‌هایی فراتر از تکالیف فردی بر عهده انسان قرار می‌دهد. شیوه صحیح انجام این مسئولیت تنها زمانی ممکن است که معیار صدق در انجام عمل دخالت مستقیم داشته باشد. غفلت از این مهم انسان را به کذب و دغل‌بازی و مکر و حیل دچار می‌کند. از این روست که حضرت سیدالشهدا علیه السلام مؤمنان را به صبر در خدمت‌رسانی دعوت می‌کند و می‌فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ.<sup>۱</sup>  
بدانید که حوایج مردم به سوی شما از نعمت‌های خداوند بر شماست؛  
پس از این نعمتها دلتنگ نشوید.

چون اگر انسان در مقابل ارائه خدمت به مردم احساس خستگی نماید در معرض خطا و لغزش قرار می‌گیرد و چه بسا کاسه صبرش لبریز شود و حریم صداقتش را بشکند و دست توسل به دامن دروغ بزند.

---

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹.

اعضا و جوارح بدن به منزله ابزار خدماتی است و تقوا و عقل و درایت فرمانده آنهاست و فرمانده در برابر حرکات و سعی و تلاش هر یک از نیروهایش مسئول است و باید پاسخگوی آنها باشد و صدق و راستی و درستی را مبنای امر و نهی خود قرار دهد و آنها را در موارد معقول و مشروع به خدمت گیرد و اگر از این مسئولیت غفلت ورزد و چشم و گوش و زبانش را افسارگسیخته رها کند و آزادانه عمل نماید، خواسته و ناخواسته در وادی فساد آفرین کذب و ریا و دورویی سقوط می‌کند؛ بسان آن فرماندهی که سربازان تحت امر خود را به حال خود رها کرده، آنها را در برابر هیچ عملی استیضاح نمی‌کند.

اگر بخواهیم به راستی صدق فراگیر نظری و عملی را در زندگی خود پیاده کنیم باید صدیقین سپاه را الگوی خود قرار دهیم؛ آنانکه صادقانه زیستند و با کمال صدق در جوار صدیقین آرام گرفتند؛ چنانکه مقام معظم رهبری در این باره فرمود: - در شاکله معنوی سپاه، آتش اشتیاق دل‌های پاسداران را به خدا نزدیک می‌کند و صداقت و وفاداری آنان در نیت و گفتار و عمل همچون کلمه طیبه رفعت می‌گیرد و به سوی پروردگار تعالی می‌یابد.<sup>۱</sup>

با نگاهی به دوران دفاع مقدس این ویژگی‌ها را به خوبی در شهدای عزیز و مخلص سپاه همچون خرازی، همت، باکری، کاظمی، بروجردی، کلاهدوز و صدها شهید دیگر مشاهده می‌کنیم. پاسداران امروز ما باید بدانند از رموز موفقیت سپاه در دوران جنگ سخت و نیمه سخت همین عناصر بودند. و نیز فرمود:

این نگاه حق‌بین در هر شرایطی حتی اوضاع غبار آلود و پرابهام، واقعیات صحنه را تشخیص می‌دهد و وظیفه و راه عمل به وظیفه را درک می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. از بیانات مقام رهبری، سوم شعبان، سال ۸۹.

۲. همان.

نگاه حق‌بین و حق‌شناس پاسدار، در فضای فتنه - که فضای غبار آلود است و تشخیص حق و باطل بسیار مشکل است، - حق را از باطل تشخیص می‌دهد و زمانی که حق را شناخت نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد؛ چرا که بی‌تفاوتی خطر بسیار بزرگی برای انقلاب است و شهدای انقلاب و دفاع مقدس انتظار دارند که پاسداران از راه و هدفشان به خوبی پاسداری کنند.

### ۸. فراموشی معاد

بی‌اعتنایی به معاد و فراموشی مراحل خطیر آن، بزرگترین تهدید صداقت است کسی که مرگ را به فراموشی سپارد از هیچ دروغ و تهمت‌ی دریغ نمی‌ورزد. روزی عمرو بن عاص در شام بالای منبر علیه علی بن ابیطالب علیه السلام گفت: علی علیه السلام مردی است شوخ طبع به سخنان لطیفه آمیز و خنده‌دار می‌پردازد تا مردم را بخنداند و محفل خود گرم کند دروغ‌پردازی‌های او به گوش علی علیه السلام رسید حضرت در دفاع از کیان خود فرمود:

شگفتا از پسر نابغه! شامیان را گفته است، من مردی لاغ گویم با لعب بسیار، عبث‌کارم، و کوشا در این کار. همانا، آنچه گفته نادرست بوده، و به گناه دهان گشوده، همانا بدترین گفتار، سخن دروغ است - که چراغ آن بی‌فروغ است - اما او می‌گوید و دروغ می‌گوید. وعده می‌دهد و خلاف آن می‌پوید. می‌خواهد و می‌سته‌د، از او می‌خواهند و زفتی می‌کند. پیمان را به سر نمی‌برد و پیوند خویشان را می‌برد و در پایان به مهمترین عامل صداقت خود و دروغ‌گویی عمرو عاص پرداخت و فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَيَمْتَعِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَإِنَّهُ لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نَسْيَانُ  
الْآخِرَةِ.<sup>۱</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۴.



آگاه باشید، به خدا سوگند، یاد مرگ مرا از شوخ طبعیم باز می‌دارد، و فراموشی آخرت او را نگذارد که سخن حق بر زبان آرد.

إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ وَ تَغَيُّبِ آجَالِهِمْ<sup>۱</sup>

همانا، آنان که پیش از شما بودند تباه شدند، به خاطر آرزوهای دراز که در سر داشتند، و نهان بودن مرگ از آنان که باورش نمی‌داشتند.

آنان که قیامت و روز حسابرسی را به فراموشی می‌سپارند، غبار غفلت بر مشاخر آنها می‌نشیند و در بن بست جهالت می‌ماند اندیشه و عملش ناموزون می‌گردد و اصولاً تشخیص خوب و بد، راست و دروغ و صلاح و فساد را از دست می‌دهد و هرگز نمی‌تواند حدود و ثغور صداقت را بشناسد و از آن مرزبانی کند.

از این رو خداوند به این نوع افراد نفرین می‌کند و می‌گوید:

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ

(ذاریات: ۸-۱۲)

مرگ بر دروغ‌گویان! آنان که به غفلت در جهل فرو مانده‌اند، می‌پرسند روز جزا کی خواهد بود؟

پیام آیه این است که تکذیب و انکار معاد عامل مهم دروغ‌پردازی، گمانه زنی، پندارگرایی و شک و تردید انسان می‌گردد تا آنکه در هر شرایطی به‌طور آزاد و بدون نظارت درونی لب به سخن می‌گشاید و در هر موضوعی بی‌باکانه نظر می‌دهد؛ بی‌آنکه به سقم و صحت آن بیندیشد و از راستی و درستی آن مطمئن گردد. آدمی اگر مراحل مختلف قیامت را به یاد آورد، به آسانی از صدق و راستی دست برنمی‌دارد و زبان به دروغ نمی‌گشاید ولی اگر برزخ و دوزخ را به فراموشی بسپارد، دروغ‌پردازی بر وی آسان می‌نماید و جسورانه سخن می‌راند در حالی که همه حرکات انسان مورد استیضاح و مؤاخذه است.

۱. همان، خطبه ۱۴۷.

## ۹. عدم تعقل و تدبیر

تدبیر و تعقل جهت بخش زندگی آدمی و مظهر بارز هوشیاری است. هر کس که با عقلانیت گام بردارد هرگز پشیمان نمی‌شود.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «الْحَزْمُ كَيْسَةٌ»<sup>۱</sup> تدبیر [در امور] نوعی زیرکی و هوشیاری است.

آنان که بدون تدبیر لازم سخن برانند یا به کاری اقدام کند محصولی جز خواری و پشیمانی به چنگ نمی‌آوردند و جایگاهی جز عذاب دوزخ برای خویش فراهم نمی‌کنند؛ برادران یوسف علیه السلام از این دسته‌اند.

وَجَاؤُ عَلَى قَيْصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ. (یوسف: ۱۸)

پیراهن خون آلود دروغبن او را آوردند.

از بافت ادبی و بلاغی آیه و نکره بودن واژه «دم» برمی‌آید که پیراهن خون‌آلود وضعی داشته که نمودار دروغ‌آنان بوده، چون کسی را که درنده‌ای پاره‌اش کرده و خورده باشد معقول نیست پیراهنش را سالم بگذارد. آنها اگر عقل جمعی خود را به کار می‌بردند و در موضوع بیشتر می‌اندیشیدند چنین دروغ بزرگ و سست پایه را نمی‌ساختند و به آسانی درمی‌یافتند که چراغ دروغ را فروغی نیست، و هیچ گفتار و پیشامدی دروغین نیست مگر آنکه در اجزای آن تنافی و در اطرافش تناقض‌هایی به چشم می‌خورد که شاهد دروغ بودن آنست و به فرضی هم که طراح آن، خیلی ماهرانه طرحش کرده باشد، اوضاع و احوال خارجی که آن گفتار دروغین محفوف به آن است بر دروغ بودنش شهادت داده، از واقع و حقیقت زشت آن، هرچند ظاهرش فریبنده باشد، پرده برمی‌دارد. این مطلب تجربه شده که عمر اعتبار دروغ کوتاه است، و دروغگو دیری نمی‌پاید که خود به دروغش اعتراف می‌کند، و اگر هم اعتراف نکند اظهاراتی می‌کند که از بطلان گفتارش پرده برمی‌دارد.<sup>۲</sup>

۱. بحارالأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۹.

۲. ر.ک. ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۱۳۸.

## ۱۰. عاقبت اندیش نبودن

مؤمن باید آینده‌نگر و عاقبت‌اندیش باشد. هر سخنی که به زبان می‌راند و هر عهد و پیمانی که می‌بندد و هر عملی که انجام می‌دهد باید آینده‌های دور را ببیند و آثار آنها را در آفاق وسیعتری به تماشا بنشیند؛ چنان‌که امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

مردی شرفیاب محضر رسول اکرم شد، عرض کرد: یا رسول الله، به من سفارشی بفرما و دستوری بده. حضرت به او فرمود: «آیا دستورپذیر هستی تا به تو سفارشی کنم؟» و این سؤال را سه بار تکرار کرد و مرد درخواست‌کننده در هر سه نوبت، جواب داد: بلی یا رسول الله. آنگاه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سفارش من به تو این است که هر وقت خواستی برای انجام کاری تصمیم بگیری قبل از آن به عاقبت آن کار فکر کن و نتیجه‌اش را در نظر بیاور؛ اگر دیدی حق و شایسته است، اقدام کن و اگر ناشایسته و برخلاف حق بود، از انجام آن خودداری نما».<sup>۱</sup>

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از خدا عاقبت به خیری و فرجام خوش می‌طلبد و عرضه می‌دارد:

وَأَمْتَعِنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ سُوءَ عَاقِبَتِهِ.<sup>۲</sup>

[پروردگارا]، مرا از عملی یا از هر گفتاری که از عاقبت و سرانجام آن می‌ترسم بازدار.

انسان باید بداند که اگر دروغی بگوید یا علیه یک رویداد سیاسی، جنایی و تاریخی به دروغ شهادت دهد یا وقوع رویدادی را منکر شود، چه بسا اثر آن، قرن‌ها در تاریخ می‌ماند و سبب‌ساز حوادث دیگر می‌شود یا زمینه ایجاد سنت سیئه‌ای می‌گردد.

۱. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۹.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۴.

تاریخ اسلام پرونده‌های پر حجم زیادی را در بایگانی خود دارد که نشان می‌دهد عده‌ای از افراد جریان‌ساز و منحرف با سنگ بنای دروغ و گزارشات جعلی، سرنوشت امتی را به انحطاط برده‌اند؛ حادثه غم‌بار و ماتم‌آفرین سقیفه، بر پایه سلسله دروغ‌هایی پدید آمد؛ برخی به دروغ، خود را جانشین پیامبر ﷺ خواندند و به انکار یا توجیه واقعه غدیر پرداختند و دروغ‌گویی را جای راست‌گویی نشانده در حالی که آن حضرت ﷺ امت خود را پیوسته به صداقت فرامی‌خواند و آنها را از دروغ‌گویی باز می‌داشت.

ولی آنها برخلاف توصیه پیامبر ﷺ به وظیفه خود عمل نکردند تا آنجا که وقتی حضرت علی علیه السلام از اصحاب صدر اسلام و شاهدان عینی واقعه غدیر خواست تا در میان جمعی به آن شهادت داده، آنچه از رسول خدا شنیده‌اند بازگویند، دریغ ورزیدند؛ برخی آن را انکار کردند و برخی به صراحت گفتند: ما دچار فراموشی شده‌ایم و واقعه را دقیق به یاد نداریم. آنها اگر عاقبت اندیش بودند و آینده‌های دورتری را می‌دیدند، به یقین دست به چنین دروغ‌هایی نمی‌زدند، دروغ‌هایی که امروز پیامدهای تلخ و ناگوار آنها در تمام اکناف عالم مشهود است. تحریفات اسلام، اختلافات و ذلت‌پذیری مسلمانان، محصول آن دروغ‌پردازی‌ها است.

## ۱۱. لجاجت

لجازی و حق‌ناپذیری برای همه اقشار به‌ویژه برای عالمان و مؤمنان آفت بزرگ روحی و اخلاقی است؛ چرا که ریشه‌دار است و دیر علاج؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

أَعْسَرُ الْعُيُوبِ صَلَاحًا الْعُجْبُ وَاللَّجَاجَةُ<sup>۱</sup>

دشوارترین عیبها برای اصلاح‌پذیری، خود‌بینی و لجاجت است.

زمانی که صفت ناپسندی همچون لجاجت در وجود آدمی ریشه‌دار شد او را

۱. جلوه‌های حکمت، ص ۵۱۸.

به برخی از اندیشه‌ها و کارهای ناهنجار می‌کشد و این حقیقت هم اکنون در لسان امام علی علیه السلام جاری است که فرمود:

الْلَّجَاجَةُ تُورِثُ مَا لَيْسَ لِلْمَرْءِ إِلَيْهِ حَاجَةٌ.<sup>۱</sup>

لجبازی، مرد را به کاری وامی‌دارد که نیازی بدان ندارد.

به همین جهت فرد لجوج زودتر از دیگران به آفات دروغ‌پردازی مبتلا می‌شود؛ زیرا چنین شخصی چون معمولاً در رأی و نظر خود به خطا می‌رود و به بن‌بست می‌رسد، برای رهایی از این پیامدهایی به ناچار دست به دروغ می‌زند و از شاهراه صدق منحرف می‌شود. شاهد بر این سخن، گفتار مولای متقیان علی علیه السلام است که می‌فرماید:

الْلَّجَاجَةُ تَسْلُ الرَّأْيَ.<sup>۲</sup>

لجبازی، رأی و اندیشه را سست می‌کند.

حضرت موسی علیه السلام زمانی که خواست از حضرت خضر علیه السلام جدا شود از او خواست تا سفارشش کند و خضر فرمود:

إِيَّاكَ وَالْلَّجَاجَةُ أَوْ أَنْ تَمْشِيَ فِي غَيْرِ حَاجَةٍ.<sup>۳</sup>

(ای موسی) مبدا لجاجت کنی یا بدون نیاز و ضرورت به جایی روان شوی.

## پرسش

۱. عافیت‌جویی و تنزه‌طلبی را تعریف کنید.
۲. عافیت‌طلبی چرا مذموم است و چگونه مانع از صداقت می‌شود؟
۳. آیا هوای نفس از موانع صدق است؟ نمونه قرآنی بیاورید.
۴. مقصود از شهوات چیست و چرا مانع از صدق آدمی می‌شود؟
۵. فراموشی مبدأ و معاد در چه حدی تهدیدکننده صدق و راستی است؟

۱. همان.

۲. همان.

۳. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۴.



## درس ششم صدق در سپاه

از دانشجو انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. مفهوم صدق نسبت به فرهنگ سپاه را کاملاً درمی‌یابد و مصادیق آن را می‌شناسد.
۲. آثار «صدق در گزارش‌دهی» را درمی‌یابد.
۳. با الگوگیری از نمونه‌های راستین صدق در سپاه، میزان صداقت خویش را در سازمان، ارتقا می‌بخشد.
۴. با حفظ توان خویش در مسئولیت‌پذیری و تأموریت‌پذیری و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری این خصوصیت را به زیردستان خویش نیز منتقل می‌کند.

تشبیه، توسعه و انتقال فرهنگ دینی، در سه پایگاه مهم شکل می‌گیرد: منزل، مسجد و مدرسه.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همگام با این سه کانون به نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری در عرصه فرهنگی و اخلاقی موظف است؛ زیرا هر یک از نیروها و اعضای محترم آن، بخش عظیمی از عمر گرانقدر خود را در این سازمان به سر می‌برند؛ از این رو تلاش در سامان‌دهی و حفظ ارزش‌ها و اسرار، و نیز در ارتقای فرهنگ سازمانی اهمیت خاصی دارد؛ کسی که خود را عضو ثابت چنین سازمانی

می‌داند باید همهٔ منافع و مصالح سازمان را به منافع و مصالح خود مقدم بدارد و اسرار سازمان را اسرار خانه خود تلقی نماید و نیز در ارتقا بخشی و سامان‌دهی و انسجام آن بیش از پیش همت گمارد، تشکیلات سپاه را مهد تربیت بداند و در همه این امور صداقت و راستکاری را مبنای تعامل خود قرار دهد و حقوق سازمان را در کمیت و کیفیت به‌درستی و به‌دور از هر نوع کذب و کم‌کاری و غل و غش، ادا نماید؛ زیرا در منظراتمه علیه‌السلام سازمان و تشکیلات به ویژه سازمان نظامی در انسجام و سازمان‌دهی مردم و استحکام پایه‌های نظام، نقش اساسی دارد؛ چنان‌که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

و تَزَكُ الْكَذِبِ تَشْرِيفاً لِلصَّدَقِ وَالْإِسْلَامِ أَمَاناً مِنَ الْخَوَافِ وَالْإِمَامَةُ  
نِظَاماً لِلْأُمَّةِ وَالطَّاعَةُ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ.<sup>۱</sup>

خداوند ترک دروغ را برای حرمت نگهداشتن راستی، و صلح و سلام را برای امنیت از ترس‌ها، و امامت را برای سازمان یافتن امور امت، و فرمانبرداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرد.

### صداقت نسبت به فرماندهی کل قوا

همهٔ نیروهای مسلح باید نسبت به فرمانده کل قوا صداقت داشته باشند، صدق در گفتار، صدق در شعار، صدق در نیت و صدق در عمل و کردار؛ زیرا عدم برخورد صادقانه با فرمانده کل قوا عامل بی‌نظمی و مخالفت عملی با منویات و اهداف و آرمانهای او می‌گردد بلکه نوعی جسارت و تمرد را در پی می‌آورد و پیامدهای زیانبار و ناهنجاری دارد. به همین جهت است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

أَفَةُ الْجُنْدِ مُخَالَفَةُ الْقَادَةِ.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۱.

۲. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۱۰۳.



آسیب سپاه [اسلام] مخالفت [نیرو] با رهبر [و فرمانده کل قوا] است. تمرد از حکم فرمانده وی را رنجور و دل شکسته و افراد تحت امرش را متزلزل می‌سازد و سپاه اسلام را به پراکندگی و شکست می‌کشاند. فرمانده تنها با نیروهای شجاع و فرمانبرش می‌تواند به وظایفی که بر عهده می‌گیرد جامه عمل بپوشاند. اگر از فرماندهی اطاعت نشود نیروی مدافع و مهاجم تحرک کافی نمی‌یابد، امور جنگی سامان نمی‌پذیرد، و دشمن قدرت بیشتری می‌یابد چنان‌که تاریخ اسلام در جنگ احد شاهد تلخ‌ترین خاطره از ترک صداقت است. سپاه مسلمین در دامنه کوه احد بود و کوه پشت سرشان قرار داشت و صفوف مشرکین در مقابل؛ پیامبر ﷺ تیراندازان را - که پنجاه نفر بودند - زیر نظر عبدالله بن جبیر بر بلندی پشت لشکر اسلام مأمور کرد و فرمود: «شما از پشت سر ما حامی ما باشید که مشرکین از پشت سر حمله نکنند، شما سیل تیر را روانه کنید؛ زیرا اسب، جلو تیر مقاومت نمی‌کند و آنگاه فرمود: اگر مرغ ما را بر باید و اگر کفار را بکشیم و پایمال کنیم تا اجازه ندهم، از جای خود حرکت نکنید.» در ساعات آغازین، کفار شکست خوردند و پا به فرار گذاردند. به دنبال آن مسلمانان به جمع غنائم پرداختند و از تداوم جنگ باز ایستادند. چون تیراندازان وضع را چنین دیدند جبهه را خالی کرده و آنان هم به سراغ جمع آوری غنیمت آمدند؛ هر چند عبدالله بن جبیر تأکید کرد که سنگر را خالی نکنید، گوش ندادند. خالد بن ولید از سپاه دشمن، چون دید که تیراندازان، سنگر را خالی کرده‌اند و معدودی در آنجا باقی مانده‌اند، از پشت سر بر مسلمین یورش آورد و تیم تیراندازان و جنگ مغلوب شد. عبدالله بن جبیر و نفراتی که در سنگر باقی مانده بودند و از ده نفر کمتر بودند کشته شدند و هفتاد تن از باارزشت‌ترین مسلمانان صدر اول از جمله حمزه عموی پیامبر ﷺ در خاک و خون غلطیدند و پیامبر ﷺ، هم زخم برداشت و هم دندان مبارکش شکست.<sup>۱</sup>

۱. حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۲، ص ۱۱۹.

قرآن، اصل اطاعت‌پذیری را چنان ضروری می‌داند که ضمن بر شمردن آن از صفات مؤمنان واقعی، اعلام می‌کند که مؤمنان حتی بدون اجازه فرماده، به مرخصی هم نمی‌روند و منتظر دستور شخص مافوق خود هستند:

أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا عَلَىٰ أَمرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ. (نور: ۶۲)

مؤمنان راستین کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی همراه اویند، بی‌اجازه او به جایی نمی‌روند. همانا کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

در شأن نزول این آیه نوشته‌اند که پیامبر ﷺ برای جنگ أحد فرمان بسیج عمومی صادر کرد. در آن میان، یکی از رزمندگان، به نام «حنظله»، روز عروسی‌اش بود و با شنیدن دستور پیامبر ﷺ نزد آن حضرت شتافت و اجازه خواست تا آن شب را به اردوگاه سپاه نیاید. پیامبر به او اجازه داد تا شب، کنار همسرش بماند و بامداد به میدان جنگ آید. او نیز چنین کرد و صبح بدون آنکه فرصت غسل کردن بیابد، به صف رزمندگان پیوست و ساعتی بعد به فوز شهادت رسید. رسول اکرم ﷺ درباره‌اش فرمود: «فرشتگان را دیدم که میان زمین و آسمان، حنظله را با آب زلال و خنک در سینی‌های سیمین غسل می‌دهند». بدین سان، او به «غسل الملائکه» شهرت یافت.

### صداقت با همکاران و زیردستان

آنگاه مأموریت‌ها و وظایف محوله به سرانجام می‌رسد که هر نیروی سازمانی نسبت به همکاران خود در دل، گفتار و عمل صادق باشد. تنها در این صورت است که محل مأموریت امن و همراه آرامش و آسایش خواهد بود و افراد وابسته باهمدیگر در صلح و صفا و به دوراز بدبینی همکاری خواهند داشت که موجب

رونق و کمال کارهاست. از این رو قرآن کریم پیروانش را به رعایت حال همکاران خود توصیه می‌کند و آن را در ردیف امر به عبادت و رعایت حقوق والدین قرار داده، می‌فرماید:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ  
الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجَنَبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ  
ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا.  
(نساء: ۳۶)

و خدا را بپرستید و چیزی را به او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر و  
خویشان و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و همسایه دور و دوست  
همنشین و درمانده راه و کسی که مالک او هستید، احسان کنید. همانا  
خداوند هر کسی را که خود پسند و فخر فروش باشد، دوست ندارد.  
مراد از «صاحب بالجنب» مصاحب و رفیقی است که در جنب و کنار انسان  
باشد، در اقامت و سفر همراه است اما رابطه‌اش کمتر از همسایه است؛ هرچند  
رابطه‌ای ضروری است. سفارش قرآن است که باید حق صحبت را رعایت کرد  
و از احسان مضایقه ننمود.<sup>۱</sup>

با این حال باید توجه داشت که «صاحب بالجنب» معنایی وسیع‌تر از دوست  
و رفیق دارد و در واقع هر کسی را که به نوعی با انسان نشست و برخاست داشته  
باشد، دربرمی‌گیرد خواه دوست دائمی باشد یا یک دوست موقت، همانند کسی  
که در اثنای سفر با انسان هم‌نشین می‌گردد. اگر می‌بینیم در پاره‌ای از روایات  
«صاحب بالجنب» به رفیق سفر یا کسی که به امید نفعی سراغ انسان می‌آید  
تفسیر شده، منظور اختصاص به آنها نیست بلکه بیان توسعه مفهوم این تعبیر  
است که همه این موارد را نیز شامل می‌شود. به این ترتیب آیه دستوری جامع و

۱. تفسیر روشن، ج ۵، ص ۳۷۱.

کلی برای حُسن معاشرت نسبت به تمام کسانی که با انسان ارتباط دارند ارائه می‌کند. اعم از دوستان واقعی، و همکاران، و همسفران، و مراجعان، و شاگردان، و مشاوران، و خدمتگزاران و زیردستان و نیروهای تحت امر خود.<sup>۱</sup> افرادی که مسئولیت‌های کلیدی و مهمی دارند نباید دچار غرور شوند و صداقت از دست بدهند؛ بلکه باید با نیروهای تحت امر خود به صدق و راستی برخورد کنند به آنها ارزش بدهند، کارهای طاقت‌فرسا به آنان واگذار نکنند و از خطاهایشان در گذرند و در برابر برخی عملکرد ناپسند چشم‌پوشی کنند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ، تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ.<sup>۲</sup>

بهترین ویژگی اخلاقی انسان بزرگوار بی‌اطلاع و انمود کردن خود از کارهای بد دیگران است.

چنین کسی اگر هم نیروهایش را به تنبیه وعده داده باشد، باز هم از آن درمی‌گذرد و وعید و تهدیدش را نادیده می‌گیرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى وَ إِذَا تَوَعَّدَ عَفَى.<sup>۳</sup>

بزرگوار به وعده خود عمل می‌کند و از تهدید خود چشم‌پوشی می‌پوشد.

بزرگواران همیشه دیگران را نیز به چشم کرامت می‌نگرند نه با دیده حقارت. از این رو، رفتار و کردار آنان، انسانی، عادلانه و دور از نخوت و ستم است. بخشی از این رفتار انسانی در سخنان امام علی علیه السلام چنین ترسیم شده است:

الْكَرِيمُ يَغْفُو مَعَ الْقُدْرَةِ وَ يَعْدِلُ فِي الْأَمْرِ وَ يَكْفُ اسَائَتَهُ وَ يَبْدُلُ إِحْسَانَهُ.<sup>۴</sup>

انسان بزرگوار، با داشتن توانایی [از خطای دیگران] درمی‌گذرد، در

۱. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۱.

۳. همان، ص ۲۵۲.

۴. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۲۶.

فرمان دادن، عدالت می‌ورزد، [به مردم] بدی نمی‌رساند. و خوبی‌هایش را به دیگران ارزانی می‌کند.

### صداقت در گزارش دهی

صدق و راستی در حصر و حصار گفتار و زبان نیست بلکه در حوزه نوشتار نیز کاربرد دارد. کسی که گزارش می‌دهد باید صداقت را اساس آن قرار دهد؛ یعنی واقع‌گرایانه عمل کند، گزارشات خود را به دروغ نیامیزد و از مبالغه بپرهیزد و صادقانه گزارش دهد، و نیز عدالت را رعایت نماید و با دقت بنویسد؛ از طولانی شدن متن گزارشات احساس خستگی نکند و کارهای انجام یافته را کم‌ارزش تلقی ننماید. و این صریح قرآن کریم است که فرمود:

وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُلْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا.

(بقره: ۲۸۲)

و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، [سند را] در میان شما بنویسد، و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن، همان‌طور که خدا به او تعلیم داده، خودداری کند. پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املاکند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید.

و از طرف دیگر از گزارش کارها، هرچند به نظرش ناقص و اندک و ناچیز آید، نباید کوتاهی نماید؛ چرا که ممکن است فرد به کم‌کاری متهم شود؛ گاهی یک عمل به ظاهر ظریف، کوچک و کم‌حجم، دقت و زمان بیشتری می‌طلبد؛ آنگونه که مبارزه با میکروب مشکلتر و پرهزینه‌تر از مبارزه با یک شیر بیشه است. به همین جهت باید در ارتباط با تنظیم سند به این نکات ظریف توجه خاصی مبذول داشت:

و لَا تَسْتَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ. (بقره: ۲۸۲)

و از نوشتن [بدهی خود]، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید [و هر چه باشد بنویسید]. این، در نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر، و برای شهادت مستقیم‌تر است.

### صداقت در انجام وظایف محوله

خداوند کریم می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفَةٍ. (سبأ: ۴۶)

بگو: تنها شما را به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه دو نفر دو نفر، یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

کلمات و تعبیرات این آیه هر کدام اشاره به مطلب مهمی دارد که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. جمله «اعظکم» - شما را اندرز می‌دهم - بیانگر این واقعیت است که من خیر و صلاح شما را در این سخن در نظر می‌گیرم نه هیچ چیز دیگری.
۲. تعبیر به «واحدة» به‌ویژه با تأکید «انما» اشاره گویایی است به این واقعیت که ریشه تمام اصلاحات فردی و جمعی به کار انداختن اندیشه‌هاست، ما دام که فکر ملت‌ی در خواب است مورد هجوم دزدان و سارقان دین و ایمان و آزادی و استقلال قرار می‌گیرد، اما هنگامی که افکار بیدار شد راه بر آنها بسته می‌شود.
۳. تعبیر به «قیام» در اینجا به معنای ایستادن روی دو پا نیست بلکه به معنای آمادگی برای انجام کار است؛ انسان به هنگامی که روی پای خود می‌ایستد آماده برای انجام برنامه‌های مختلف زندگی می‌شود.
۴. تعبیر «لله» بیانگر این معنی است که قیام و انجام وظایف باید صادقانه و خالصانه و دور از هر نوع غل و غش باشد.

۵- تعبیر به «مثنی و فرادی» اشاره به این است که اندیشه و تفکر باید دور از غوغا و جنجال باشد؛ مردم به صورت تک‌نفری، یا حداکثر دو نفر دو نفر قیام کنند، و فکر و اندیشه خود را به کار گیرند؛ چرا که تفکر در میان جنجال و غوغا عمیق نخواهد بود، به‌ویژه اینکه عوامل خودخواهی و تعصب در راه دفاع از اعتقاد خود، در حضور جمع بیشتر پیدا می‌شود.<sup>۱</sup>

صداقت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری:

اسلام پیروانش را به مشارکت در امور مردم و جامعه فرامی‌خواند و آنها را از انزواگری و عزلت‌نشینی باز می‌دارد و اساس آن را بر پایه صداقت‌پیزی می‌کند هر تصمیمی را با مقیاس دین می‌سنجد، و موانع مکتبی را منظور می‌دارد. به همین منظور در امور اجتماعی بیشتر از کلمات ایمان و مومن و همانند آنها بهره می‌جوید تا تفهیم کند که مبنای فکری در مشارکت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، صداقت، اخلاص و رویکرد دینی افراد است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

الْمُؤْمِنُ إِنْ مَالُوفٌ.<sup>۲</sup>

مؤمن اهل انس و الفت [و رفت و آمد و مشارکت در اجتماعات است و با مردم با محبت و مهربانی رفتار می‌کند].

با این حال مهم آن است که تصمیم‌گیری در مشارکت‌ها باید بر اساس تقوا و صدق و راستکاری و به‌دور از فسق و فساد و گناه و ناهنجاری صورت پذیرد و این خواسته وحی منزل است:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ). (مائده: ۲)

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۳۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۹.

و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌کیفر است. آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. طبق این اصل، مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم مطلقاً ممنوع است، تا آنجا که پاره‌ای از معاملات و قراردادهای تجاری که جنبه کمک به گناه دارد، نیز تحریم گردیده است؛ همانند فروختن انگور به کارخانه‌های شراب‌سازی یا فروختن اسلحه به دشمنان حق و عدالت یا اجاره دادن محل کسب و کار برای معاملات نامشروع و اعمال خلاف شرع و صداقت.

### صداقت در مسئولیت‌پذیری و ماموریت‌پذیری:

کتاب فطرت، انسان را مسئول و مسئولیت‌پذیر می‌شناسد و کتاب شریعت نیز بر آن مهر تأیید می‌زند و تأکید بیشتری می‌ورزد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اِحْمِلْ نَفْسَكَ لِتَفْسِكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ يَحْمِلْكَ غَيْرُكَ.<sup>۱</sup>

بار مسئولیت خویشتن را خودت باید بر دوش بگیری، و اگر از انجام وظیفه شانه خالی کنی دیگری بار مسئولیت تو را حمل نخواهد کرد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.<sup>۲</sup>

زمامداران کشور فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن مسئول.

و امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

۱. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۴۴.

۲. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۸۴.



إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالسَّهَائِمِ، وَ  
أَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ  
فَاعْرِضُوا عَنْهُ.<sup>۱</sup>

از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید که شما در پیشگاه خداوند مسئول  
بندگان و شهرها و آبادی‌ها هستید؛ زیرا [از همه چیز] حتی از خانه‌ها و  
حیوانات بازپرسی خواهید شد. خدای را اطاعت کنید و او را عصیان  
نمایید. هر نیکی مشاهده کردید آن را انتخاب کنید و اگر شر و بدی  
یافتید از آن اعراض نمایید.

بدیهی است که هیچ مسئولیتی بدون رعایت اصول کلی صدق و راستی و تقوا  
و تدین مقبول نیست، به همین جهت است که امیرمؤمنان علیه السلام در این گفتار خود  
تقوا را در درجه اول و پیش از مسئولیت عنوان می‌کند تا بدینسان تفهیم کند که  
مسئولیتی که با تقوا نیامیزد وبا صداقت عجین نشود بارسنگینی است بر دوش  
آنکه آن را می‌پذیرد.

### صداقت در تبعیت از قوانین و مقررات

هر یک از سازمان‌های درونی سپاه، مقررات و قوانینی دارد که باید اجرا شود؛  
اجرای دقیق و کامل آنها زمانی ممکن است که همه افراد وابسته به آنها بر پایه  
صدق عملی برخورد کنند و در عمل به آن پایبند باشند. و این عمل جز از افراد  
درستکار و راستگو ساخته نیست؛ از این رو قرآن کریم حافظان واقعی قوانین  
الهی را از آن مؤمنان راستین می‌داند و می‌فرماید:

«وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» و [مؤمنان حقیقی] حافظان حدود الهی‌اند. (توبه: ۱۱۲)

و آن دسته از افرادی که حد و حریم قوانین را رعایت نکرده، با مقررات به صدق  
و راستی برخورد نمی‌کنند ستمگر می‌خوانند و می‌فرماید:

۱. ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۰۴.

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (بقره: ۲۲۹)

کسانی که از حدود الهی تجاوز کنند [و قوانین الهی را زیر پا گذارند] ستمگرند.

یادآور می‌شویم چون قوانین و مقررات اجتماعی و سیاسی، انضباطی و اقتصادی سپاه، عمدتاً برگرفته از قوانین و موازین دینی هستند برخورد صادقانه با این مقررات به مقدار خود قوانین الهی حرمت دارد و بی‌اعتنایی به آنها، بی‌اعتنایی به قوانین دینی است.

### نمونه‌های عینی و عملی صدق

صدق در سراسر زندگی مؤمن عینیت می‌یابد به گونه‌ای که هیچ یک از ابعاد زندگی‌اش جدا از صداقت نیست؛ چرا که الگوی واقعی مؤمن زندگی پیامبر است؛ و حیات پربرکت پیامبر ﷺ سرشار از صدق و صفاست؛ ورود صادقانه او به مدینه و فتح صادقانه مکه معظمه با صدق و راستی و با اخلاص و کرامت و بزرگواری همراه بود. پس از او حیات و حکومت علی ﷺ نیز مشحون از صدق و راستی است که به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

سپاه شام فرات را اشغال کردند و معاویه دسته‌ای از سپاه خود را به کمک ابوالاعور فرستاد و تأکید کرد سپاه علی را همچنان از آب منع کن. چون این خبر به امیر مؤمنان ﷺ رسید، فرمان جنگ داد و اشعث بن قیس با گروهی به جانب فرات حرکت کرد و جنگ سختی میان دو طرف درگرفت. سرانجام سپاهیان امیر مؤمنان ﷺ پیروز شدند و راه منتهی به فرات را به تصرف خود درآوردند.

برخی پیشنهاد کردند ما نیز مقابله به مثل کنیم. چون این موضوع به گوش امیر مؤمنان ﷺ رسید، ناراحت شد و آن را ناجوانمردی و خلاف صداقت دانست و دستور داد: «به قدر نیازتان آب بردارید و سپاه معاویه را نیز برای استفاده آب

آزاد بگذارید؛ زیرا خداوند شما را پیروز و ظلم و تجاوز آنان را دفع کرده است»<sup>۱</sup>.

تاریخ اسلام مملو از نمونه‌هایی از افراد وفادار و مردان صدیق است که بازخوانی سیره آنها درس آموز دلبستگان به تعالی معنوی است؛ از جمله:

- قیام کربلا و حضور عرشی یاران حسین بن علی علیه السلام زیباترین و برجسته‌ترین صحنه صدق و راستی است؛ تجلی‌گاه صدق در وعده و گفتار و زبان؛ صدق در نیت و ضمیر و نهان و همگام با صدق در عمل؛ حضور عینی در صحنه پیکار و آمادگی برای ایثار و فداکاری در پیشگاه ولایت.

در این میان، عباس بن علی علیه السلام الگوی برتری است که در اوج می‌درخشد؛ او که در قول و عمل صادقانه رفتار کرد. تصویرهای کربلا به زیبایی رقم خورد و در میان همه آن تصاویر، صدق و وفای عباس آنگاه که در شریعه فرات به یاد تشنگی مولایش آب ننوشید جان هر عاشقی را با خود می‌کشاند.

یاران اباعبدالله علیه السلام یکایک رسم صداقت را بجا آوردند و بهترین یاران لقب گرفتند؛ آنجا که امام حسین علیه السلام در وصفشان فرمود:

اِنِّی لَا اَعْلَمُ اَصْحَاباً اَوْفِیَّ وَ لَا خَیْراً مِنْ اَصْحَابِیَّ وَ لَا اَهْلَ بَیْتِ اَبْرَؤَ لَا  
اَوْصَلَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِی فَجَزَاکُمُ اللّٰهُ عَنِّیَّ خَیْراً<sup>۲</sup>.

اصحاب و یارانی باوفاتر و بهتر از یاران خود ندیده‌ام و نیز خویشان و خاندانی نیکوکارتر و با محبت‌تر و نسبت به خویشان، حق‌گذارتر از خاندان خود نمی‌شناسم خداوند از جانب من به همه شما نیکوترین پاداش عنایت فرماید.

- ابوذر غفاری، صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، نمونه بارز و اسوه دیگری از راستگویان است؛ او همان کسی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حقش فرمود:

۱. وقعه صفین، ابن مزاحم، ص ۱۶۰.

۲. ارشاد مفید، ص ۲۳۱.

مَا أَظَلَّتِ الْخُضْرَاءُ، وَلَا أَقَلَّتِ الْغُبَرَاءُ، ذَا هَجَةٍ أَصْدَقُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ.<sup>۱</sup>  
آسمان بر سر کسی سایه نیفکنده و زمین کسی را بر خود حمل نکرده  
است که از ابوذر راستگوتر باشد.

### پرسش

۱. رعایت نکردن صدق نسبت به فرمانده کل قوا چه پیامدهایی دارد؟ حضرت علی علیه السلام در این باره چه فرموده است؟
۲. نهاد سپاه با نهاد خانواده و مراکز دینی و علمی چه ارتباطی دارد؟
۳. چه آیه‌ای به رعایت صدق نسبت به همکاران و زیردستان دلالت می‌کند؟
۴. صدق در گزارش‌دهی را با استناد به قرآن توضیح دهید.
۵. دو نمونه عینی از صداقت پیشوایان دینی را بیان کنید.

---

۱. الحیة با ترجمه احمد آرام، ج ۶، ص ۴۰۲.

# نگاه حق بین و حق شناس



## چکیده

سپاه پاسداران، حافظ و نگهبان دستاوردهای حقانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. این نیروی مقدس پشتوانه حکومتی قرار گرفته که با شعار اعتلای کلمه حق به وجود آمد و بر حقانیت خویش و نیز مظلومیت خویش شاهدا دارد. از این رو شایسته است که خود به حق بینی و حق شناسی آراسته باشد. رهبر بزرگوار و حکیم انقلاب سه ویژگی بارز را برای پاسداران بیان فرمود:

دل‌های مشتقاق به مجاهدت فی سبیل الله در هر عرصه و میدان، زبانهای صادق، نگاه‌های حق بین و حق شناس.

این درسنامه دربردارنده تبیین ابعاد نگاه حق بین و حق شناس می باشد. حق به معنای مطابقت و موافقت است و در معنای اصطلاحی، حکم مطابق با واقع را گویند. این واژه هرگاه به صورت مصدری به کار رود، به معنای ثبوت و اگر به شکل وصفی استعمال شود، به معنای ثابت است. حق نقیض باطل بوده و شی زائل را باطل گویند. واژه حق در قرآن و روایات در معانی و مفاهیم متعددی به کار رفته است. مهم ترین حق در جهان هستی ذات پاک خداوند متعال

است و هر موجودی به هر اندازه با پروردگارش ارتباط برقرار کند و به او نزدیک شود به همان اندازه کسب حقانیت می‌کند. دایره حق در توصیف و بیان از هر چیزی وسیع‌تر است ولی به هنگام عمل از روی انصاف، مجال آن از همه چیز تنگ‌تر و کم‌وسعت‌تر است. شناخت حق برای خودسازی، جامعه‌سازی، عبور از فتنه‌ها و جهل‌زدایی ضرورت دارد. حق‌بینی و حق‌شناسی در مقام معرفتی بدین معناست که معیارهای حق را بشناسیم تا در هنگام امتزاج جبهه حق و باطل متحیر نشویم و حق‌بینی و حق‌شناسی در مقام رفتاری، التزام عملی به اصول و پرهیز از لغزش و انحراف است.

شاخص‌های حق‌بینی و حق‌شناسی عبارتند از: سودمندی، ماندگاری عقلانیت، و تعادل. زیرساخت‌های حق‌بینی و حق‌شناسی بصیرت و خدامحوری و ولایت محوری است. از راه‌های مهم دستیابی به نگاه حق‌بین و حق‌شناس، تفکر، تعقل، تدبیر، تلاوت آیات، عبرت‌آموزی، تقوی، زهد و دعا است. آثار و کارکردهای حق‌بینی و حق‌شناسی، تشخیص حق از باطل در گردها، فتنه‌ها، هستی‌شناسی و هدف‌شناسی در نسبت خود با آغاز و انجام و مبدء و منتها، فراهم شدن توسعه حق‌گرایی و منع باطل‌گرایی در سلوک اجتماعی مؤمنان حق‌بین، عمل آگاهانه و منطبق با تعالیم قرآن و عترت علیه السلام، کسب اقتدار در مقابل دشمنان اسلام ناب و گذر از فتنه‌های امروز و فردا با مقاومت در برابر فتنه و افشای آن در دنیا است.

موانع مهم نگاه حق‌بین و حق‌شناس در سه سطح شناختی، گرایشی و رفتاری مطرح شد.

موانع شناختی مانند جهل، سطحی‌نگری، ساده‌اندیشی، غفلت، انکار، لجاجت و شرک؛ موانع گرایشی از قبیل شخصیت‌گرایی قبیله‌گرایی و حزب‌گرایی و باستان‌گرایی و موانع رفتاری مانند: حرام‌خواری، هوی و شهوت‌پرستی، رفاه‌زدگی و گناه. اینها موانعی است که از سپیده دم تاریخ تا روز



قیامت در مسیر حق‌بینان و حق‌شناسان وجود دارد و باید با آسیب‌شناسی و تقویت زیرساخت‌های حرکت در مسیر حق‌بینی و حق‌شناسی بر آنان غالب شد. در این راستا اسوه‌های عینی حق‌بینی و حق‌شناسی برای الگوگیری و درس‌آموزی و چهره‌های باطل‌گرا و منحرف از حق به عنوان عبرت‌آموزی فراروی ما قرار دارند.

نمونه‌هایی از حق‌بینان و باطل‌گرایان در تاریخ انبیا مانند مؤمن آل‌فرعون، و بلعم باعورا، یاسر و ابولهب، عمار و ابوموسی، زهیر و شبث، علی بن یقطین و علی بن حمزه بطائنی در تاریخ پیامبران و ائمه طاهرین علیهم‌السلام وجود داشته‌اند. افرادی که چشمان خود را در مقابل حق بازگذاشتند، حق را تا مرز شهادت دیدند و گفتند و دفاع کردند به سعادت رسیده‌اند و آنها که چشمان خود را بستند، در مقابل ولایت ایستادند و رسوای دنیا و آخرت شدند جز شقاوت فرجامی نیافته‌اند. با ظهور انقلاب اسلامی استکبار و صهیونیسم و دنباله‌های داخلی و خارجی در مقابل انقلاب ایستادند، با آن درافتادند و برافتادند. در این میان از طرفی شهدای انقلاب اسلامی، شهدای محراب، چمران‌ها و همت‌ها شربت شهادت را از جام حق‌بینی و حق‌شناسی نوشیدند و از طرف دیگر شاهد ریزش‌هایی از صف حق‌یارویش چهره‌هایی در تداوم مبارزه بودیم؛ کسانی که در مقابل امام‌راحل و خلف صالح او ایستادند و در جبهه استکبار قرار گرفتند که ایستگاه آخرش انگلیس و آمریکاست - و هر روز فتنه می‌کنند تا نور حق را خاموش کنند. امام‌راحل عظیم‌الشأن و مقام معظم رهبری پیش‌اروی جبهه حق‌محوران، در مقابل باطل‌گرایان ایستادند و ماهیت پلید و سرنوشت شوم آنان را همواره افشا و پیش‌بینی کردند.

از زلال نگاه امام‌راحل، اسوه حق‌بینی و حق‌شناسی، شاهد تحقق پیش‌بینی‌ها و اقدامات مهمی بوده و هستیم مانند پیش‌بینی سقوط نظام شاهنشاهی در زمانی که کسی تصور آن را نمی‌رفت، قیام علیه طاغوت و بنیان نهادن نظام

جمهوری اسلامی، عاقبت ذلت‌بار سران مزدور منطقه، رهبری امام خامنه‌ای (مدظله)، سقوط کمونیسم، وقوع بیداری اسلامی در منطقه، فروپاشی آمریکا از درون، فتح قدس و آزادی فلسطین، نزدیک بودن ظهور و اتصال انقلاب اسلامی به ظهور. همه این امور برای ما موجب فخر و مباهات است و برای زندگی در دوران آن پیر عرشی و عبد صالح به خود می‌بالیم و افتخار می‌کنیم.

جلوه‌هایی از پرتو نگاه فقیه حق‌بین و حق‌شناس ولی امر مسلمین امام خامنه‌ای مقتدای مقتدر و فرزانه رهبر استکبارستیز و مجاهد را در هدایت صحیح سفینه انقلاب شاهدیم: در هدایت جامعه برای عبور از فتنه، طرح مکتب امام در مقابل جریان انحرافی، پیش‌بینی صحیح تحولاتی مانند حوادث خاورمیانه، فروپاشی رژیم صهیونیستی، پیروزی چشمگیر حزب الله، بیداری اسلامی، عقب‌نشینی آمریکا از عراق و مشارکت روز مردم در انتخابات مجلس نهم.

حسن ختام نوشتار حاضر این سخن مقام معظم رهبری است که فرمود: «این نگاه حق‌بین در هر شرایطی حتی اوضاع غبارآلود و پرابهام، واقعیات صحنه را تشخیص می‌دهد و وظیفه و راه عمل به وظیفه را درک می‌کند.»

امید است این درس‌ها فراروی فراگیران حق‌بین و حق‌شناس و سربازان ولایت و نصب‌العین قرار گیرد. به امید روزی که شکوه پیروزی روزافزون حق‌بینان و حق‌شناسان را در جبهه‌های گوناگون ستیز با استکبار، از شرق و غرب عالم شاهد باشیم و بدین امید که در راستای ارتقا و عمق‌بخشی نگاه حق‌بینی و حق‌شناسی پاسداران به‌ویژه پاسداران از نسل سوم انقلاب، و بسیجیان عزیز در تقابل با فتنه‌های نوپدید و تشخیص حق و باطل سهمی داشته باشیم. ان شاء الله

## درس اول

### چیستی حق‌بینی و حق‌شناسی

- انتظار می‌رود پس از تدریس این مبحث، فراگیر:
۱. با مفاهیم اساسی حق، باطل و گستره معنایی آن آشنا شود؛
  ۲. در ضرورت، گستره و شاخص‌های حق، اندیشه کند.

#### مفهوم‌شناسی حق

کلمه حق،<sup>۱</sup> دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است. راغب اصفهانی در معنای واژه «حق» می‌نویسد:

«أصل الحق المطابقة والموافقة».<sup>۲</sup> اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است.

و در منابع دیگر لغوی آمده است: «وهو يدلّ على إحكام الشيء وصحته، فالحق نقيض الباطل»<sup>۳</sup> حق دلالت بر استحکام و سلامت اشیاء دارد و نقيض باطل می‌باشد».

---

۱. حق در زبان فارسی به معنی حق، حقیقت، درست و در مقابل باطل بودن است. در این مورد در زبان انگلیسی لغت Truth استفاده می‌شود که به معنای حقیقت، درستی و صداقت است. حق انواعی دارد؛ از جمله: حق مالکیت، حق زوجیت، حق رأی، حق اشتغال، و حق کرامت انسانی.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۲۵؛ تاج العروس، ج ۶، ص ۳۱۵.

۳. معجم مقانیس اللغة، ج ۲، ص ۱۶؛ العین، ج ۳، ص ۶.

این واژه هرگاه به صورت مصدری به کار رود، به معنای ثبوت و اگر به شکل وصفی استعمال شود، به معنای ثابت است.  
حق در معنای اصطلاحی، حکم مطابق با واقع را گویند که بر اقوال و عقاید و مذاهب و ادیان اطلاق می‌شود.

استاد مطهری برای حق دو معنا ذکر کرده است:

۱. حق به معنای واقعیت داشتن در مقابل باطل به معنای واقعیت نداشتن؛
  ۲. حق به معنای تصدیق ذهنی است؛ یعنی قضیه و جمله‌ای ذهنی یا تصویری ذهنی که مطابق با واقع و نفس الامر است.<sup>۱</sup>
- چنان که مشخص است حق در برابر باطل تعریف می‌شود و مصداق می‌یابد. در این مورد دو بیان وجود دارد که به هم ضمیمه می‌شوند و معیار دقیق حق را مشخص می‌نمایند:

الف. آنچه که وجود دارد حق است مانند «قوانین موجود در نظام آفرینش» و آنچه که وجود ندارد و نسبت به آن ادعای بی‌جا می‌کنند باطل است.  
ب. آنچه که وجود دارد و باید هم وجود داشته باشد حق است، مانند «عدالت و نظم عمومی»، و آنچه که وجود دارد و نباید وجود داشته باشد باطل است، مانند «ظلم و ستم، انحرافات اخلاقی، تجاوزات بشری، ادعاهای دروغین.  
تعریف کامل حق با توجه به هر دو جمله کشف است؛ زیرا اگر ملاک شناخت حق، تنها «وجود» باشد بسیاری از نمونه‌های موجود باطل را شامل می‌شود در صورتی که به هم پیوستن دو جمله فوق، هرگونه باطلی را نفی می‌کند.  
پس باطل و ناحق و ناروا این است:

- چیزی وجود نداشته باشد و به دروغ ادعا کنند که هست؛
- چیزی که نباید وجود داشته باشد؛ هرچند در جایی هم باشد.

---

۱. الهیات شفا، ج ۲، ص ۲۹۳.

تذکر این نکته ضروری است که ملاک باید و نباید را خداوند، آفریدگار انسان، مشخص نموده، به صورت وحی و قرآن به بشریت ابلاغ می‌فرماید. سخن دیگر در گستره حق است. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در این مورد فرمود:

دایره حق در توصیف و بیان از هر چیزی وسیع‌تر است ولی به هنگام عمل از روی انصاف، مجال آن از همه چیز تنگ‌تر و کم‌وسعت‌تر است.<sup>۱</sup> اقامه حق میان مردمان، در اندیشه دینی، اهمیت خاصی دارد؛ چنان‌که خداوند به پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»؛ قرآن را به حق بر تو فرستادیم تا میان مردم به آنچه خدا تو را بنمود، حکم کنی. (نساء: ۱۰۵) یعنی هدف از فرستادن کتاب آسمانی، اجرای حق و عدل در بین مردم است.

واژه حق در قرآن و روایات در معانی و مفاهیم متعدد به کار رفته است و در بیشتر آن مفهوم حقوقی ندارد:

أ. حق در برابر باطل؛ «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»؛ و بگو حق آمد و باطل نابود شد. (اسراء: ۸۱)

ب. حق در برابر ضلال و گمراهی؛ «فَإِذَا بَعِدَ الْحَقُّ إِلَّا الضَّلَالُ»؛ پس بعد از حق جز گمراهی چیست؟ (یونس: ۳۲)

ج. حق در برابر سحر که زیرمجموعه باطل است؛ «قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُ بِهَ السِّحْرِ»؛ موسی گفت: آنچه شما آوردید سحر است. (یونس: ۸۱)

د. حق در برابر هوی؛ «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ و اگر حق از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، قطعاً آسمان و زمین تباه می‌شد. (مؤمنون: ۷۱)

۱. نهج‌البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۱۶.

## حق‌بینی و حق‌شناسی

### چیستی حق‌بینی و حق‌شناسی

شهید مطهری در تعریف روشن‌بینی یا حق‌بینی که تجلی آن در رفتار امام حسین (ع) بود می‌گوید: روشن‌بینی یعنی چه؟ یعنی حسین (ع) در آن روز چیزهایی در خشت خام می‌دید که دیگران در آئینه هم نمی‌دیدند.<sup>۱</sup> حق‌بینی و حق‌شناسی سیاسی در دو مقام معرفتی و رفتار سیاسی قابل ارائه است؛

۱. حق‌بینی و حق‌شناسی در مقام معرفتی؛ یعنی معیارها را بشناسیم تا هنگام امتزاج جبهه حق و باطل متحیر نشویم.

۲. حق‌بینی و حق‌شناسی در مقام رفتاری؛ یعنی التزام عملی به اصول و پرهیز از لغزش و انحراف.

بنابراین می‌توان گفت حق‌بینی و حق‌شناسی توانایی و تیزبینی در شناخت حقیقت در میدان نبرد حق و باطل و پایبندی شجاعانه به حق و دفاع آگاهانه از آن است. پس سخن درستی است اگر گفته شود حق‌شناسی نتیجه تفکر، فهم، تحلیل و بصیرت، و حرکت در مرزها و محدوده حق و تسلیم بودن در برابر آن است.

### چرایی و ضرورت حق‌بینی و حق‌شناسی

برخی ابعاد چرایی و ضرورت حق‌بینی و حق‌شناسی عبارتند از:

۱. حق‌بینی و حق‌شناسی برای خودسازی
۲. حق‌بینی و حق‌شناسی برای جامعه‌سازی
۳. حق‌بینی و حق‌شناسی برای عبور از فتنه‌ها
۴. حق‌بینی و حق‌شناسی برای جهل‌زدایی

---

۱. شهید مطهری، مرتضی، حماسه حسینی ۲، ص ۸۴.

### امکان حق‌بینی و حق‌شناسی

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنَارَ طَرِيقَهُ فَشَقَّوْهُ لِأَزْمِهِ أَوْ سَعَادَةِ دَائِمِهِ.<sup>۱</sup>

آفریدگار انسان برای رشد و تکامل بشر، راه‌های حق را به روشنی معرفی فرمود و مسیر راه‌های حق را نورانی و روشن نمود تا رهروان راه حق منحرف نگردند. سرانجام، یا بدبختی دائمی در انتظار خلاف‌کاران است یا سعادت دائمی در سر راه حق‌طلبان.

### اصول حق‌بینی و حق‌شناسی

برخی از اصول حق‌بینی و حق‌شناسی عبارتند از:

۱. حق و حقیقت‌های ثابت و جاودانه وجود دارد و قابل شناسایی هستند.
۲. تکامل فرد و جامعه در ابعاد مادی و معنوی در پیروی از حق و حقیقت است.
۳. با سرپیچی از حق، انحراف و فساد و سقوط، دام‌گیر فرد و جامعه خواهد شد.
۴. هر انسانی وظیفه دارد و مسئول است که حق را از باطل باز شناسد.
۵. موانست مؤمن با حق باید تا حدی باشد که غیر از باطل و ناروا چیزی وی را به وحشت نیاندازد.
۶. لازمه نیل به حق‌بینی و حق‌شناسی، صبر و شکیبایی و تحمل مشکلات آن است.

### شاخصه‌های حق

در این بخش فهرستی مختصر از شاخص‌های حق برای بازشناسی آن از باطل عرضه می‌شود؛ گرچه توضیح هر یک، بحثی مفصل را می‌طلبد.

۱. سودمندی همیشگی برای نگاه حق‌بین و حق‌شناس: خداوند در آیات سوره عصر به این نکته توجه می‌دهد.

---

۱. خطبه ۶، ص ۱۵۷، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه.

۲. ماندگاری حق: معیاری که قرآن برای شناخت حق از باطل به ویژه هنگام آمیختگی حق و باطل ارائه می‌دهد. (اسراء: ۸۱)
۳. مطابقت حق‌بینی و حق‌شناسی با فطرت: از دیگر ویژگی‌های حق آن است که همواره مطابق با فطرت و طبیعت سالم بشر است. (انبیا: ۵۵)
۴. تطابق حق با عقلانیت: حق، مطابق عقل می‌باشد و عقل بشری به سادگی حق را می‌شناسد و بدان‌گرایش پیدا می‌کند.
۵. اعتدال و تعادل: حق که همواره بر پایه عدالت، اعتدال و تعادل است.

#### پرسش

۱. معنای لغوی و اصطلاحی حق را به اختصار بیان کنید.
۲. حق‌بینی و حق‌شناسی را توصیف کنید.
۳. کاربرد واژه حق را در قرآن توضیح دهید.
۴. چهار ویژگی نگاه حق‌بین و حق‌شناس را برشمارید.
۵. چهار اصل از اصول حق‌بینی و حق‌شناسی را نام ببرید.
۶. پنج شاخص حق را بیان کنید.



## درس دوم

### مبانی و راه‌های دستیابی به حق‌بینی و حق‌شناسی

- از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه متن حاضر:
۱. در شناخت مبانی و زیرساخت‌های حق‌بینی و حق‌شناسی کوشش کند؛
  ۲. در دستیابی و وصول به مبانی و زیرساخت‌های حق‌بینی و حق‌شناسی اقدام نماید؛
  ۳. راه‌های دستیابی به نگاه حق‌بین و حق‌شناس را بشناسد؛
  ۴. در نیل به این راه‌ها برنامه‌ریزی و تلاش داشته باشد.

### مبانی و زیرساخت‌های حق‌بینی و حق‌شناسی

#### ۱. بصیرت

بصیرت در لغت و اصطلاح؛ بصیرت از کلیدواژه‌های راهبردی در حوزه معرفت و شناخت و نیز روابط اجتماعی و سلوک انسان مسلمان در رفتار فردی و اجتماعی به حساب می‌آید؛ زیرا شناخت و رعایت آن ضامن توفیق جبهه حق در مهار فتنه و عمل به عکس آن، ضامن موفقیت جبهه باطل در فتنه می‌گردد.

بصیرت در لغت به معنای بینایی، دانایی، زیرکی، هوشیاری، بینش، آگاهی،

چشم خرد<sup>۱</sup> و به معنای علم و عبرت و حجت نیز آمده است و در فرهنگ قرآنی به معنای رؤیت قلبی و باطنی است.<sup>۲</sup>

بصیرت در اصطلاح عبارت است از شناخت روشن و یقینی دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل.<sup>۳</sup>

**بصیرت در قرآن؛** از دیدگاه قرآن کریم بصر غیر از بصیرت است. بصر حس بینایی است که جمعی از ابصار است اما بصیرت جمعی از بصائر است. بصیرت یعنی حکمت و تشخیص سره از ناسره. قرآن کریم به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي. (یوسف: ۱۰۸)

بگو این است راه من، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

به تعبیر قرآن کریم برخی چشم دارند اما نمی‌بینند؛ این به آن معنی است که فاقد بینش و درک درست مسائل هستند:

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.

(اعراف: ۱۹۸)

و اگر آنها را [به راه] هدایت بخوانید، نخواهند شنید و تو می‌بینی که آنها در تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند.

**بصیرت در روایات؛** امام علی ﷺ فرمود:

إِنَّ نُورَ الْبَصِيرَةِ رُوحُ الْحَيَاةِ الَّتِي لَا يَنْفَعُ إِيْمَانٌ إِلَّا بِهٖ.<sup>۴</sup>

نور بصیرت همان روح زندگانی است که ایمان تنها بدان سودمند است.

و امام صادق ﷺ در وصف ابا الفضل ﷺ وی را به خصلت بصیرت ستود:

۱. لغت‌نامه دهخدا.

۲. ر.ک. قرشی، قاموس قرآن، ماده (بصر)؛ المفردات، ص ۴۹؛ علامه طباطبائی، المیزان، قم،

جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۰۷.

۳. پیام‌های عاشورا، جواد محدثی.

۴. بحارالأنوار، ج ۳۰، ص ۳۷.

كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ  
وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا وَمَضَى شَهِيداً.<sup>۱</sup>

عموی ما، عباس بن علی، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با  
امام حسین (علیه السلام) جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید.

**رابطه بصیرت و حق‌بینی و حق‌شناسی؛ بصیرت در حقیقت، حاصل بررسی  
موشکافانه همه ابعاد دور و نزدیک یک مسئله و فراهم آوردن یک معرفت  
ویژه و ارزیابی ژرف و بدون تردید نسبت به آن است.**  
ارزش انسان، وابسته به معرفت و بصیرت او است و ایمان آنگاه برای مؤمن  
سودمند است که همراه نور بصیرت باشد.

انسان با قطب‌نمای بصیرت، راه را از بیراهه و حقیقت را از امر غیرحقیقی،  
بازمی‌شناسد و نیز درگرفتن اطلاعات و داده‌ها، درست‌گزینی می‌کند و نیز در  
ارائه نظر و رأی، درست‌گویی می‌کند.

## ۲. خدا محوری

خدا محوری یعنی شناخت ذات خداوند به یگانگی (توحید نظری) و حرکت در  
محور تکالیف الهی (توحید عملی).

صاحب نگاه حق‌بین و حق‌شناس به خدا شناخت و باور دارد (توحید نظری)  
و بر محور توحید و خواست خداوند حرکت می‌کند.

خدا محوری یعنی وجه قلب و قالب رو به خدا باشد<sup>۲</sup> و قلم و قدم و قیام انسان<sup>۳</sup>  
برای خدا و در محور حق باشد.

و فرد خدا محور بر این باور است که «لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»؛ ملک آفرینش خاص

۱. دانش‌نامه امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۶.

۲. إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ.

۳. أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ.

خداست و حکم نافذ فرمان اوست. (اعراف: ۵۴) و می‌پذیرد که تنها از خدا بترسد؛ زیرا فرمود: «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ»؛ از شیطان و دوستان او نترسید از من (خدا) بترسید. (آل عمران: ۱۷۵).

رابطه خدامحوری و حق‌بینی در قرآن؛ خداوند فرموده است:

مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ. (نور: ۴۰)

و آن کس که خداوند برای او نوری قرار نداده باشد، او دارای نوری نمی‌باشد.

در این آیه نور به معنی چشم بصیرت اطلاق گردیده است.

– اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ. (بقره: ۲۵۷)

خداوند ولی و صاحب اختیار کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌کشد.

– أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ. (زمر: ۲۲)

پس آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای تلقی اسلام گشوده است و در نتیجه دارای نوری از ناحیه پروردگارش شده است چون سنگدلان است (مساوی می‌باشد با غافلان سخت دل از ذکر خدا)؟!

در این آیه به پذیرش و قبول اسلام نور اطلاق شده است، در برابر سخت‌دلی منکران اسلام.

آرمان خدامحوران رسیدن به درجه‌کسانی است که خداوند در مورد آنها فرمود:

كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يُنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِن دَعَانِي أَجِبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ.<sup>۱</sup>

من شنوایی او می‌شوم که با آن می‌شنود و بینایی او می‌شوم که با آن می‌بیند و زبان او می‌شوم که با آن حرف می‌زند و دست او می‌شوم که با

۱. الکافی، الکلینی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۳۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۲.

آن قدر تمندانه آنچه را که می خواهد به دست می آورد. اگر او مرا بخواند او را اجابت می کنم و اگر چیزی بخواهد به او می دهم.  
همانگونه که علی علیه السلام حق، حق بین و حق شناس بود، با چشم خدا می دید و با دست خدا شمشیر می زد.

### ۳. ولایت محوری

ولایت محوری عبارت است از التزام اعتقادی، قلبی و عملی فرد به فرامین فردی، اجتماعی، دینی و دنیوی پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام در عصر حضور و پیروی از فقههای واجد شرایط رهبری از جانب امام معصوم در عصر غیبت و پذیرش ولایت آنان به عنوان ولایت الهی در اجرای قوانین و اداره امور دینی و دنیوی جامعه اسلامی. بر این اساس، ولایتمدار به کسی اطلاق می شود که ولایت فقیه جامع الشرایط را همانند ولایت خدا، ولایت رسول خدا و ولایت امامان معصوم بپذیرد و کاملاً مطیع آنان باشد و از لحاظ اعتقادی و شناختی، گرایشی و عاطفی و عملی و رفتاری به همه دستورات و فرامین ولی فقیه با تمام وجود و عاشقانه کردن نهد. ولایتمداران حق بین، مطیع و ولی شناس هستند.

**حق بینی ولایت محوران:** انسان ولایتمدار در پرتو حق بینی می تواند حق را که به مثابه آب صاف و پر حرکت است از باطل که در حکم کف سطح آب است جدا کند.<sup>۱</sup> مواجهه قلب با حق از مواجهه با اهل حق آغاز می شود و اخذ حق از اهل ولایت اطمینان می آورد؛ زیرا حکم ولی خدا منشأ الهی دارد.

**اطاعت ولایت محوری:** ولایت محوری، اطاعت بی چون و چرا از ولی خداست. اطاعتی مخلصانه و از روی آگاهی و بر اساس حب به ولایت؛ همانگونه که خداوند در مورد افرادی که ولایت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را می پذیرند، چنین می فرماید:

۱. این تشبیه در سوره رعد آیه ۱۷ آمده است.

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُخَرِّجُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. (نساء: ۶۵)

به پروردگارت سوگند! که ایمان نمی‌آورد مگر آنکه تو را درباره آنچه میانشان مایه اختلاف است، داور قرار دهد سپس در دل‌هایشان از حکمی که کرده‌ای [اندکی] احساس ناراحتی نکند و کاملاً سر تسلیم فرود آورد.

از آثار ولایت‌مداری این است که انسان ولایت‌مدار از معارف اهل بیت علیهم‌السلام راه هدایت را می‌شناسد. ائمه هدی علیهم‌السلام به حکم آیه **فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ** (نحل: ۲۳) مرجع علمی هستند که به دلالت خود و به انگشت اشاره شان مسیر حرکت به سوی خدا را نشان می‌دهند.

**شناخت ولی امر زمان؛ شناخت ولی امر زمان در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که بنا به فرموده رسول گرامی خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد همانند کسی است که به مرگ جاهلیت قبل از اسلام مرده است»<sup>۱</sup>.**

شناخت ولی امر مسلمین در این زمان امر مهمی است که می‌تواند انسان را به حق‌بینی و حق‌شناسی برساند همانگونه که حضرت علی علیه‌السلام در سخنانی خطاب به دو تن از یاران خود می‌فرماید:

فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا حَدَّ الْإِسْتِصَارِ حَتَّىٰ يَعْرِفَنِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَا كَانَ مُسْتَبْصِرًا بَالِغًا كَامِلًا.<sup>۲</sup>

هیچ‌کس از شیعیان به بصیرت و حق‌بینی نمی‌رسند مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند. پس هنگامی که مرا به این مقام شناختند به‌طور تمام و کمال بصیرت یافته‌اند.

۱. بحار، ج ۲۳، ص ۹۴؛ الغدير، ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۲. بحار، ج ۲۶، ص ۷.

## راه‌های دستیابی به حق‌بینی و حق‌شناسی

### ۱. تدبّر، تعقل و تفکر

تدبّر عبارت است از تأمل در عواقب یک امر قرآن در این زمینه می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»؛ آیا در آیات الهی تدبّر نمی‌کنند یا آنکه بر دل آنها قفل زده شده و راه نمی‌افتند. (محمد: ۲۴) پس تفکر و تدبّر در قرآن، به ایجاد روح بصیرت و روشن‌بینی و زنده شدن و فعال شدن قدرت درک قلب و جان آدمی می‌انجامد و موجب بصیرت می‌شود.

عقل حقیقتی است در درون آدمی که به وسیله آن بین صلاح و فساد و بیان حق و باطل، راست و دروغ فرق گذاشته می‌شود. <sup>۱</sup>گاهی استعمال عقل به معنای تعقل و اندیشیدن است ولی گاهی به معنای استعداد و نیروی بالقوه به کار رفته است؛ بر اساس معنای دوم گفته می‌شود: عقل نیروی بالقوه و استعداد ذاتی مختص انسان است ولی تعقل استفاده از این نیرو برای به کارگماشتن آن است. تعقل موجب حق‌بینی و پیروی از حق می‌شود؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام فرمود:

لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ.<sup>۲</sup>

عقل جز با پیروی از حق کامل نمی‌شود.

تفکر در لغت به معنی «اندیشیدن»<sup>۳</sup> است. و حقیقت آن «یک نحو سیر در معلومات موجود است، تا از این راه مجهول یا مجهول‌هایی معلوم گردد». تفکر، زمینه‌ساز حق‌بینی و حق‌شناسی است و راه‌گشای هدایت انسان؛ چراکه حق‌بینی بعد از رسیدن انسان به درجه‌ای از درک و فهم حاصل می‌شود که با آن مهم بتوان از ظواهر امور گذشت و به باطن آن نگریست. ترک اندیشه علاوه بر بی‌بهرگی از آیات الهی، باعث غفلت از پروردگار و

۱. المیزان، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

۳. المنجد، ماده فکر.

فراموشی آخرت جاوید و موجب لغزش‌های عملی و جدا شدن از صراط مستقیم هدایت و رستگاری است:

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ. (یس: ۶۲)

و شیطان گروهی انبوه از شما را گمراه کرد آیا اندیشه نمی‌کنید؟

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

أَوْصَانِي رَبِّي بِسَبْعٍ أَوْصَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَأُعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي وَأَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي وَأَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا.<sup>۱</sup>

پروردگارم هفت چیز را به من سفارش فرمود: مرا توصیه کرد به اخلاص در نهان و آشکار، گذشت از کسی که به من ظلم نموده، بخشش به کسی که مرا محروم کرده، رابطه با کسی که با من قطع رابطه کرده، و سکوت همراه با تفکر و نگاه برای عبرت.

#### فرق تدبّر و تفکّر [برای مطالعه]

ابی‌هلال عسکری در «فروق اللغویه» می‌نویسد: «تدبر تصرف در قلب با نظر کردن در عواقب امور» است، اما تفکّر تصرف در قلب با نظر کردن در دلایل امور. «مجمع البیان» نیز همین نکته را ذکر می‌نماید.

پس تدبر به معنای تفکر و اندیشیدن در ورای ظواهر است تا چهرهٔ باطنِ امور، جلوهٔ گر شده عاقبتش برملا گردد؛ کاوش در باطن، و توجه به نتایج و عواقب امر دو خصوصیتِ اساسی تدبر می‌باشد، اما تفکر اعم از بررسی ظواهر و بواطن امور و اعم از بررسی علل و اسباب امور و نتایج و عاقبت آن است؛ چرا که تفکر به راهیابی‌ها و کشف مجهول‌ها، به‌طور مطلق نظر دارد.

۱. کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۱.



## ۲. تلاوت و تدبیر در قرآن

تلاوت و تدبیر در قرآن یعنی رویش هماره زندگی پای آبشار نور، درک شکوه سپیده و سحر و ستیز با شب و ستم، زانو زدن در برابر سخن حق و به فرمان حق گردن نهادن و جان را پا کبازانه نثار حق کردن؛ یعنی لبالب شوق شدن، غنچه شدن و شکفتن.

یکی از اموری که انسان را به بینش و منش قرآنی (حق بینی و حق شناسی، حق گویی و حق طلبی) و شخصیت دینی (انسان حق بین و حق شناس) گره می زند تلاوت و تدبیر در قرآن است.

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاجِلٌ مُصَدِّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ.<sup>۱</sup>

وقتی ظلم، گرفتاری و فساد، مثل ابر تاریک بر شما هجوم می آورد، به قرآن پناه ببرید؛ زیرا قرآن برای سعادت دنیا و آخرت شما شفاعت می کند و شفاعتش پذیرفته می شود. هر کس قرآن را سرمشق زندگی خود قرار دهد، بهشت آن شخص از همانجا شروع می شود تا به بهشت موعود برسد. و کسی که به قرآن پشت پا بزند و به آن عمل نکند، جهنم او از همانجا شروع می شود تا به جهنم موعود برسد.

برای انس با قرآن، پنج عنوان در قرآن آمده است:

۱. قرائت؛ «فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ پس بخوانید از قرآن آنچه راکه

ممکن است. (مزمّل: ۲۰)

۲. تلاوت؛ «أَثْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابٍ»؛ آنچه راکه از کتاب آسمانی قرآن

بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن. (عنکبوت: ۴۵)

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۳. ترتیل؛ «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»؛ قرآن را با دقت بخوان. (مزمّل: ۴)  
 ۴. تدبیر؛ «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ»؛ آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند. (نساء: ۸۲)  
 محمد: ۲۴)

۵. استماع و انصات؛ «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا»؛ و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید و سکوت کنید. (اعراف: ۲۰۴)

### فرق قرائت و تلاوت (برای مطالعه)

تلاوت قرآن به معنای متابعت از قرآن در قرائت و دنبال کردن معانی و پیروی در عمل است. بنابراین، هر تلاوتی قرائت است اما هر قرائتی ضرورتی ندارد که تلاوت باشد. بلکه تلاوت در مواردی به کار می‌رود که مطالب قرائت شده، وجوب پیروی را به دنبال داشته باشد. از این رو گفته نمی‌شود: «تَلَوْتُ رِفْعَتَكَ»؛ نامه‌ات را تلاوت کردم، ولی گفته می‌شود «قَرَأْتُ رِفْعَتَكَ» خداوند وظیفه مسلمانان را در قبال قرآن چنین بیان می‌کند:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (ص: ۲۹)

قرآن کتاب با برکتی است که آن را به سوی تو (ای پیامبر) فرستادیم تا [مردم] در آیات آن تدبیر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر حقایق آن شوند. آیه یاد شده به همه مسلمانان می‌آموزد که یکی از آداب تلاوت قرآن توجه به معانی قرآن و اندیشیدن در آیات آن است.

بدین روی خواندن قرآن بدون تدبیر در آن، ارزش قابل توجهی ندارد؛ زیرا هدف از نزول قرآن، عمل به آیات آن است و توجه به معانی و تدبیر در قرآن، مقدمه و دریچه‌ای به سوی عمل است. بر همین اساس است که امام علی علیه السلام درباره اهمیت تدبیر در قرآن چنین می‌فرماید:

أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ.<sup>۱</sup>

بدانید قرائتی که همراه با تدبّر نباشد خیری در آن نیست.  
«تدبر» جریانی روحی فکری است که با قرائت آهنگین یا استماع آیات، زمینه سازی شده و باکاوش در آیات ادامه یافته، به استخراج داروی درد خویش و به کارگیری آن ختم می گردد پس قرائت و تلاوت زمینه و عمل نتیجه آن می باشد.

### ۳. عبرت آموزی (برای مطالعه)

یکی از راه های حق شناسی این است که وقایع و حوادث عالم را به دقت بررسی کنیم، حق و باطل را جدا نماییم تا در کار حق شناسی مهارت و ورزیدگی پیدا کنیم. البته عبرت گیری و پندگیری پس از حق یابی و حق شناسی است.

**مفهوم عبرت در قرآن؛** قرآن کریم کلمه «عبرت» و «اعتبار» را هفت بار به کار برده و اهل بصیرت را بر توجه به آن تشویق نموده است؛ از جمله:

- «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْبَصَارِ»؛ عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت. (حشر: ۲)

- «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ در سرگذشت آنان، عبرتی برای

صاحبان اندیشه بود. (یوسف: ۱۱۱)

- «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»؛ بگو بروید در روی

زمین گردش کنید سپس بنگرید عاقبت و سرانجام گناهکاران چگونه بوده است.

(نمل: ۷۱)

**عبرت در روایات:** امام علی علیه السلام فرمود:

رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاَعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَاَبْصَرَ.<sup>۱</sup>

خدا رحمت کند کسی را که بیندیشد و سپس پند بپذیرد و اندرز بگیرد و

سپس بینا گردد.

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در کلام دیگری بر اثربخشی عبرت تصریح

کرده، می فرماید:

---

۱. نهج البلاغه، خ ۱۰۳.

مِنْ اَعْتَبَرَ اَبْصَرَ وَمَنْ اَبْصَرَ فَهَمَّ وَمَنْ فَهَمَّ عَلِمَ<sup>۱</sup>

کسی که عبرت آموزد، آگاهی یابد و کسی که آگاهی یابد، می‌فهمد و آن که بفهمد، دانش آموخته است.

پیام این دو کلام، آن است که «تفکر» زمینه‌ساز عبرت است و «عبرت» زمینه حق‌بینی و حق‌شناسی را فراهم می‌آورد.

**عبرت و نگاه حق‌بین و حق‌شناس؛ عبرت حالتی است که پیامد شیرین آن حق‌بینی است.** عبرت آموزی از دو طریق ممکن است:

۱. با مطالعه تاریخ و آثار به جای مانده از گذشتگان.
۲. حضور در کارگاه آموزشی یا اردوی حق‌بینی برای دیدن کاخ‌ها و شهرهای کهن.

#### ۴. تقوا

تقوا یک اصطلاح دینی و اخلاقی است و در منابع اسلامی، بسیار بر روی این کلمه تکیه شده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

اتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ. (بقره: ۲۸۲)

تقوی پیشه کنید و خداوند به شما تعلیم [مصالح امور] می‌کند.

تقوا از واژه «وقایه» به معنای نگهداری، گرفته شده و عبارت است از حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او.<sup>۲</sup>

**رابطه تقوا با حق‌بینی و حق‌شناسی؛** یکی از اصول مسلم قرآن این است که تقوا موجب حق‌بینی می‌شود. تقوا بر دستگاه عقل و قوه قضاوت انسان تأثیر می‌گذارد و این امر سبب می‌شود که انسان به دریافت حکمت‌هایی نائل گردد که بدون داشتن تقوا موفق به دریافت آن حکمت‌ها نمی‌شد.

۱. همان، حکمت ۲۰۸.

۲. چهل حدیث امام خمینی (قدس سره)، ص ۲۰۶.

به حق‌بینی و حق‌شناسی ۱۰۹

مهم‌ترین آیه‌ای که به موضع رابطه تقوا و حق‌بینی اشاره کرده، آیه ۲۹ سوره انفال است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید برای شما وسیله‌ای برای جدایی حق از باطل قرار می‌دهد [و روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهید شناخت].  
این دید و درک بصیرت‌آمیز ثمره درخت تقوا است. پس حق‌بینی و حق‌شناسی دو میوه عینی و ثمره متقی است. تقوا و پرهیز از گناه و هوی و هوس‌های سرکش انسان را به مقام بصیرت می‌رساند و دید و درکی می‌دهد که حق‌شناسی جلوه آن است.  
**تقوا در روایات؛** روایات متعددی در اهمیت تقوا آمده است؛ امام علی (ع) می‌فرماید:

الْوَرَعُ أَسَاسُ التَّقْوَى.<sup>۱</sup>

اساس و پایه تقوا دوری (از گناهان) است.

الْمُؤْمِنُ حَيٌّ غَنِيٌّ مُوقِرٌ تَقِيٌّ.<sup>۲</sup>

مؤمن، باحیا، بی‌نیاز، باوقار و پرهیزگار است.

أَكْبَسُكُمْ أَوْرَعُكُمْ.<sup>۳</sup>

زیرکترین شما، پارساترین شماست

## ۵. زهد و دوری از زخارف دنیا

زهد در لغت، به معنی بی‌اعتنایی است، و زاهد به کسی گویند که در عین کار و تلاش، به دنیا بی‌اعتنا باشد.<sup>۴</sup>

۱. غررالحکم، ح ۱۱۰۷.

۲. غررالحکم، ح ۱۸۵۲.

۳. غررالحکم، ح ۲۸۳۹.

۴. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۷/۸، چاپ هشتم، ج ۳، ص ۱۸۳.

و زهد در اصطلاح ضد رغبت و میل به دنیا است؛ یعنی روی‌گردانی از خوشی‌های دنیا و اموال و منصب‌ها و چیزهای دیگری که با مرگ زائل می‌شود.<sup>۱</sup> از این تعریف برمی‌آید:

الف. زهد نسبت به کسی صادق است که امکان تحصیل دنیا و برخورداری از آن را داشته باشد.

ب. روی برتافتن او از دنیا به دلیل پستی و حقارت دنیا نسبت به آخرت باشد.<sup>۲</sup> زهد در قرآن؛ زهد در آیات قرآن به صورت مستقل به کارنرفته است، ولی معنا و مفهوم آن در آیات قرآن بیان شده است؛ از جمله:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ. (شوری: ۲۰)

کسی که زراعت و بهره‌آ آخرت را بخواهد، به او برکت می‌دهیم و بر محصولاتش می‌افزاییم و آنها را که فقط کشت دنیا را می‌طلبند، کمی از آن به آنها می‌دهیم اما در آخرت هیچ نصیبی ندارند.

معیار زهد؛

بهترین معیاری که از قرآن برای زهد می‌توان ارائه داد این است:

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ. (حدید: ۲۳)

[این را بدانید] تا هرگز به آنچه از دست شما می‌رود اندوهگین نشده و به آنچه به شما داده شده است، دلشاد [شادمان] نگردید.

زهد در روایات؛ امام علی علیه السلام در تفسیر آیه ۲۳ سوره حدید می‌فرماید:

کسی که برگزیده افسوس نخورد، و به آینده شادمان نباشد، همه جوانب زهد را رعایت کرده است.<sup>۳</sup>

۱. مجتبی‌ی، سید جلال، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات، انتشارات حکمت، ۶۶

چاپ دوم، ج ۲، ص ۷۸.

۲. ر.ک. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۵۵-۵۶.

۳. نهج البلاغه، محمد دشتی، کلمات قصار ۴۳۹، ج ص ۷۳۵.

رابطه زهد با حق بینی و حق شناسی؛ دل نبستن به دنیا، چشم و گوش و دل آدمی را نسبت به حقایق باز می کند و پرده غفلت را بر عیوب دنیا کنار می زند. امام علی علیه السلام می فرماید:

كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا، فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا، عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يَصِيرُونَ.<sup>۱</sup>

آنان گروهی از مردم دنیا بودند، در حالی که اهل آن نبودند؛ در دنیا چنان بودند که گویا در آن نیستند، مطابق آن چه به حقیقت درک می کردند عمل می کردند.

#### ع. حلال خوری [لقمه حلال]

غذا به منزله بذری است که در مزرعه وجود آدمی پاشیده می شود که اگر حلال و پاکیزه باشد اثرش قلبی سرشار از صفا است و از اعضا و جوارح جز خیر و نیکی تراوش نخواهد کرد، اما اگر آن خوراک پلید و حرام باشد قلب را کدر و تیره خواهد نمود. خداوند فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. (بقره: ۱۶۸)

ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و پیرو برنامه های شیطان نشوید که البته به شما دشمن آشکاری است.

تأثیر لقمه حلال بر حق بینی؛ قرآن مجید در سوره قصص وقتی داستان کودکی موسی علیه السلام را بیان می کند، می فرماید: «وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ»؛ ما از قبل شیر همه زنان شیرده را بر او حرام کرده بودیم، خواهرش گفت: آیا می خواهید شما را به خاندانی راهنمایی کنم که سرپرست این کودک باشند؟ خانواده ای که خیرخواه این کودکند. (قصص: ۱۲)

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰.

حضرت موسی علیه السلام اگر باید در آینده صاحب ید بیضا گردد و بساط فرعون و فراعنه را برچیند، و با خدای خود در کوه طور سخن بگوید، باید از سینه پاک‌ی شیر خورده باشد، و از همان ابتدا لقمه حلال در دهانش گذاشته شود.

#### ۷. مناجات و دعا

خداوند متعال به مؤمنان سفارش کرد تا دست نیاز به سوی خالق بی‌نیاز بگشایند و رحمت الهی را طلب کنند: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ خدا را به اخلاص بخوانید که دین خالص مخصوص خداست؛ هرچند کافران نخواهند. (غافر: ۱۴)

دعا یعنی جلا دادن نگاه حق‌بین و حق‌شناس و سیراب‌سازی دشت تشنه سینه‌ها و نور افشانی جان‌ها در صبحگاهان امن و آفتابی و بامدادانِ روزهای سخت و شب‌های دی‌جور.

**دعا در قرآن؛** قرآن کریم، ادب دعا و نوع آن را به حق‌بینان و اهل مناجات تعلیم می‌دهد؛ مضامین ربّناهای قرآن جنبه هدایت و تعلیم دارند و دعوتی هستند جهت اتصال بنده نیازمند به حضرت بی‌نیاز. خداوند می‌فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (بقره: ۱۸۶)

و چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو بپرسند بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود و هر که مرا خواند دعای او را اجابت کنم پس بایست دعوت مرا (و پیغمبران را) بپذیرند و به من بگروند باشد تا به سعادت راه یابند.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (بقره: ۲۰۱)

بارخدا یا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند گردان و از شکنجه آتش دوزخ نگاهدار.



دعا در روایات؛ رسول خدا ﷺ فرمود:

ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ.<sup>۱</sup>

بلاهای گوناگون را به وسیله دعا از خود دفع کنید.

و امام علی علیه السلام فرمود:

الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مَصْبَاحُ الظُّلَّةِ.<sup>۲</sup>

دعا کلید گشایش رحمت الهی و چراغ روشنگر در تاریکی است.

الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ.<sup>۳</sup>

دعا سپر مومن است.

امام رضا علیه السلام فرمود: بر شما است که از سلاح پیامبران بهره بگیرید. به

حضرت عرض شد: سلاح انبیاء چیست؟ حضرت فرمود: «دعا».<sup>۴</sup>

نقش دعا در حق بینی و حق شناسی؛ دعا نردبان صعود به معارج الهی است.

ادعیه‌ای مانند مناجات خمسہ عشر، کمیل و مناجات شعبانیه را ائمه طاهرین علیهم السلام برای ما به امانت نهاده‌اند و ما به این موازین نورانی مباهات می‌کنیم و در همه مراحل زندگی و گذر از مشکلات زمانه در کنار تلاش و مجاهده از جاری همیشگی آن چشمه‌ها، روح خود را سیراب می‌کنیم.

ادعیه نقشه روشن راه ملکوت است و ما را با منظومه و اصول اعتقادی و تکالیف ما پیوند می‌دهد. دعاهاى معصومین علیهم السلام در حقیقت نجوای علم و اخلاق و عقیده و سیاست است با روح موحدانی که در محراب عبادت و میدان جهاد و صحنه مبارزه با شیطان‌های درونی و برونى حضور دارند.

امام سجاده علیه السلام از محراب نیایش، مکتبی سرشار از آموزش و پرورش پدید

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

آورد و ارزنده‌ترین اندیشه‌ها را با لطافت و عطر مناجات درهم آمیخته و شیفتگان جمال حق را تا جایگاه شناخت حقایق اوج داده است.

### پرسش

۱. زیرساخت‌های حق‌بینی و حق‌شناسی را نام ببرید.
۲. ولایت‌محوری را تعریف کنید.
۳. بصیرت را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۴. رابطه تقوا با حق‌بینی و حق‌شناسی را توضیح دهید.
۵. رابطه زهد با حق‌بینی و حق‌شناسی را بیان کنید.
۶. تأثیر لقمه حلال بر حق‌بینی را بیان کنید.
۷. نقش دعا در حق‌بینی و حق‌شناسی را توضیح دهید.

درس سوم

## آثار و کارکردهای حق‌بینی و حق‌شناسی

از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه این متن بتواند:

۱. آثار و کارکرد نگاه حق‌بین و حق‌شناس را بشناسد و برشمارد؛

۲. مصادیق آثار آن را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی پیدا کند.

حق‌بینی و حق‌شناسی دارای آثار و کارکردهایی است که مهم‌ترین آنها در حیات فردی و اجتماعی و مقاطع و لحظات حساس برای حق‌بینان و حق‌شناسان مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### ۱. تشخیص حق از باطل

تشخیص حق، بسیار سخت و دشوار است؛ زیرا جهان واقعیت‌ها پر از امور باطلی است که گاه آشکارا و به روشنی خودنمایی می‌کند و در بسیاری از اوقات با نمایی از حق جلوه می‌کند. خدای متعال در آیه ۱۷ سوره «رعد» ترسیم بسیار جالبی از ایمان و کفر و حق و باطل بیان کرده است:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا

يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ.

خداوند از آسمان، آبی نازل کرد و از هر دره و رودخانه به اندازه هر یک سیلابی جریان یافت، و سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد. بعضی چیزها که برای ساختن زیور یا ابزار در آتش می‌گدازند نیز کفی مانند آن دارد، خدا حق و باطل را چنین مثل می‌زند، و اما کف به کنار افتاده نابود می‌شود، ولی چیزی که به مردم سود می‌دهد در زمین می‌ماند، خدا مثل‌ها را چنین می‌زند.

طبق آنچه در آیه شریفه آمده، باطل، توخالی، پرسرو صدا، آلوده، بی‌فایده و بی‌ثمر است، و عمری کوتاه دارد اما حق مفید، پرثمر، پاک، تمیز، زیبا، مایه حیات و آبادی است، و عمری طولانی و دراز دارد. بی‌شک نمی‌توان تشبیهی زیباتر و گویاتر از آنچه در آیه آمده برای حق و باطل بیان کرد. بصیرت‌افزایی و آگاهی‌بخشی و دفاع جانانه از حق نتیجه تشخیص حق از باطل در بستر جاری جامعه است.

## ۲. هستی‌شناسی و هدف‌شناسی

نگاه حق‌بین و حق‌شناس به انسان امکان می‌دهد تا حقایق هستی را، چنان‌که هست، بشناسد [انا لله] و نهایت و غایت هر امری را بداند [انا الیه راجعون] و در مسیر درست گام بردارد، [اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ].

چنین رویکردی به افق اعلا نظر دارد و همه عبادات و طاعات را به قصد و هدف تقرب الهی انجام می‌دهد و رجوع همه امور را به سوی خدا می‌داند. به همین سبب به رسولش دستور می‌دهد که چنین سخن بگوید:

إِنَّ صَلَوتِي وَتُسْكَى وَحَيَايَ وَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (انعام: ۱۶۲)

همانا نماز من، عبادت من، زندگی و مرگ من، از آن خداوند، پروردگار  
عالمیان است.

و الی الله ترجع الامور، همه چیز بسوی خدا برمی‌گردد  
هر نگاه حق بینانه نردبانی است برای رسیدن به هدف و مقصد اهل حق  
می‌دانند که هدف والای هستی خداست و همه کارها و سخنان باید هماهنگ با  
آن هدف اصلی انجام گیرند؛ چراکه به این آیه باور دارد: «وَالِیَ اللّٰهُ تُرْجَعُ الْاُمُورُ»؛  
و بازگشت همه موجودات به سوی خداست. (آل عمران: ۱۰۹)

### ۳. توسعه حق‌گرایی و منع باطل‌گرایی

از کارکردهای نگاه حق‌بین و حق‌شناس توسعه حق‌گرایی و منع باطل‌گرایی  
است که در امر به معروف و نهی از منکر ظهور می‌یابد. شهید مطهری در این  
مورد می‌نویسد:

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر چیز دو شرط اساسی دارد:  
یکی بصیرت در دین و دیگری بصیرت در عمل؛ بصیرت در دین، اگر  
نباشد زیان این کار از سودش بیشتر است و اما بصیرت در عمل، لازمه دو  
شرطی است که در فقه از آنها به «احتمال تأثیر» و «عدم ترتب مفسده»  
تعبیر شده است. تشخیص مصلحت بر عهده خود عاملان اجراست.<sup>۱</sup>

### ۴. عمل آگاهانه

یکی دیگر از آثار حق‌بینی و حق‌شناسی عمل آگاهانه است.  
عمل آگاهانه یعنی قیام و اقدام بر اساس روشن‌بینی و بصیرت؛  
عمل بر اساس آموزه‌های دینی و در منظومه معرفت؛

---

۱. جاذبه و دافعه علی‌علیه، ص ۱۲۲ - ۱۲۳.

عمل مقرون به علم؛ عملی که انسان را به سمت کمال انسانی و فضایل اخلاقی رهنمون سازد؛ عملی که دستیابی به امور معنوی را در بر دارد.  
امام علی علیه السلام در وصیتی که به کمیل ابن زیاد دارد، نیاز عمل به علم را این‌گونه بیان می‌کند:

يَا كُمْيَلُ، مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ إِلَى مَعْرِفَةٍ.<sup>۱</sup>

ای کمیل هیچ حرکتی نیست، مگر آنکه در آن به شناخت نیاز داری.  
بنابراین هر عملی محتاج به معرفت دینی و دانستن حکم خداوند است و سزاوار است که انسان در انجام تکالیف دینی به گونه‌ای عمل نماید تا تمام اعمال و رفتارش طبق دستورات الهی انجام گرفته، سعادت او تأمین گردد. امام علی علیه السلام در این زمینه سخن بلندی دارد:

لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا، إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمِلُوا وَ إِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدِمُوا.<sup>۲</sup>

علم خود را نادانی، و یقین خود را شک و تردید قرار ندهید. پس هرگاه دانستید عمل نمایید و چون به یقین رسیدید اقدام کنید.  
بنابراین حق‌بینان و حق‌شناسان باید به اتقان معرفت دینی خود بیافزایند و آگاهانه در وظایف همت گمارند.

## ۵. کسب اقتدار:

شهید مطهری در مورد تأثیر شگرف حق‌بینی در کسب اقتدار می‌نویسد:  
قرآن می‌فرماید: اگر مؤمن با آن فقاهاست ایمانی خودش و آن امر معنوی،

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ج ۱، تحقیق: غفاری، قم: نشر اسلامی، چ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۴، بیروت: الوفاء، چ دوم، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۲۶۷.  
۲. علامه حلی، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، ج ۱، تحقیق: فارس الحسون، قم: جامعه مدرسین، چ اول، ۱۴۱۰، ص ۱۵؛ مجلسی، محمدباقر، ج ۲، پیشین، ص ۳۶.

تربیت جهادی هم پیدا کند، یک فرد از اینها مساوی است با ده فرد از آنها، بیست تا از اینها مساوی است با دویست تا از آنها، صد تا از اینها مساوی است با هزار تا از آنها؛ چون آنها فقاقت [به معنی فهم عمیق] ندارند. اینها فقیه ایمانی هستند، بصیرت ایمانی دارند. این، غلبه بصیرت است. ذَلِكَ يَوْمٌ لَّيْسَ لَهُمْ قَوْلٌ لَّيْقٌ مِّنْهُمْ. کفار، مردمی نفهم و بی‌بصیرت هستند. برعکس، مؤمنین مردمی فهیم و بابصیرت هستند.<sup>۱</sup>

آثار اقتدار معنوی ایران اسلامی در جهان نتیجه حق‌بینی و حق‌شناسی امام و امت در مقاطع حساس تاریخ انقلاب اسلامی است.

## ۶. گذر از فتنه

امروزه برای ایجاد فتنه در یک جامعه سال‌ها برنامه‌ریزی و تحقیقات مختلف جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و روان‌شناختی گسترده دربارهٔ جامعه هدف صورت می‌گیرد؛ از طریق مطبوعات، رسانه‌ها، رمان‌ها، کتاب‌های درسی و غیر درسی و فعالیت‌های تفریحی و گردشگری، ترویج مُدها و مُدل‌های جدید، ترویج روحیه مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی، سیاه‌نمایی نسبت به فعالیت‌های انجام شده، و مهم‌تر از همه ایجاد شبهه در باورها و ارزش‌های مورد قبول جامعه هدف می‌کوشند تا آرام آرام حساسیت‌های دینی و ارزشی مردم را تضعیف نمایند و بدین ترتیب بسترهای لازم برای براندازی نظام حاکم را فراهم سازند و با کمترین هزینه بتوانند به هدف خود دست یابند. به همین دلیل، مبارزه با فتنه در دوران حاضر نیز کار ساده و سهلی نیست. نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق و فعالیت‌های شبانه‌روزی است. از جمله برنامه‌های مقابله با ایجاد گران فتنه عبارت است از:

---

۱. شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

#### ۶- ۱. نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه‌انگیزان

در تئوری فتنه، اصل بر این است که به منظور تقویت جبهه فتنه، همه کسانی که کمترین وجه مشترک دارند را در زیر یک پرچم جمع نمایند و به اصطلاح وحدت نقطه‌ای داشته باشند؛ اگر چه خطی مشترک نداشته باشند. به همین دلیل جبهه فتنه اتحاد و وحدتی بسیار شکننده دارد.

#### ۶- ۲. مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع فتنه‌گران

فتنه‌گران می‌کوشند با برنامه‌ریزی و گام به گام، اهداف خود را جلو ببرند. در هر مرحله‌ای ممکن است خواسته‌ای جزئی و کوچک را مطرح کنند. سطحی‌نگران گمان می‌کنند که این خواسته جزئی مهم نیست و مصلحت حفظ نظام اسلامی اقتضا می‌کند از برخی قوانین کوتاه آمده، خواسته‌های آنان مورد توجه قرار گیرد. اما کافی است یک گام با آنان همراهی شود، آنگاه باید منتظر نتایج هولناکی بود. طلحه و زبیر هرگز آن انگیزه نهانی و نهایی خود را در ابتدای کار، بر زبان نیاوردند. خواسته اولیه آنان در ظاهر خواسته چندان حساسیت‌برانگیزی نبود. و در محاکمه قاتلان خلیفه، اما همراهی برخی با این شعار موجب شد فاز نهایی فتنه در جنگ جمل کلید بخورد.

یکی از شگردهای سیاسی براندازی نرم این است که در جایی که امکان براندازی یک نظام وجود ندارد، مخالفان کاری کنند که دستکم حاکمیت را مجبور نمایند تا برخی امتیازات را به آنان اعطا کند.

#### ۷. زمینه ساز نجات در قیامت

قرآن صحنه‌ای از قیامت را توصیف می‌کند که چگونه منافقان در ژرفای جهنم به نور حق‌بینی مؤمنان نیازمند هستند:

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ



ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ  
الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ. (حدید: ۱۳)

و باز آن روز مردان و زنان منافق به اهل ایمان گویند: به ما فرصتی دهید  
تا ما هم از نور شما روشنایی بگیریم. گفته شود: برگردید پشت سرتان و  
نوری را خواهش کنید که بین آن دوزخیان با اهل بهشت حصارى حایل  
گردد و بر آن حصار درى باشد که باطن آن رحمت است و از جانب ظاهر  
عذاب خواهد بود.

### پرسش

۱. آثار و کارکردهای حق‌بینی و حق‌شناسی را نام برید.
۲. چگونگی تشخیص حق از باطل را از منظر قرآن تبیین کنید.
۳. هستی‌شناسی و هدف‌شناسی را توضیح دهید.
۴. راه‌های توسعه حق‌گرایی و منع باطل‌گرایی را بیان کنید.
۵. نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه‌انگیزان را تشریح نمایید.
۶. مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع فتنه‌گران به چه معناست؟



## درس چهارم

# موانع نگاه حق‌بین و حق‌شناس

انتظار می‌رود فراگیر پس از مطالعه این متن:

۱. موانع نگاه حق‌بین و حق‌شناس را بشناسد؛
۲. برای برداشتن و رفع موانع حق‌بینی و حق‌شناسی در خود اقدام کند.

پس از تأسیس نظام اسلامی احیاناً با تهاجم دشمنان، صحنه‌های دیگری از امتحان رقم می‌خورد. در این هنگام مؤمنان برای حفظ نظام، خود را موظف به دفاع می‌بینند البته در این مسیر مردم به رهبری خواص، نقش عمده‌ای را بر عهده دارند. اکنون در دوران صلح و آرامش و رفاه آزمون دیگری مقرر گردید؛ امتحان به «دنیا‌گرایی» و عافیت‌طلبی و رفاه‌زدگی، خواص. اگر بصیر، خدامحور و ولایت‌محور نباشند اسیر حب و بغض‌های نفسانی و انواع موانع شده از حق‌بینی و حق‌شناسی دور می‌شوند. اینک به تعدادی از موانع راه حق‌بینی اشاره می‌شود.

## ۱. موانع شناختی

### ۱- ۱. جهل

جهل، ریشه همه بدی‌ها، بزرگ‌ترین مصیبت، زیانبارترین بیماری و خطرناک‌ترین دشمن است و شخص جاهل، بدترین جنبنده‌ها، بلکه مرده‌ای در

میان زندگان است.<sup>۱</sup> اگر انسان، از روی نادانی راهی را انتخاب کرد، سپاهیان نادانی، راه شناخت معارف سازنده و حقایق والای انسانی و رسیدن به مقصد اعلای انسانیت را بر او مسدود می‌نمایند و در این حال، اگر کسی بزرگ‌ترین دانشمند روی زمین هم بشود، دانش او برای هدایتش سودی نمی‌بخشد و بیماری نادانی، او را از پای در خواهد آورد که «وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ»؛ و خداوند، او را دانسته، گمراه گردانیده است. (جاثیه: ۲۳) با کمی تأمل، متوجه می‌شویم که اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقطه ضعفی که فکر انسان‌ها در طول تاریخ از آن آسیب دیده، «جهل» است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطاً أَوْ مُفْرَطاً.<sup>۲</sup>

هرگز نادانی را نمی‌یابی جز آنکه در [کارهایش] یا افراط می‌کند یا تفریط.

كَمْ مِنْ عَزِيزٍ أَدْلَاهُ جَهْلُهُ.<sup>۳</sup>

چه بسیار عزیزی که، نادانی‌اش او را خوار ساخت.

در واقع همه متفکران اعتراف می‌کنند که جهل منشأ بسیاری از کجروی‌ها و انحرافات بشر در حوزه فکر و اندیشه بوده است.

## ۱-۲. سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی

انسان‌های سطحی‌نگر فقط به زیر پا نگاه می‌کنند؛ پس راه را گم می‌کنند. به گفته امام خویش اهمیت نمی‌دهند. آنگاه امکان دارد که در جنگ حق و باطل، جنگ علی علیه السلام و معاویه در دفاع از حق بازماند؛ آنگاه امکان دارد جریانی در داخل انقلاب را که جبهه استکبار در تبلیغش همت گمارده، جریان خط امام و مدافع قانون بشمارد. اگر به تاریخ نگرین شده شود ورق‌های آن شهادت بر صدق این سخن می‌دهد؛ در صفین انسان‌های ساده‌اندیش و ساده‌لوحی چون ابو موسی اشعری موجب

۱. ر.ک. دانش‌نامه عقاید اسلامی، معرفت‌شناسی، بخش سوم: نادانی، فصل‌های یکم و سوم.

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰.

۳. همان، خطبه ۱۸۴.

شکست جبهه حق شدند؛ ساده‌لوحانی که مالک اشتر را مجبور کردند تا از یکقدمی پیروزی کنار خیمه معاویه عقب‌نشینی کند.<sup>۱</sup>

### ۱- ۳. غفلت

غفلت در کاربرد عرفی، به معنای عدم توجه، بی‌خبری، اشتباه، سهو، ندانم‌کاری و نادانی است. عالمان اخلاق، غفلت را سستی فرد از توجه به آنچه در نسبت با وی مهم است، تفسیر کرده‌اند.

غفلت، بی‌خبری از امری است که باید در معرض توجه و بصیرت قرار گیرد و در اطلاقش به انسان، متعلق به امری مهم و سرنوشت‌ساز است. انسان بی‌خبر به حادثه‌ای کوچک و امری بی‌ارتباط با سرانجام زندگی دنیوی و اخروی دچار است و از امور مهم غافل.

### غفلت در قرآن [برای مطالعه]

قرآن کریم در هدایت افراد، قبل از هر چیزی بر از بین بردن غفلت به عنوان مهم‌ترین مانع رشد و تعالی انسان تأکید کرده است. خداوند می‌فرماید:

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. (اعراف: ۱۷۹)

به یقین گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دل‌ها (عقل‌هایی) دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند. و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلانند.

افراد مورد نظر این آیه از این جهت غافل شمرده شده‌اند که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند. علت از کار افتادن تمام قوای ظاهری

۱. مجله مصباح، ش ۲۳، ص ۲۸، سال ۱۳۷۶.

و باطنی هدایت در وجود انسان وجود غفلت است. غفلت انسان مانع بصیرت، حق‌بینی و حق‌شناسی می‌شود. «یقطه» نقطه مقابل غفلت است.

غفلت در روایات؛ امام علی علیه السلام فرمود:

الْغَفْلَةُ تَكْسِبُ الْاَغْيَارَ، وَ تُذْنِي مِنَ الْبَوَارِ.<sup>۱</sup>

غفلت، فریب خوردگی می‌آورد و به هلاکت نزدیک می‌گرداند.

دَوَامُ الْغَفْلَةِ يُعْمِي الْبَصِيرَةَ.<sup>۲</sup>

ادامه یافتن غفلت، دیده بصیرت را کور می‌کند.

الْغَفْلَةُ ضَلَالَةٌ.<sup>۳</sup>

غفلت، گمراهی است.

الْغَفْلَةُ أَضَرُّ الْأَعْدَاءِ.<sup>۴</sup>

غفلت، زیانبارترین دشمنان است.

الْغَفْلَةُ ضَلَالُ النَّفْسِ وَ عُنْوَانُ النَّحُوسِ.<sup>۵</sup>

غفلت، گمراهی جانها و سرلوحه شومی‌ها و نافرجامی‌هاست.

رابطه غفلت و حق‌بینی؛ برای غفلت دو مصداق عینی می‌توان یافت:

۱. غفلتی که در آن عذر فرد غافل پذیرفته و مقبول است، مثل مواردی که

برای افراد، اتمام حجت نشده است و فرد گمراه، قاصر است نه مقصر.

۲. غفلتی که ناشی از کم‌دقتی و بی‌توجهی فرد است و عذری برایش وجود ندارد.

این غفلت مذموم است. آنها که در این جمع غافلان قرار گرفته‌اند از حق‌بینی میوه‌ای

نچیده‌اند و روح معنوی آنها مرده است؛ بدین جهت قرآن کریم فرموده است:

«فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُؤْتَى»؛ [ای رسول ما] دعوت حق را به گوش مردگان برسانی. (روم: ۵۲)

۱. غرالحکم، ح ۲۱۲۵.

۲. همان، ح ۵۱۴۶.

۳. همان، ح ۱۹۶.

۴. همان، ح ۴۷۲.

۵. همان، ح ۱۴۰۴.

#### ۱ - ۴. انکار و لجابت

قرآن درباره انکار عالمانه و لجابت با حق، بارها سخن گفته است:

«وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ»؛ انکار آیات الهی کردند در حالی که جان‌هایشان به آن یقین داشت. (نمل: ۱۴)

«يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ»؛ می‌شناختند او را (پیامبر را) مثل شناخت فرزندان خود. (بقره: ۱۴۶)

«لَيَكُنَّ مِنَ الْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ حق را پنهان می‌کردند و خودشان هم این را می‌دانستند. (بقره: ۱۴۶)

«فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا»؛ وقتی او (پیامبر) برای ایشان آمد شناختند او را و کفر ورزیدند. (کافر شدند) (بقره: ۸۹)

و در روایات نیز در ذم انکار و لجابت بیاناتی نیکو آمده است؛ از جمله اینکه امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد پیامبر و در حال رکوع، انگشتر خود را به فقیر داد و آیه ۵۵ سوره مائده نازل شد که ولی شما فقط خدا و رسول و کسی است که در رکوع اتفاق می‌کند، گروهی ولی خود را شناختند و انکار کردند، در این هنگام این آیه نازل شد: «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»؛ نعمت خدا را دانسته و شناخته باز انکار می‌کنند. (نحل: ۸۳)

و امام علی علیه السلام فرمود:

إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ، فَإِنَّ أَوَّلَهَا جَهْلٌ وَآخِرَهَا نَدَامَةٌ.<sup>۱</sup>

بپرهیز از لجابت؛ زیرا آغاز آن، نادانی و فرجامش پشیمانی است.

مَنْ لَجَّ وَتَمَادَى فَهُوَ الرَّائِسُ الَّذِي رَانَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ وَصَارَتْ دَائِرَةُ السَّوْءِ عَلَى رَأْسِهِ.<sup>۲</sup>

هر کس لجابت کند و بر آن پافشاری نماید، او همان بخت‌برگشته‌ای

۱. تحف العقول، ص ۱۴.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۸.

است که خداوند بر دلش پرده [غفلت] زده و پیشامدهای ناگوار بر فراز سرش قرار گرفته است.

#### ۱- ۵. شرک

شرک یعنی موجودی را در عرض خدا در نظر گرفتن و او را منشأ حوادثی فرض کردن و سهمی برای اداره جهان به او دادن. در اصطلاح قرآنی، شرک یعنی پرستش غیر خدا. به همین دلیل در قرآن کریم استدلال‌هایی که بر نفی شرک وارد شده است، بر انحصار پرستش در خدای سبحان دلالت دارد؛ زیرا محور تقدس و ارزش، خداست نه هیچ چیز دیگر.

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

(لقمان: ۱۳)

و آنگاه که لقمان در اندرز به پسرش گفت: فرزندم! به خدا شرک میاور؛ چرا که شرک ستم بزرگی است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدَرُ مِنْهُ فَإِنَّ فِيهِ الشِّرْكَ الْخَفِيَّ<sup>۱</sup>

ازکاری که موجب عذر خواهی می‌شود بپرهیز؛ زیرا در آن شرک خفی است. امام صادق علیه السلام فرمود: بنی‌امیه آموزش ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند اما آموزش شرک را برای آنان آزاد نگذاشتند تا اگر آنان را به شرک کشاندند متوجه نشوند.<sup>۲</sup>

اعتقاد مشرکانه نتیجه نداشتن بینش صحیح اعتقادی است. روی آوردن انسان، با وجود فطرت یکتاپرستی، به شرک زمانی است که انسان به دلیل عدم شناخت درست در پاسخ به نیاز و پرسش فطرت، به انتخاب و پاسخ نادرست دست می‌زند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۰.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۲.



تمام آیاتی که در قرآن کریم راجع به نفی شرک آمده‌اند، در دو زمینه اعتقاد و عمل، مطرح شده‌اند و خداوند مشرکان را از این دو جهت مورد توبیخ قرار می‌دهد.

## ۲. موانع گرایشی

### ۲-۱. شخصیت‌گرایی

یکی از موانع حق‌بینی و حق‌شناسی، گرایش به شخصیت‌ها است. شخصیت‌های بزرگ تاریخی یا معاصر از نظر عظمتی که در نفوس دارند بر روی فکر و اندیشه و تصمیم و اراده دیگران اثر می‌گذارند و در حقیقت، دیگران در مقابل آنها استقلال فکر و اراده خود را از دست می‌دهند. قرآن کریم از زبان مردمی که از این راه گمراه می‌شوند نقل می‌کند که در قیامت می‌گویند: «رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا»؛ پروردگارا ما بزرگان و اکابر خویش را پیروی و اطاعت کردیم و در نتیجه ما را گمراه کردند. (احزاب: ۶۷)

امروز نیز شخص‌گرایی و شخصیت‌زدگی آفت بصیرت و بینایی دل است.

### ۲-۲. قبیله‌گرایی و حزب‌گرایی

قبیله‌گرایی سیاسی از جمله آفت‌هایی است که همواره در روند یک جریان به ویژه جریان‌ات برخاسته از انقلاب نیز تأثیرگذار بوده است.

ایجاد ترویج و گسترش روحیه قبیله‌گرایی و طایفه‌گرایی و رفتار قبیله‌ای و طایفه‌ای آنجایی اهمیت می‌یابد که بررسی رفتار سیاسی دشمنان انقلاب طی دهه‌های گذشته، ما را در نهایت به این نتیجه می‌رساند که جبهه استکبار-تمرکز راهبردهای خویش را از حوزه خارجی و فشار از بیرون به حوزه ایجاد التهاب و بحران‌آفرینی داخلی و انفجار از درون تغییر داده‌اند. در این راهبرد جدید گسترش یأس و ناامیدی از یک سو و کاستن از آستانه تحمل مردم [از طریق تصویب تحریم‌ها] و ایجاد تقابل داخلی [از طریق توجه به مسائل قومی، مذهبی و فرهنگی] مورد توجه است و هدف‌گذاری آن نیز در چند پایه شکل می‌گیرد:

۱. ایجاد حس بی‌اعتمادی و نارضایتی سیاسی نسبت به حاکمیت؛
  ۲. سایش ظرفیت‌های نظام و چالش‌سازی داخلی با هدف مشغول کردن مجموعه نظام به مسائل داخلی و تغییر راهبردهای ایران در حوزه‌های منطقه‌ای (بیداری اسلامی) و بین‌المللی (استکبار ستیزی)؛
  ۳. ایجاد و گسترش تنش در مناطق بحران‌خیز قومی کشور.
  ۴. بُعد ملی و بین‌المللی پیدا کردن مسائل قومی، قبیله‌ای از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی از سوی دشمن؛
  ۵. زمینه‌سازی جهت دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران؛
  ۶. ایجاد و تشکیل نهادهای غیر دولتی با گرایش قومی - قبیله‌ای.
- راهکارهای مقابله با روح قبیله‌گرایی در چند عنوان خلاصه می‌شود:
۱. تاکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی و حفظ ارزش‌های اسلامی؛
  ۲. تحلیل شرایط موجود کشور و شناساندن اهداف و عملکردهای دشمنان؛
  ۳. گسترش روحیه غلبه منافع ملی بر منافع فردی، گروهی و قبیله‌ای؛
  ۴. فصل الخطاب قرار دادن گفتمان رهبری؛
  ۵. توجه به حفظ آرامش در کشور؛
  ۶. توجه به اصل شایسته سالاری در تأیید دادن مسئولیت‌ها.
- حزب‌گرایی به مفهوم امروزی آن ریشه در فرهنگ غرب دارد و قصد از آن اختلاف‌افکنی برای گل‌آلود کردن اوضاع و منفعت جستن از وضعیت پیش آمده است. این فرهنگ حزب را با ترفند، تبلیغ و جنگ روانی به بتی مبدل می‌سازد تا آحاد جامعه چشم‌پسته خود را فدای ارزش‌های آن کنند و بر اثر بی‌بصیرتی، گاه در مقابل ارزش‌های الهی و دین و انقلاب بایستند. در این نگاه به جای معیار قرار دادن حق، حزب و گروه معیار قرار می‌گیرد. حزب‌گرایی آفاتی دارد که از آن جمله است:
۱. احزاب در چارچوب منافع حزبی فعالیت می‌کنند.
  ۲. هر حزبی نیروهایش را وابسته به مرام خود می‌کند.

۳. راهبردهای احزاب از قبل تعیین شده است.

۴. حزب در جوامع اسلامی برخلاف رخداد طبیعی آن در غرب، ناشی از سیطره‌طلبی فرهنگ غرب و تلاش روشنفکران برای به چالش کشیدن اندیشه اسلامی بروز یافت.

۵. حزب برای کسب قدرت تلاش می‌کند درحالی‌که در فرهنگ اسلامی، قدرت از اصالت برخوردار نیست. قدرت از اهداف میانی مسلمانان به شمار می‌رود که برای دستیابی و حفظ و گسترش آن تلاش فراوانی صورت می‌گیرد، اما در جهت آرمان‌ها، رشد و تعالی معنوی و حفظ اسلام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

۶. حزب در اندیشه معاصر غربی هیچ محدودیتی به جز منافع ملی و یا حزبی را به رسمیت نمی‌شناسد.

## ۲-۳. باستان‌گرایی [برای مطالعه]

ورود اسلام به ایران اگر چه از منظر شرق‌شناسی یک تهاجم تلقی می‌گردد، ولی به واقع می‌بایست آن را به تعبیر شهید مطهری یک انقلاب برای مردم ایران قلمداد کرد.<sup>۱</sup> ظهور اسلام در ایران برهم‌زننده نظم قدیم حاکم بر جامعه ایران بود که ره‌آورد آن آزادی از ظلم و جور برای قاطبه مردم ایران بود که تا پیش از این به سبب وجود نظام طبقاتی از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم بودند. اسلام به جای‌گزینش در مقابل آفتاب یا آتش عباداتی را در نهایت معقولیت و در اوج معنویت و در کمال لطافت اندیشه توصیه کرد.<sup>۲</sup>

با این همه، اینک چه می‌شود که گروهی بی‌خبر دیگر باره بر پایه اوهام مکتب ایرانی از فرهنگ و تفاخر به تاریخ باستان و گذشته باستانی را دستاویزی برای به محاق بردن تاریخ ایران دوره اسلامی قرار داده‌اند؟

۱. مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۸۱، ص ۳۱۴.

۲. ر.ک. همان، ص ۳۱۵-۳۱۶.

گذر زمان و واکنش مردم متدین این سرزمین و از همه مهم‌تر قضاوت تاریخ، بی‌هیچ توضیحی خودمبین سرنوشت طرح چنین آرایشی در این مملکت است. اکنون پس از سپری شدن چند دهه از عمر باصلابت انقلاب اسلامی این دست از اقدام‌های شکست‌خورده در راستای برجسته‌سازی تاریخ ایران باستان به عمده‌ای از روی غفلت و با هدف بزرگنمایی ایران باستان در برابر تاریخ ایران اسلامی صورت می‌گیرد.

### ۳. موانع رفتاری

#### ۳- ۱. حرام‌خواری

هرگونه مالی که انسان از طریق غیرشرعی به دست آورده باشد آن مال حرام است. بنابراین هرکس بخواهد از طریق کارهایی که در دین مقدس اسلام ممنوع اعلام شده، چه از راه تجارت و چه از راه‌های دیگر مالی، تحصیل کند و ثروتی بیندوزد، آن مال حرام است و تصرف در آن جایز نیست. پیامبر ﷺ فرمود:

أَلْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ - وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ<sup>۱</sup>

عبادت کردن با وجود حرام‌خواری مانند ساختن بنایی است بر روی شن یا بر روی آب.

و امام علی علیه السلام فرمود:

بَشَّ الطَّعَامُ الْحَرَامُ<sup>۲</sup>

بدخوراکی است مال حرام!

همان‌گونه که غذای سمی، جسم انسان را مسموم می‌کند غذای حرام، روح انسان را آلوده می‌سازد. در تاریخ عاشورا می‌خوانیم که امام حسین علیه السلام به لشکر عمر سعد خطاب کرد: «شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده است؛ پس دیگر حق را نمی‌پذیرید و به آن گوش نمی‌دهید»<sup>۳</sup>.

۱. عده الداعی، ص ۱۴۱.

۲. غرر الحکم، ص ۱۷۰.

۳. قمی، عباس، نفس‌المهموم، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۴۵.

و این نکته تاریخی گویای آن است که لقمه حرام قلب را تیره و تار می‌کند، آنگاه قلبی که تیره و تار است از پذیرفتن حق و تسلیم در برابر آن سرباز می‌زند و هیچ اندرزی در او تأثیر ندارد و از هیچ جنایتی روی گردان نیست.

### ۳- ۲. هوی پرستی [برای مطالعه]

یکی دیگر از موانع حق‌بینی و حق‌شناسی مقهور شدن در برابر هواهای نفسانی است؛ شناخت هنگامی صورت می‌پذیرد که فرد پذیرای تحول و دگرگونی بوده، کژی‌ها را اصلاح نماید اما اگر خود هوی پرستی بر او سایه افکنده باشد ایجاد تحول غیر ممکن یا بسیار دشوار است، بی‌تردید راه کشف حقایق بر او بسته می‌شود و ره به جایی نخواهد برد. قرآن درباره تبعیت از هواهای نفسانی می‌فرماید:

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ. (روم: ۲۹)

نه، [چنین نیست] بلکه کسانی که ستم کرده‌اند بدون هیچ‌گونه دانشی هوس‌های خود را پیروی کرده‌اند. پس آن کس را که خدا گمراه کرده، چه کسی هدایت می‌کند و برای آنان یاورانی نخواهد بود.

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا. (نساء: ۱۳۵)

از هوی و هوس پیروی نکنید که منصرف می‌شوید.

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ. (جاثیه: ۲۳)

آیا دیده‌ای کسی را که هوای خود را خدای خود گرفته است [و با وجود آگاهی از حق و باطل، آرزو پرستی کرده است] و خدا او را گمراه ساخته است؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْهَوَىٰ عَدُوُّ الْعَقْلِ.<sup>۱</sup>

هوا و هوس دشمن عقل است.

---

۱. مصباح الشریعة، باب ۳۸، ص ۲۲۳.

و امام باقر علیه السلام فرمود:

جَاهِدْ هَوَاكَ كَمَا تُجَاهِدُ عَدُوَّكَ.<sup>۱</sup>

با هوای نفسانی خود مبارزه کن همان‌گونه که با دشمنت مبارزه می‌کنی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

رُبَّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزْنَ طَوِيلًا.<sup>۲</sup>

چه بسیار شهوتی که ساعتی بیش نیاید، اما اندوهی طولانی در پی آرد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خصوص نگاه شهوت می‌فرماید:

إِذَا أَبْصَرْتَ الْعَيْنُ الشَّهْوَةَ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الْعَاقِبَةِ.<sup>۳</sup>

هرگاه چشم ظاهری، شهوت را ببیند چشم دل انسان نسبت به عاقبت

کار کور گردد.

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مکرر نسبت به تهاجم فرهنگی هشدار داده است؛ از جمله فرمود: «سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است.»<sup>۴</sup> وقتی جامعه‌ای مشغول و گرفتار شهوات شد دیگر بصیرت خود را نسبت به مسائل پیرامونی از دست می‌دهد و همچون اندلس ممکن است کشور را تقدیم کفار نماید.

### ۳-۳. رفاه‌زدگی

یکی از موانع نگاه حق‌بین و حق‌شناس، تن‌آسایی و رفاه‌زدگی است. امام علی علیه السلام در این موضوع می‌فرماید:

وَاللَّهُ مُسْتَأْدِبُكُمْ شُكْرَهُ وَ مُؤَرِّثُكُمْ أَمْرَهُ وَ مُهْلِكُكُمْ فِي مِضْمَارٍ مَمْدُودٍ  
لَتَسْتَأْزِعُوا سَبْقَهُ فَشُدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ وَ اطُّوْا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ لَا تَجْتَمِعَ عَزِيمَةٌ  
وَ وَلِيْمَةٌ مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ وَ أُنْحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيرِ الْهَمَمِ.<sup>۵</sup>

۱. عیون اخبار الرضا، ص ۵۱.

۲. بحار، ج ۳، ص ۸۲ ح ۷۷.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۵.

۴. از بیانات مقام معظم رهبری، ۶ فروردین ۱۳۸۱.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۱.

خداوند از شما ادای شکرش را خواسته و فرمانش را برایتان به میراث نهاده و شما را مهلت داده است تا در بزرگ میدان مسابقه به ربودن جایزه سبقت گیرید. پس اینک بپا خیزید و عزمتان را جزم کنید و کمرهاتان را محکم ببندید و از شکمبارگی و رفاه زدگی و ارهید و اندکی به خودسازی روی آرید. بدانید که سور چرانی با جدیت و قاطعیت سازگار نیست. ای بسا خواب نوشین که تصمیم های متین را باطل کند، و تاریکی های خودفراموشی که بلند همتی ها را در خود فروپوشد.

رفاه زدگی بیشتر سراغ خواص می رود، خواص پیش خود تحلیل می کنند که فشار دنیا، فشار دشمنان، قدرتمند چه می شود. براساس آن تحلیل ها می آیند و حتی مصلحت اندیشی می کنند اما واقعیت مطلب این است که خود آنها خسته شده اند، تاکی بجنگیم؟ تاکی محاصره اقتصادی؟ مگر نمی شود از راه مذاکره کاری کرد؟ این حرفها مال خواص است و هوشیاری در برابر این مسائل، تنها راه نجات است.<sup>۱</sup>

### ۳- ۴. گناه کبیره

گناه، مانع بزرگ تقرب به ساحت حق و حق بینی است.

از این رو خداوند می فرماید:

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا  
يَفْعَلُونَ. (انعام: ۱۲۰)

و گناه را چه آشکار باشد و چه پنهان رها کنید؛ زیرا کسانی که مرتکب می شوند به سزای اعمال خود خواهند رسید.

**انواع گناهان کبیره:** یأس و نومیدی از رحمت خداوند، ایمنی از مکر و عقاب خدا، دروغ، غیبت، سخن چینی شکستن عهد و پیمان، فرار از جنگ، تکبر، ظالم

۱. رسالت خواص، خاتمی، سید احمد ص ۹۸.

را در ظلمش کمک کردن، به کمک و پشتیبانی ظالم اعتماد داشتن، اسراف، خیانت در امانت، اصرار بر گناهان کوچک.<sup>۱</sup>

گناه و دوری از حق‌بینی و حق‌شناسی؛ توانایی‌های عقلی و فکری هر انسانی متناسب با کارهایی که از او سر می‌زند شدت و ضعف پیدا می‌کند. گناه از اموری است که باعث ضعیف شدن توان عقلی و فکری انسان می‌شود؛ چرا که عقلانیت انسان، از جنس نور است و گناه، مولد ظلمت و این دو با هم جمع نمی‌شوند. در آیه ۴۶ سوره حج می‌خوانیم:

فَأَنبَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.

چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌ها جای دارد نابینا می‌گردد.

### پرسش

۱. موانع شناختی نگاه حق‌بین و حق‌شناس را نام ببرید.

۲. موانع رفتاری نگاه حق‌بین و حق‌شناس کدامند؟

۳. پنج آفت از آفات حزب‌گرایی را برشمارید.

۴. حرام‌خواری چیست؟

۵. رفاه‌زدگی چیست؟

۶. چند نمونه از آفات قبیله‌گرایی را بیان کنید.

۷. اثر لقمه حرام چیست؟

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱ و ۲.



## درس پنجم

# حق بینان و باطل‌گرایان در تاریخ

از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. برخی از حق‌بینان و باطل‌گرایان را در بستر زمان بشناسد؛

۲. توانایی پیدا کردن مصادیق حق‌بینان و باطل‌گرایان در زمان کنونی را پیدا کند.

با نگاهی جامعه‌شناختی نسبت به جوامع پیشین، در می‌یابیم که هر جامعه‌ای در طول تاریخ، افرادش را در دو گروه خواص و عوام تجزیه کرده است و در واقع، همین دو گروه‌اند که منشأ تحولات تاریخی در دوره‌های مختلف بوده‌اند؛ به گونه‌ای که هر پدیده تاریخی، حاصل نوع عملکرد این دو طایفه و تعامل آن‌هاست. اکنون با توجه به مرجعیت خواص برای عوام و تأثیرپذیری گروه پیر و از طایفه پیشرو، توجه به عملکرد و نوع تفکر این دو دسته در انعقاد و شکل‌گیری فرایندهای تاریخی، امری حایز اهمیت خواهد بود. یکی از ابزارهای مهم شناخت همه‌جانبه اسلام ناب و انقلاب اسلامی، شناخت رهبران و بزرگانی است که در این فرایند نقش مهم و بسزایی ایفا کردند.

## ۱. حق‌بینان و باطل‌گرایان در تاریخ انبیا ﷺ

### ۱-۱. حضرت یحیی، حق‌گوی شهید

اکثر مورّخان مسلمان و نیز منابع معروف مسیحی جریان جگرخراش شهادت حضرت یحیی را به خاطر بیان حق و اظهار حقیقت، بر ضد طاغوت زمان خود دانسته‌اند و چنین بازگو کرده‌اند: یحیی قربانی روابط نامشروع طاغوت زمان خود با یکی از محارم خویش شد. به این ترتیب که هیردویس پادشاه هوسباز فلسطین، عاشق هیرودیا دختر برادر خود شد و زیبایی وی دل او را در گرو عشق آتشین قرار داد. پس تصمیم به ازدواج با او گرفت. این خبر به پیامبر بزرگ خدا یحیی رسید. او به صراحت اعلام کرد که این ازدواج نامشروع است و مخالف دستورات تورات می‌باشد و من به مبارزه با چنین کاری قیام خواهم کرد. هیرودیس که دیوانه‌وار به آن زن عشق می‌ورزید، بی‌توجه به عاقبت این کار، تسلیم هوای نفس شد و چیزی نگذشت که سر یحیی را نزد آن زن بدکار حاضر ساختند، ولی عواقب دردناک این عمل سرانجام دامن او را گرفت.

### ۱-۲. آسیه همسر حق‌شناس فرعون

آسیه، ایمان به خدا و موسی را برگزید و از اعتقاد روشن خود دست برنداشت. او که با دیدن معجزات موسی از صمیم دل به خالق جهان ایمان آورده بود و می‌دانست که فرعون مردی ستمگر و در عین حال ضعیف و خودکامه است و دعوت انبیا واقعیت دارد، سرانجام زندگی مجلل دربار مصر و کاخ پرشکوه فرعون را - که روزی مانند فرعون، زوال‌پذیر خواهد بود - با آنچه در نزد خداست و باقی و پایدار است، معاوضه کرد و تن به هر گونه پیشامدی داد که در انتظارش بود. فرعون نیز که از سعی خود نتیجه‌ای نگرفت، دستور داد آسیه را به چهار میخ بکشند. هنگامی که آسیه را به میخ کشیده بودند، سنگی بزرگ بر سرش کوفتند و بدینگونه به زندگی آن بانوی بزرگ پایان دادند در حالی که آسیه با خدای خویش راز و نیاز می‌کرد.

### ۱ - ۳. مؤمن آل فرعون، حق شناس با فراست

مؤمن آل فرعون از اقوام فرعون و در دستگاه او بود. ایمان خود را کتمان کرد تا بتواند در موقع مناسب به حضرت موسی علیه السلام کمک کند. خداوند می فرماید مؤمن آل فرعون در یک موقعیت مناسب و بحرانی گفت: «آیا می خواهید موسی را - که می گوید خدای من الله است - بکشید؛ درحالی که او معجزات روشنی برای شما آورده است؟ اگر موسی دروغ بگوید که همان دروغش او را از پای در می آورد؛ ولی اگر راست بگوید، چه بسا بعضی از آن عذاب هایی که می گوید، گریبانگیر شما گردد و خداوند هر کس را که زیاده روی کند و دروغ بگوید، هدایت نمی کند و امرش را اصلاح نمی فرماید». (غافر: ۲۸)

### ۱ - ۴. ساحران فرعون، حق بینان ساجد

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ، قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ. (شعراء: ۴۶ - ۴۷)

ساحران حقیقت، دعوت موسی علیه السلام را دریافتند و بی اختیار به درگاه خدا به سجده افتادند. گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. فرعون به ساحران گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ و چاره ای جز این ندید که بگوید: قطعاً موسی بزرگ شماست که سحر را به شما آموخته است. به زودی خواهید دانست که با شما چه می کنم! به طور قطع، یک دست و یک پای شما را به عکس یکدیگر خواهیم برید و همه شما را به صلیب خواهیم کشید. آنان در پاسخ فرعون گفتند: این شکنجه برای ما زبانی نیست؛ زیرا بدین وسیله به سوی پروردگارمان باز می گردیم و به لقای او نایل می شویم.

### ۱ - ۵. ملکه سبا، حق بین تائب

وقتی ملکه سبا حقانیت نبوت سلیمان را دید گفت:

رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِیْ وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. (نمل: ۲۴) آن بانو

عرض کرد: پروردگارا، بر خود ستم می‌کردم. [پروردگارا] من با سلیمان مسلمان شدم و در خدمت وی به سمت تو گرایش پیدا کردم.

#### ۱- ۶. رِغْضِه، حق‌بین شجاع [برای مطالعه]

رِغْضِه، دختر نمرود دید در محوطه آتش گلستانی ایجاد شده است. حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: زبانی که به ذکر خداوند گویا باشد و قلبی که معرفت خدا در او باشد آتش در او اثر ندارد. دختر نمرود گفت: من هم مایل هستم با تو همراه باشم. حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: بگو لا اله الا الله، ابراهیم خلیل الله و داخل آتش بشو.

دختر نمرود این جملات را گفت و پا در آتش نهاد و خود را نزد حضرت ابراهیم علیه السلام رساند و در حضورش ایمان آورد و به سلامت به جانب پدرش برگشت. نمرود با دیدن این منظره تعجب کرد و دختر را از راه موعظه و نصیحت نزد خود خواند ولی حرف نمرود در دختر اثر نکرد و دستور داد او را در میان آفتاب سوزان به چهار میخ بکشند.

خداوند مهربان به جبریل فرمود: بگیر بنده مرا. جبریل رِغْضِه را از آن مهلکه رهانید و نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آورد.<sup>۱</sup>

#### ۱- ۷. بَلْعَم بَاعُورَا، حق‌بین منحرف

بلعم باعورا از علمای بنی اسرائیل بود، و کارش به قدری بالا گرفت که اسم اعظم می‌دانست و دعایش به استجاب می‌رسید.

خداوند ماجرای انحراف بلعم باعورا را به طور اشاره و سربسته در آیه ۱۷۵ و ۱۷۶ سوره اعراف ذکر کرده، در آیه ۱۷۶ می‌فرماید:

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَخِلُّهُ كَمَثَلِ

۱. نهانندی، علی اکبر، خزینه الجواهر، ص ۶۶۳

الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا  
بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. (اعراف: ۱۷۵)

و اگر می‌خواستیم مقام او (بلعم باعورا) را با این آیات و علوم و دانشها بالا  
می‌بردیم، اما اجبار بر خلاف سنت ما است، او را به حال خود رها کردیم، و  
او به پستی‌گرایید و از هوای نفس پیروی کرد، مثل او همچون سگ [هارا]  
است، اگر به او حمله کنی دهانش را باز و زبانش را بیرون می‌آورد، و اگر او  
را به حال خود واگذاری باز همین کار را می‌کند [گویی چنان تشنه  
دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود] این مثل گروهی است که  
آیات ما را تکذیب کردند. این داستان‌ها را [برای آنها] بازگو کن شاید  
بیندیشند و بیدار شوند.

## نمونه‌هایی از حق‌بینان و باطل‌گرایان در تاریخ اسلام

### ۲ - ۱. یاسر و سمیه تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها

مسلمان شدن خاندان یاسر بر قبیله بنی مخزوم بسیار گران آمد؛ زیرا آنها بردگان  
بنی مخزوم بودند. در این میان ابوجهل که برادرزاده ابوحذیفه و از دشمنان  
سرسخت اسلام بود، خاندان یاسر را به جرم مسلمان شدن با انواع آزارها و  
شکنجه‌ها مجبور به ترک اسلام می‌کرد.<sup>۱</sup>

با وجود تمام رنج‌ها و مشقت‌های روحی و بدنی و نیز ضعف جسمانی ناشی  
از پیروی، یاسر و سمیه با مقاومتی وصف‌ناپذیر، لحظه‌ای از آرمان‌های خود  
عقب‌نشینی نکردند. مشرکان مکه با ابزارهای مختلف آنها را شکنجه می‌کردند  
که می‌توان، به آهن گداخته از آتش، تازیانه، غرق کردن در میان آب‌های آلوده،

۱. مقدسی، مطهر بن طاهر؛ البدء و التاريخ، ترجمه محمدرضا شفیعی، تهران، آگه، ۱۳۷۴ ش.  
چاپ اول، ج ۲، ص ۷۹۳.

فرو بردن زره‌های فولادین بر تن آنها و قرار دادن در مقابل آفتاب سوزان اشاره کرد؛ به گونه‌ای که حلقه‌های زره بر بدن آنها فرو می‌رفت.<sup>۱</sup> این دو همسر قهرمان و شیردل نخستن کسانی بودند که مدال شهادت را در تاریخ اسلام دریافت کردند.

## ۲-۲. ابو لهب شراره کینه

آزاری که رسول خدا ﷺ از ابولهب و همسرش در راه تبلیغ دیانت مقدس اسلام دید بیشتر از آزار دیگران بود؛ زیرا دشمنان دیگر، آن جرئت و جسارت را نداشتند که در حضور بنی‌هاشم و در هر مجلس و محفلی آن حضرت ﷺ را تمسخر و تکذیب و آزار کنند ولی ابولهب چون خود فرزند ناخلف عبدالمطلب و عموی رسول خدا ﷺ بود جرئت این کار را داشت. از این گذشته مردم جزیره العرب مخالفت و دشمنی دیگران را غالباً حمل بر حسادت و کینه‌توزی با بنی‌هاشم می‌کردند ولی مخالفت و تکذیب ابولهب را نمی‌توانستند حمل بر چیزی کنند و از این جهت تمسخر و استهزا و تکذیب او در عموم افراد مؤثر واقع می‌شد.

## ۲-۳. مالک اشتر، حق‌بین فتنه‌ستیز [برای مطالعه]

مالک بن حارث اشتر<sup>۲</sup> نخعی، زبده‌ترین یار حضرت علی ؑ بود. وی از طایفه «نَخَع» و اهل یمن بود.<sup>۳</sup> دوران نوجوانی او همراه با سال‌های نخست طلوع اسلام در حجاز بود. با این حال وی توفیق دیدار پیامبر را نداشت. مالک جوانی مؤمن، با صلابت و استوار شناخته می‌شد که به آیین اسلام گرویده بود. یک بار در حضور پیامبر ﷺ از او نام برده شد، حضرت فرمود: «او مؤمنی راستین است».<sup>۴</sup>

۱. بلاذری، احمد بن یحیی؛ أنساب الاشراف، تحقیق سهیل ذکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. اشتر، یعنی کسی که پلک چشمش آویزان و افتاده باشد. چشم مالک اشتر در نبرد یرموک آسیب دید و پلک پایین یک چشمش آویزان بود.

۳. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۱.

۴. همان.

حضرت علی علیه السلام پس از شهادت او فرموده است: رَحِمَ اللَّهُ مَالِكًا، كَانَ لِي كَمَا كُنْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> خداوند، مالک را رحمت کند، او برای من آن‌چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم.

این جمله، عمق اخلاص، وفا، فداکاری و جان‌نثاری مالک اشتر را در راه حق و دفاع از ولایت و اهل بیت می‌رساند.

مالک اشتر در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان در کنار امام علی علیه السلام بود و در یاری آن امام معصوم فداکاری می‌کرد.

در گرماگرم نبرد صفین، زبان پرتوان و حنجره پرخروش مالک، در تحریک و تشجیع یاران علی علیه السلام برای جنگ با متجاوزان شام، بسیار مؤثر بود. خطبه‌ها، رجزها و شعرهای او، روح شجاعت و رزم‌آوری را در سربازان جبهه حق می‌دمید. وقتی دسیسه و فریب‌کاری سپاه معاویه با «قرآن بر نیزه کردن»، عده‌ای از ساده‌لوحان سپاه علی علیه السلام را متزلزل ساخت و از امام خواستند که نبرد را متوقف کند، مالک اشتر در آستانه‌ی یک پیروزی بزرگ و وارد کردن شکست نهایی به سپاه شام بود و حاضر نبود جنگ را متوقف کند و می‌دانست که آن یک فریب است و قرآن ناطق، علی علیه السلام است و باید تا شکست دشمنان به نبرد ادامه داد. اما فشار گروهی از سپاه علی علیه السلام بر آن حضرت تا حدی بود که امام مجبور شد به مالک اشتر پیغام دهد که دست از جنگ بکشد و عقب‌نشینی کند. این کار، بر مالک بسیار سنگین بود، ولی با دلی خونین و خاطری مکدر و آزرده، اطاعت فرمان امام را بر خود لازم دید و دست از جنگ کشید.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام چه در نامه‌هایی که خطاب به مالک در سخنانی که در سوگ وی بر زبان آورده، به مقام والا و فضیلت‌های بی‌نظیر او اشاره کرده است.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۹۸.

۲. وقعة صفین، ص ۱۵۴.

## ۲-۴. زبیر بن عوام، در دام فرزند

در میان تواریخ اهل سنت، مشهور است که اولین شمشیر را در راه اسلام، زبیر کشیده و پیامبر نیز دعایش کرده است. او جزو دسته اول مهاجرین به حبشه بوده که به همراه بازده مرد دیگر و چهار زن به سوی نجاشی رفته‌اند و در هیچ یک از غزوات رسول خدا ﷺ هم غایب نبوده است. وی را از جمله افرادی دانسته‌اند که قبل از سنّ بلوغ [در سن ۱۲ سالگی] ایمان آورده است و به عنوان چهارمین یا پنجمین مسلمان، بر شمرده‌اند.<sup>۱</sup> اهل بیت ﷺ زبیر را همراه خویش معرفی کرده‌اند تا هنگامی که فرزندش عبدالله بزرگ شد. همین عبدالله بود که پدر را از خطّ اهل بیت خارج کرد.

زمانی که زبیر در جنگ جمل مقابل علی ﷺ ایستاد، امیر مؤمنان ﷺ او را صدا زد و حدیثی از پیامبر را به خاطرش آورد که رسول خدا ﷺ پس از ابراز دوستی علی توسط زبیر، به او فرموده بود: «اما با علی قتال خواهی کرد، در حالی که تو ظالم هستی.» زبیر بلافاصله اظهار داشت که این حدیث را فراموش کرده بوده و در صدد کناره‌گیری از جنگ برآمد. ولی فرزندش عبدالله او را متهم به ترس از سپاه علی کرد و آنگاه که عذر پدر را شنید، که قسم خورده با علی نجنگد، برای کفّاره قسم پدر، آزاد کردن برده‌اش را پیشنهاد داد!

## ۲-۵. عمار یاسر، حق‌بین مدافع

عمار از جمله صحابی بزرگ رسول خدا ﷺ و از یاران و شیعیان مخلص حضرت امیر مؤمنان ﷺ بود.

عمار و پدر و مادرش جزء مسلمانان نخستین هستند. او کسی است که آیه «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (نحل: ۱۰۶) در حق وی نازل شده است. عمار از کسانی است که دو بار هجرت کرده است؛ یک بار به حبشه و بار دوم به مدینه.

۱. الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۱۱.



وی از جمله مهاجران نخستین است.<sup>۱</sup> عمار در تمام جنگ‌ها همراه با رسول خدا ﷺ حضور داشت<sup>۲</sup> و در جنگ بدر و یمامه مجروح شد. احادیثی از رسول خدا ﷺ در فضیلت عمار نقل شده که در میان اصحاب معروف بوده است. از مشهورترین آنها این روایت است که از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل شده: «ای پسر سمیه! تو را گروهی ستمکار می‌کشند.»<sup>۳</sup> هم‌چنین حضرتش فرمودند: «إِنَّ عَمَّاراً مَلَىٰ إِيْمَانًا إِلَىٰ مِشَامِشِهِ»؛<sup>۴</sup> عمار تا سر استخوان از ایمان پر شده است. عمار پس از به خلافت رسیدن حضرت علی علیه السلام در تمامی مقاطع پشتیبان و مدافع حق بود. کلام امیر مؤمنان علیه السلام پس از شهادت وی در صفین بیانگر جایگاه عظیم و فداکاری‌های کم‌نظیر عمار است:

اگر کسی از مسلمانان به دلیل کشته شدن عمار مصیبتی دردناک بر او وارد نشود، قطعاً هشیار و عاقل نیست. خداوند عمار را رحمت کند روزی که اسلام آورد و روزی که کشته شد و روزی که برانگیخته خواهد شد.

## ۲- ۶. ابوموسی نادانی سطحی‌اندیش در دام فریب عمرو عاص

در ماجرای حکمیت، معاویه از ناحیه خود عمرو عاص را تعیین کرد و اشعث و عده‌ای که بعدها از خوارج شدند ابوموسی را معرفی نمودند. امام به حکمیت او راضی نبود ولی جمعیت نادان به زور این مسئله را به وی تحمیل نمودند. به هنگام حرکت بزرگان اصحاب امام سفارش‌های لازم را به ابوموسی کردند و وی را به شدت از نیرنگ و خدعه عمرو عاص برحذر داشت و او اطمینان داد که به

۱. قرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، دارالکتب العلمیه، بیروت،

۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۲۸.

۲. ابن سعد، طبقات، ص ۲۲۱.

۳. ابن سعد، همان.

۴. نسائی، احمد بن شعیب، خصائص، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۸، ص ۱۱۱. ابن

ماجه، سنن، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۴۷. حاکم نیشابوری،

عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفة، بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۲.

رهبری جز علی علیه السلام معتقد نیست. سرانجام ابوموسی فریب عمروعاص را خورد و باعث شکست سپاه کوفه گردید. لشکر امام علیه السلام بعدها سخت پشیمان شدند که چرا همان روز که امام گفته بود کار را یکسره نکردند. امام علیه السلام در ضمن خطبه‌ای فرمود:

آگاه باشید! شامیان برای خویش نزدیکترین فردی را که دوست داشتند (عمروعاص) به حکمیت برگزیده‌اند و شما نزدیکترین فرد از میان کسانی که از آنها ناخشنود بودید (ابوموسی) را به حکمیت انتخاب کرده‌اید. سروکار شما با [امثال] عبدالله بن قیس است همان کسی که دیروز می‌گفت «جنگ فتنه است بند کمانها را ببرید و شمشیرها را در نیام کشید. اگر راست می‌گویید پس چرا خود بدون اجبار در میدان نبرد شرکت کرد و اگر دروغگو است، پس متهم است. سینه عمروعاص را با مشتش گره کرده عبدالله بن عباس بشکنید. از مهلت روزگار استفاده نمایید و مرزهای اسلام را در اختیار بگیرید.<sup>۱</sup>

مراد امام از کلام فوق این است که اهل شام پیروزی خود را می‌خواستند، عمروعاص را برای این کار انتخاب کردند و شما شکست خود را دوست داشتید ابوموسی را برگزیدید.

## ۲- ۷. زهیر بن قین بجلی، شهید والا مقام [برای مطالعه]

او از شخصیت‌های برجسته کوفه بود که روز عاشورا، افتخار یافت در رکاب حسین بن علی علیه السلام به شهادت برسد. از سفر حج برمی‌گشت و دوست نداشت که با امام برخورد کند و هم منزل شود. اما در یکی از منزلگاه‌ها ناچار با فرود آمدن کاروان حسینی همزمان شد. امام کسی را نزد او فرستاد.

فرستاده حسین علیه السلام به خیمه زهیر رفت و پیام امام علیه السلام را رساند. ابتدایی میلی نشان می‌داد. اما همسرش او را تشویق کرد تا برود و ببیند خواسته امام چیست. زهیر نزد امام علیه السلام رفت. کلمات امام آتشی در دل او افروخت. همسرش نیز همراه او آمد و به

۱. نهج البلاغه، کلام، ۲۳۸.

کاروان حسین علیه السلام پیوستند. روز عاشورا، سیدالشهدا علیه السلام فرماندهی جناح راست یاران خویش را در میدان به زهیر سپرد. ظهر عاشورا هم او و سعید بن عبدالله جلوی امام ایستادند و سپر تیرها شدند تا امام نماز خواند. پس از اتمام نماز، به میدان رفت و شجاعانه نبرد کرد. او با شمشیر از حسین علیه السلام دفاع کرد تا شهید شد. امام به بالین او آمد.

## ۲- ۸. شبث بن ربیع، چهره‌ای چند رنگ

او یکی از خواص کوفه و از طایفه بنی تمیم و از چهره‌های چندرنگ تاریخ است. از ابتدا در مسلک یاران امیر مؤمنان علیه السلام بود و حضرت او را با عدی بن حاتم یا با صعصعه بن صوحان به نزد معاویه فرستاد که وی را به طاعت خود بخواند و او با معاویه به شایستگی سخن گفت و در جنگ صفین در رکاب حضرت بود؛ ولی هنگام عزیمت حضرت به نهر روان، او و اشعث بن قیس و عمرو بن حریث، سر از اطاعت امام بر تافته، دیگران را نیز از اطاعتش بازداشتند.<sup>۱</sup>

وی از جمله کسانی بود که دعوت نامه برای امام حسین علیه السلام فرستاد اما روز عاشورا به عنوان یکی از نیروهای پیاده لشکر عمر سعد در مقابل امام علیه السلام ایستاد. شبث بن ربیع در قتل حسین بن علی علیه السلام شرکت داشت و پس از عاشورا، به شکرانه و خوشحالی کشته شدن حسین علیه السلام، مسجدی در کوفه تجدید بنا کرد. او بعد از چندی، همراه مختار به خونخواهی حسین بن علی علیه السلام پرداخت و رئیس پلیس مختار شد. او در کشتن مختار نیز حضور داشت.<sup>۲</sup>

## ۲- ۹. جناب حر، حق شناسی با زیباترین توبه تاریخ

حر از خاندان‌های معروف عراق و از رؤسای کوفیان بود. به درخواست ابن زیاد، برای مبارزه با حسین علیه السلام فراخوانده شد صبح عاشورا به بهانه آب دادن اسب خویش، از اردوگاه عمر سعد جدا شد و به کاروان حسین علیه السلام و جبهه حق پیوست. کنار خیمه‌های

۱. همان، ص ۳۹۸؛ جواد محدثی، پیشین، همان، ص ۲۶۱.

۲. سید مصطفی حسینی دشتی، پیشین، ج ۶، ص ۴۴۰.

امام آمد و اظهار پشیمانی کرد، سپس اذن میدان طلبید. این انتخاب شگفت و برگزیدن راه بهشت بر دوزخ، از حر، چهره‌ای دوست داشتنی و قهرمان ساخت. انتخابی که حاکی از شجاعت او در شمشیرزنی در دفاع از سیدالشهدا و حق دانستن این راه بود. حسین بن علی علیه السلام بر بالین حر حضور یافت و خطاب به آن شهید، فرمود: تو همانگونه که مادرت نامت را «حر» گذاشته است، حر و آزاده‌ای، آزاد در دنیا و سعادت‌مند در آخرت! و دست بر چهره‌اش کشید.<sup>۱</sup> توبه او از زیباترین توبه‌های تاریخ بندگی بشر در مقابل خدا و شاخص‌ترین بخش نورانی زندگی اوست.

## ۲ - ۱۰. عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ حُرِّ جُعْفَى، مرد هزار چهره [برای مطالعه]

مردی که چشم‌ها و گوش‌هایش را بست!  
 شخصیت عبیدالله بن حرد در تاریخ بسیار مرموز است و ی بارها با حکامی ابتدا همکاری و بعد علیه آنان آشوب ایجاد می‌کرده است. او از هواداران عثمان بن عفان بود. هنگامی که عثمان کشته شد، عبیدالله گفت: خداوند می‌داند که من عثمان را دوست دارم و حتماً او را یاری خواهم کرد، اگر چه مرده باشد. بنابراین به معاویه پیوست و در جنگ صفین در شمار سپاهیان او بود. پس از شهادت علی علیه السلام نادم و پشیمان و از ظلم معاویه به ستوه آمد و از سپاه بنی‌امیه جدا شد و به کوفه آمد و تا زمان قیام حسین بن علی علیه السلام، آنجا سکونت داشت.<sup>۲</sup> سال ۶۱ هـ که حسین بن علی علیه السلام از مکه به سمت کربلا حرکت کرده بود، به منزلگاهی بنام «قصر بنی مقاتل» چند فرسخی کربلا رسید. خیمه‌ای دید و پرسید که آن از کیست؟ گفتند: از آن عبیدالله بن حر جعفی.  
 امام علیه السلام کسی را نزد او فرستاد تا او را به یاری اردوی امام علیه السلام دعوت کند، ولی

۱. همان.

۲. ر.ک. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۸.

او بهانه آورد. آن حضرت خود برخاست و به خیمه او رفت و بنشست و خدا را سپاس گفت و فرمود: ای مرد، در گذشته خطا بسیار کردی و خداوند تو را به اعمالت مؤاخذه می‌کند. آیا نمی‌خواهی در این ساعت سوی او بازگردی و مرا یاری کنی تا جد من روز قیامت، نزد خدا شفیع تو باشد؟

گفت: یابن رسول الله، اگر به یاری تو آیم، همان اول کار، پیش روی تو کشته می‌شوم، و نفس من به مرگ راضی نیست،<sup>۱</sup> حسین علیه السلام از او روی برگرداند.

هنگامی که مصعب بن زبیر خروج کرد به او پیوست در سال ۶۸ هجری قمری خود را به فرات انداخت و غرق شد.

## ۲- ۱۱. علی بن یقطین، ثقه حق شناس

وی ثقه جلیل‌القدر از بزرگان اصحاب و محلّ توجه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. یقطین در خدمت سفاح و منصور بود، با این حال شیعی مذهب و قائل به امامت بود و گاهگاهی اموال به خدمت حضرت امام صادق علیه السلام حمل می‌کرد. تا اینکه نزد منصور و مهدی از یقطین سخن چینی کردند، حق تعالی او را از کید و شر ایشان حفظ کرد و یقطین بعد از علی نه سال زنده بود و در سنه صد و هشتاد و پنج وفات نمود و اما علی پسرش، پس او را در خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منزلتی عظیم و مرتبتی رفیع بود و حضرت، بهشت را از برای او ضامن شده بود و در چند روایت است که آن حضرت فرموده: «ضمنت لعلی بن یقطین ان لا تمسه النار ابدا».<sup>۲</sup>

## ۲- ۱۲. علی بن ابی حمزه بطائنی در دام دینار!

علی بن ابی حمزه بطائنی، که نامش سالم و از اهل کوفه بود، و از کسانی است که از امام صادق و امام کاظم علیه السلام روایت نقل کرده است و یکی از سران و ارکان گروه واقفیه و نیز یکی از دشمنان امام رضا علیه السلام بود.

۱. امالی صدوق، ص ۱۵۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۵.

۲. رجال کشی، ج ۲، ص ۷۳۰، ح ۸۰۸.

هنگام شهادت امام هفتم علیه السلام سی هزار دینار از اموال متعلق به امام هفتم علیه السلام را در اختیار داشت و همین، انگیزه او در انکار مرگ آن حضرت علیه السلام و انکار امامت امام هشتم علیه السلام شده است.

یکی از یاران امام هشتم علیه السلام می‌گوید: خدمت حضرتش رسیدیم. امام فرمود: علی بن حمزه مُرد. گفتیم: آری. حضرت فرمود: داخل جهنم شد. پس من [راوی] از این سخن هراسان شدم. حضرت رضا علیه السلام فرمود: پس از مرگ، از امام بعد از امام هفتم علیه السلام از او پرسیدند. جواب داد: بعد از او امامی سراغ ندارم و نمی‌شناسم. در این هنگام به او ضربه‌ای زدند که قبرش یکپارچه غرق آتش شد.<sup>۱</sup>

## ۲- ۱۳: دعبل خزاعی، شاعر حق‌بین [برای مطالعه]

دعبل بن علی خزاعی یکی از درخشان‌ترین چهره‌های فرهنگی جهان تشیع می‌باشد.

زندگی پر فراز و نشیب دعبل و عمر طولانی وی باعث شد، وی معاصر نه تن از خلفای جور و ستمگر عباسی (منصور، مهدی، هادی، هارون، امین، مأمون، معتصم، واثق و متوکل) باشد. در این دوره نزدیک به یک قرن، چهار امام از ائمه معصوم شیعه، امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام رادرک کرد. دعبل یکی از شاعران بزرگ سیاسی تاریخ ادبیات است. وی با مطرح کردن حکومت به حق و الهی حضرت امام علی علیه السلام و فرزندان معصوم او در اشعار خود خلافت ننگین بنی‌امیه و بنی‌عباس را مورد سؤال قرار می‌داد و نفی می‌کرد. محمد جواد مغنیه می‌نویسد: «در دفاع از حق و کوییدن باطل، شجاع‌ترین شاعری که تاریخ به یاد دارد، دعبل خزاعی است».<sup>۲</sup> دعبل قصیده‌ای در مصائب

۱. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۶۸-۲۶۹، شماره ۴۹۸۴.

۲. محمدزاده، مرضیه، دانشنامه شعر عاشورایی، جلد اول (شاعران عرب)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سرود و با خود عهد کرد که این قصیده را نخستین بار در پیشگاه امام رضا علیه السلام قرائت کند. این قصیده به «مدارس آیات» معروف است.

وقتی دعبل به این ابیات رسید:

خُرُوجُ الْإِمَامِ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ. يَقُومُ عَلَى إِسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ...

امام (مهدی علیه السلام) حتماً قیام خواهد کرد قیام او با شعار الهی و برکات خواهد بود.

در این هنگام امام رضا علیه السلام دست بر سر گذاشته به پا ایستاد و فرمود: «این دو بیت را روح القدس بر زبان تو جاری ساخت».

دعبل بیش از نود و هفت سال عمر کرد و در سال (۲۴۶ ه.ق) به شهادت

رسید.

## ۲- ۱۴. فرزانه حق بین، احمد ابن اسحاق

احمد ابن اسحاق محدث بزرگوار قرن سوم از چهره‌های درخشان شهر قم است که مورد عنایت امام زمان علیه السلام خویش قرار گرفت. او عالمی جلیل القدر فقیهی پرهیزگار نماینده و مورد اعتماد و ویژه امام حسن عسکری علیه السلام در شهر قم بود.

او به محضر سه امام، امام جواد و امام هادی و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، نیز نائل آمد. معجزاتی را از آن بزرگوار مشاهده کرد و جواب نامه‌هایی هم از طرف آن حضرت - که اصطلاحاً توقیع گفته می‌شود - دریافت داشت.<sup>۱</sup>

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه شریف در موارد گوناگونی این فقیه فرزانه را مورد عنایت قرار داد. ابو محمد رازی می‌گوید: به اتفاق احمد بن عبدالله البرقی در محله عسکر بودیم.<sup>۲</sup> که پیک ویژه حضرت امام زمان علیه السلام از طرف

۱. رجال شیخ طوسی، اصحاب امام علیه السلام، ص ۴۲۷، و رجال نجاشی، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.

۲. عسکری منطقه‌ای نظامی در شهر سامرا بود که امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام در زمان زمامداران عباسی مجبور به سکونت در آن منطقه بودند.

ایشان نزد ما آمد و بعد از این که چند نفر از یاران امام علیه السلام را نام برد، خطاب به ما گفت حضرت می‌فرماید: همه این افراد و احمد بن اسحاق مورد اعتماد ما هستند.<sup>۱</sup>

## ۲- ۱۵. جعفر کذاب [برای مطالعه]

چون حضرت امام عسکری علیه السلام وفات کرد، کودکی بیرون آمد و بر جنازه وی نماز گذاشت، و او را به خاک سپردند، عده‌ای از قم آمدند و احوال حضرت را پرسیدند، گفته شد: از دنیا رفت. پرسیدند: جانشین او کیست و به چه کسی باید تسلیت بگوییم؟ مردم به جعفر کذاب اشاره کردند، آمدند سلام کردند و پس از تسلیت، مقام امامت او را تبریک گفتند و اظهار نمودند که نامه‌ها و اموالی با خود داریم، بگو نامه‌ها از کیست و اموال چقدر است؟ جعفر برخاست و با عصبانیت گفت: توقع دارید علم غیب داشته باشم؟! در این هنگام خادمی بیرون آمد و گفت: نامه‌هایی از فلان و فلان، و همیانی محتوی یک هزار دینار که ده دینارش قلب است، همراه شماست، پس نامه و اموال را به وی دادند و گفتند: آن کسی که این پیغام را به وسیله تو فرستاده امام است.<sup>۲</sup>

## ۲- ۱۶. دو نمونه حق‌مدار و حق‌گریز

از کسانی که در دوران نیابت حسین بن روح در جبهه مقابل او قرار گرفت، ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به «ابن ابی العزقر» بود.<sup>۳</sup> شلمغانی یکی از فقها و علمای شیعه امامیه از اصحاب متقدم<sup>۴</sup> به شمار می‌رفت و کتاب‌های زیادی را تألیف نموده است. در اوایل مطیع و فرمانبردار

۱. رجال کشی، ص ۴۶۶، شماره ۴۳۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۴۷۵.

۳. الکامل، ج ۸، ص ۲۹۰؛ معجم الادباء، ج ۱، ص ۲۳۵؛ اللباب، ج ۲، ص ۲۰۶.

۴. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۳۹.



حسین بن روح بود ولی بعد از مدتی، در اثر حسد منحرف شد و مذهب جدیدی آورد و مردم زیادی توسط ایشان منحرف شدند.<sup>۱</sup> شلمغانی هدایت فعالیت‌های امامیه را در بغداد و کوفه سالها به عهد داشت. وی در جاه‌طلبی بی صبرانه سیاسی خود شهره بود. و به امید دستیابی به قدرت، دستورات امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نادیده گرفت و در جستجوی دیگر گروه‌ها رفت، تا به جاه‌طلبی سیاسی خود جامه عمل بپوشاند.<sup>۲</sup> توقیعی از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حسین بن روح، در لعن شلمغانی در سال ۳۱۲ ه. ق صادر گشت. چون حسین بن روح در دست دشمن گرفتار و در زندان آنها بود، نامه‌ای خدمت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشت و از حضرت اجازه خواست که توقیع را منتشر نکند، ولی حضرت دستور داد که آن را منتشر کند و از کسی نترسد، و حضرت به او بشارت داد که بعد از مدتی اندک، آزاد خواهی گردید.<sup>۳</sup>

### ۳. نمونه‌هایی از حق بینان و باطل‌گرایان در انقلاب اسلامی

#### ۳-۱. بنی‌صدر باطل‌گرایی غرق غرور قدرت [برای مطالعه]

ابوالحسن بنی‌صدر توانست با کسب یازده میلیون رأی بر رقبای خود پیروز شود. سخنرانی امام خمینی (ره) در روز تنفیذ حکم ریاست جمهوری که با حدیث «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» آغاز شد از همان اول کار، نشان از اخطار و هشدار داشت و سرشار از معنا بود. متن حکم تنفیذ نیز حاکی از این بود که امام (ره) چند مورد را درباره بنی‌صدر از جمله تخلف بنی‌صدر از احکام اسلامی و قانون اساسی، وجود حس بدبینی بین متفکران و اندیشمندان نسبت به

۱. الفهرست، ص ۳۰۵؛ رجال النجاشی، ج ۲، ص ۲۹۳-۹۴.

۲. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص ۲۰۰.

۳. الغیبه، ص ۴۱۰.

بنی‌صدر، ایجاد تفرقه و اختلاف، نزدیک شدن عملکرد بنی‌صدر به اعمال طاغوت، پیش‌بینی می‌کرد. سرانجام حضرت امام خمینی (ره) به دلیل خیانت‌های بنی‌صدر به انقلاب اسلامی و پیوند او با منافقین، طی حکمی او را از فرماندهی کل قوا عزل نمود به فاصله چند روز، بنی‌صدر با لباس و آرایش زنانه به فرانسه گریخت.

### ۳-۲. آیت‌الله حسین نوری همدانی فقیه حماسه آفرین [برای مطالعه]

در حیات سیاسی آیت‌الله نوری همدانی، دو رویداد شگرف و تاریخ‌ساز خودنمایی می‌کند که هر دو با پیشتازی و زمینه‌سازی او به وقوع پیوسته‌اند. رویدادهای نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ و نیز نهم دی ماه ۱۳۸۸. در رویداد اول اگرچه بدنه حوزه علمیه قم و به‌ویژه طلاب جوان آن، در اعتراض به مقاله موهن روزنامه اطلاعات، آماده اعتراضی گسترده و پرشور بودند اما حرکت از منزل آیت‌الله نوری همدانی شروع و به یک راهپیمایی گسترده تبدیل شد و ۳۲ سال پس از آن آیت‌الله نوری همدانی در عرصه‌ای دیگر به ایفای نقش پرداخت که اهمیت و خطراتی کمتر از دی ماه ۵۶ نداشت. او در این وادی نیز مانند ۳۲ سال قبل، خطشکن بود. این عالم مجاهد با شناخت ماهیت رویدادهای جاری، حماسه‌ای دیگر یعنی حماسه با شکوه ۹ دی ۱۳۸۸ را بنیان نهاد و همچون سالیان پیشین، پیشقراول هزاران طلبه پاکباز و پرشور در دفاع از حاکمیت اسلام شد. این دو رویداد در کنار تمامی عوامل دخیل در آن، بی‌تردید با نام آیت‌الله نوری همدانی ماندگار خواهد گشت و تاریخ درباره آن با آیندگان سخن‌ها خواهد گفت. کارکرد این مرجع ارجمند در جریان انتخابات و رویدادهای پس از آن، با معیار زمان آگاهی و بصیرت تطابقی آشکار داشت و نشان داد تمامی خواص را نه به نام و آوازه روزهای آرامش که با دقت و تیزبینی روزهای فتنه باید شناخت.

### ۳-۳. شهید رجایی حق شناس ساده زیست و سازش ناپذیر

رجایی به عنوان یکی از مؤثرترین افراد در پیروزی و تداوم انقلاب برگه‌هایی از تاریخ سیاسی ایران را به خود اختصاص داده است. راز و رمز جاودانگی ایشان به گواه تاریخ در اندیشه‌ای است که نمودهای عینی آن در مواضع سیاسی و الگوهای رفتاری نظیر ساده‌زیستی، قناعت، مردم‌داری و قانون‌گرایی می‌باشد. آن شهید بدون تأثیرپذیری از هیاهوهای سیاسی پیرامون خویش، در تداوم انقلاب اسلامی نقش مؤثری را ایفا می‌کرد. سرانجام ایشان به جهت روحیه سازش ناپذیری، در جریان واقعه انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور ۱۳۶۰ به درجه رفیع شهادت رسید.

### ۳-۴. منتظری، همراهی تا زاویه با نظام اسلامی

ارزیابی شخصیت علمی و سیاسی آقای منتظری و بررسی مواضع و عملکرد وی در سال‌های پس از انقلاب و به‌ویژه برای نسلی که در جریان مستقیم حوادث مربوط عزل ایشان به دستور امام (ره) نبوده است، امری ضروری است. او عالمی مبارز بود؛ بارها به زندان رفت یا تبعید شد؛ بعد از پیروزی انقلاب رئیس مجلس خبرگان شد و دو جلد کتاب در اثبات ولایت فقیه منتشر نمود. مجلس خبرگان در سال ۶۲ او را به عنوان قائم مقام رهبری انتخاب نمود. سال ۶۷ مهدی هاشمی یکی از کارگزاران بیت او دستگیر شد. او در اعتراض از نظام زاویه گرفت و به سرعت بسیاری از مخالفان نظام از جمله لیبرال‌ها و منافقین این فاصله را پر کردند. و این امر موجب رنجش حضرت امام شد. بخشی از نامه‌ای که امام در ۶/۱/۶۸ به او نوشت:

«جناب آقای منتظری،

با دلی پر خون و قلبی شکسته چند کلمه‌ای برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند... از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و

انقلاب اسلامی عزیز مردم ایران را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید. سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام، بر حلقوم منافقین و گروه مهدی‌هاشمی و لیبرال‌ها نریزد.

از آنجاکه ساده‌لوح هستید و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خداوند از سر تقصیرات شما بگذرد»<sup>۱</sup>.

نسل نوپای ما باید بداند که در اواخر عمر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی چه اتفاقاتی افتاد که آن پیر فرزانه و آن روح‌خدایی مرگش را از خدا طلب کرد و نقش برخی افراد و جریان‌ها و به‌ویژه قائم مقام معزول رهبری در آن زمان، در وقوع این رویداد تلخ به چه میزان بوده است.

منتظری در آستانه انتخابات ۸۸ در تاریخ ۸۸/۳/۱۶ با صدور اعلامیه‌ای همسو با رسانه‌های بیگانه به تردید در نتیجه انتخابات پرداخت. وی سرانجام در ۲۶ آذر ماه ۸۸ درگذشت.

### ۳- ۵. محسن سازگارا باطل‌گرای دروغ‌پرداز

محمد حسن [محسن] سازگارا، در سال ۱۳۳۳ در تهران متولد و پس از پایان تحصیلات متوسطه، وارد دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف‌کنونی) شد سازگارا پس از مدتی از ادامه تحصیل منصرف شد و به آمریکا رفت. سرانجام در زمستان سال ۵۷ و در آستانه تحولات منجر به سقوط رژیم پهلوی، به واسطه و توصیه ابراهیم یزدی، که خود ارتباطات گسترده‌ای را با سیاستمداران غربی به هم زده بود، برای انجام «امور خبرنگاری و ترجمه متون» به نوفل‌لوشاتو اعزام شد نزدیک شدن به مرکزیت نهضت اسلامی، نفوذ در ارگان‌های انقلابی، همکاری پنهان با گروهک‌ها، ورود به بخش صنعت، حفظ حضور و نفوذ در حاکمیت، و

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۳۳۲-۳۳۱.

حق بینان و باطلگرایان در تاریخ ۱۵۷

زمینه‌سازی تغییر نرم نظام، بعد از خرداد ۷۶، روزنامه‌های زنجیره‌ای و ترویج افکار التقاطی و ایجاد شکاف فکری و نظری میان مردم و نظام، خروج از کشور و حمله آشکار به ارکان نظام، بعد از خروج از کشور و تشکیل حلقه‌کیان خارجی و سازماندهی اپوزیسیون فکری علیه نظام، بیانگر ماهیت اوست.<sup>۱</sup>

### ۳- ۶. محسن کدیور، سکولاری هم‌نوا با آمریکا [برای مطالعه]

محسن کدیور در سال ۱۳۳۸ در شهر فسا متولد شد. در سال ۱۳۵۶، رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه شیراز را آغاز کرد. در سال ۱۳۵۹ به تحصیل علوم دینی روی آورد و پس از یک سال تحصیل در حوزه علمیه شیراز به قم مهاجرت کرد و به مدت ۱۷ سال تحصیلات خود را ادامه داد. مهم‌ترین استاد وی شیخ حسینعلی منتظری بوده است.

کدیور با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «جنبش سبز در چهارراه دموکراسی»، با ادبیاتی دیگر به تخطئه امام راحل و هم‌نوایی با اکبرگنجی پرداخت. او در این مقاله با تقسیم مطالبات ملت ایران [به زعم خویش] به چهار نوع جمهوری - یعنی جمهوری اسلامی واقعاً موجود، جمهوری اسلامی با قرائت متعارف و معقول قانون اساسی، جمهوری اسلامی منهای ولایت فقیه و بالاخره جمهوری سکولار - مدعی شد: عبارت حفظ نظام از اوجب واجبات است (جمله معروف امام) و ولایت مطلقه فقیه، مصداق استبداد دینی است. او یک عضو فعال در اتاق فکر جریان فتنه ۸۸ بود و اکنون در آمریکا به سر می‌برد.

### ۳- ۷. محمد نوری‌زاد، منشی بیگانه

انقلابی بود و فیلم انقلابی «چهل سرباز» می‌ساخت و قلم انقلابی، از جمله توصیف و قدردانی از آیت‌الله مصباح طی مقاله‌ای، داشت اما از انقلاب جدا شد

---

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. گزارش تحلیلی از تولد تاکنون محمد حسن سازگارا، مسعود محمدی، سایت تابناک.

و اکنون همه حرف‌های دیروز و امروز دشمنان دین را دوباره تدوین و در قالب نامه‌هایی منتشر می‌کند. او یکی از افراد فعال در جریان رسانه‌ای فتنه است که به سبب سابقه انقلابی خود، دستمایه تبلیغات گسترده اپوزیسیون و مخالفان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بود و با نامه‌نگاری‌های متعدد و هتاکنه علیه مسئولین ارشد نظام، قصد داشت تا سناریوی هجمه رسانه‌ای علیه ایران را مدیریت کند.

توجه نکردن خارج‌نشینان به او و همچنین انفعال شدید در بدنه جریان فتنه موجب شد تا او به دنبال راه جدیدی برای خودنمایی باشد و با اتخاذ مواضع تند و افراطی و رد شدن از خطوط قرمز مسلمانان، به گدایی توجه از سوی لندن‌نشینان بپردازد.

نوری‌زاد در جدیدترین یادداشت خود، به دفاع تمام‌قد از اعضای فرقه ضاله بهائیت پرداخته و در حمایت از آنان نوشته است: «فردا که زیاد دور نیست، در قم و در هر کجا، برای دراویش مان، خانقاه‌هایی مفصل خواهیم ساخت و پریشان موی و پیاده پای، به هر کجای کشورمان خواهیم رفت و از بهائیان سرزمین مان، به خاطر سال‌ها آسیب و دربدری و ظلم، دلجویی خواهیم کرد و در پرداخت خسارت مالی و جانی به هر آن‌کس که از ما و پدرانمان آسیب دیده، شتاب خواهیم کرد.»

### ۳- ۸. اکبر گنجی، مردی با کلاه عمو سام

اکبر گنجی در یازدهم بهمن ۱۳۳۸ در تهران به دنیا آمد. به ظاهر در صف انقلاب بود و به زعم خود، کار انقلابی می‌کرد اما تمام خطوط قرمز حتی مقدسات اسلامی را شکست و در مقاله‌ای در روزنامه صبح امروز، قیام حضرت امام حسین (ع) را خشونت نامید و حتی مشروعیت این قیام را زیر سؤال برد و نوشت: «پیامبر (ص) در بدر و حنین و... شمشیر زد... اما آیا جنگ‌های جبهه حق علیه باطل پیامدهای ناخواسته یا آثار وضعیه به دنبال ندارد؟... کینه‌ها و عقده‌های به‌جامانده از بدر و حنین در کجا سر باز خواهد کرد. خشونت، فرزند خشونت و درخت خشونت

میوه‌هایی جز خشونت به بار نمی‌آورد. هیچ‌کس حق ندارد به صرف اینکه خود را حق و دیگران را باطل می‌داند، دست به خشونت بزند و در صدد نابودی مخالفان خود از طریق حذف فیزیکی برآید.<sup>۱</sup> وی و همفکرانش حتی خواستار تغییر محتوای زیارت‌نامه امام حسین (ع) به سبب خشونت موجود در مضامین آن شدند. با لحنی بغض‌آلود نسبت به رزمندگان هشت سال دفاع مقدس اظهار داشت: «افراد فاشیست، اقتدارطلب، پرخاشگران و آدم‌های ناکام بعد از جنگ چون شکست خوردند وعده‌هایی که رهبر به آنان داده بود عملی نشد، ناکام ماندند سرخورده شدند، می‌بینند اعلامیه‌های آنان سرشار از آه و ناله است، حاکی از نامرادی و شکست است دست به خشونت می‌زنند، آدم می‌کشند. از تهاجم فرهنگی حرف می‌زنند. اینها و رهبران آنها قول فتح کربلا را دادند. اما ناکام ماندند.<sup>۲</sup>

در بهار ۱۳۷۹ کنفرانس برلین (سیرک برلین) برگزار شد. در این کنفرانس اظهارات جنجالی زیادی مطرح شد، اما مهم‌ترین بخش این کنفرانس، سخنرانی اکبر گنجی بود.

گنجی در این کنفرانس گفت: «تاریخ بشریت نشان داده که به شیوه‌های انقلابی نمی‌توان دموکراسی ایجاد کرد و انقلاب‌ها و انقلابیون قاصر از ایجاد حکومت‌های دموکرات هستند. ما حق نداریم به مردم بگوییم چه جوری لباس بپوشند و چه جوری نپوشند... قطعاً دموکراسی بر ایران حاکم خواهد شد. قطعاً ما شاهد ایرانی آزاد و دموکرات خواهیم بود.»<sup>۳</sup>

او در برلین با روزنامه‌تاگس اشپیکل مصاحبه کرد که در شماره مورخ

۱. نگاهی به نقش متهمان یک پرونده همچنان مفتوح در غائله اخیر، هم پرونده‌ای‌ها، محمد

مهدی اسلامی، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ روزنامه صبح امروز ۷۸/۲/۲۳.

۲. هفته‌نامه شما، ۷۶/۶/۲۷.

۳. کیمیای آزادی، اکبر گنجی، ص ۱۳۱ - ۱۳۴.

۸ آوریل ۲۰۰۰ این روزنامه منتشر شد. تیتراژ این مصاحبه «امام خمینی به موزه سپرده خواهد شد.» از آغاز نشان دهنده جسارت‌ها و اهانت‌های او بود.. اما جنجالی‌ترین قسمت این مصاحبه پاسخ گنجی به سؤال خبرنگار نشریه در خصوص حضرت امام (ره) بود. گنجی گفت: «ما سعی می‌کنیم نظرات [امام] خمینی (ره) را به نحوی تفسیر کنیم که در تضاد با دموکراسی قرار نگیرد... اما در نهایت هیچ‌کس نمیتواند از این مانع بشود که وی در موزه قرار نگیرد. این یک تحول تاریخی است.»<sup>۱</sup>

گنجی پس از مدتی در مقاله‌ای تحت عنوان «قرآن محمدی» مدعی شد قرآن کلامی بشری و از سوی پیامبر ﷺ است. البته پیش از او نیز عبدالکریم سروش چنین دیدگاهی را مطرح نموده بود.

### ۳- ۹. عطاءالله مهاجرانی، مهاجر جهنم الجنادره!

مهاجرانی سال ۱۳۳۲ و در روستای مهاجران از توابع استان مرکزی متولد شد. تحصیلات عالی خود را در رشته تاریخ در دانشگاه‌های اصفهان (کارشناسی)، شیراز (کارشناسی ارشد)، و تهران (دکترای پی‌گرفت.

وی نخستین گام را در کژراهه مذاکره مستقیم با آمریکا، در حالی برداشت که تنها یازده ماه از رحلت جانگداز حضرت امام (ره) گذشته بود. وی پس از پیشنهاد مذاکره به عنصری منزوی و مطرود بدل گشت. با رویداد دوم خرداد، همچون بسیاری از اشخاص و جریان‌هایی که به سبب ناسازگاری با مبانی و اصول ارزشی تبیین شده از سوی امام و رهبری، به حاشیه رانده شده بودند؛ بار دیگر احیا شد و در میانه میدان فرهنگ و سیاست قرار گرفت. زمانی که مهاجرانی، مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را عهده‌دار بود، ایمان مردم و به‌ویژه جوانان در این دوره به شدت در معرض آسیب جدی قرار گرفت

۱. کیهان ۷۹/۱/۲۴؛ کیمیای آزادی، اکبر گنجی، ص ۱۳۱-۱۳۴.



و ارزش‌های دینی و انقلابی ملت بی‌محابا مورد هجمه و تاخت و تاز عناصر ضد انقلاب، لائیک و سکولار واقع شد. صاحبان جراید و طرفداران آمریکانیز از اینکه پیشکشوت طرح سازش را در مسئولیت حساس‌ترین وزارت‌خانه می‌دیدند، بی‌اندازه خوشنود بودند. مقام معظم رهبری پس از ماجرای غمبار اهانت برخی از مطبوعات به ساحت مقدس امام زمان (عج) که معلول سیاست تساهل و تسامح آقای مهاجرانی در عرصه فرهنگی کشور بود با صراحت تمام فرمود: «من از ایشان و نوع عملکردشان در وزارت ارشاد هیچ رضایتی ندارم. بارها گفته‌ام وزارت ارشاد در این دو سال که ایشان در رأس کار هستند، هیچ کار اسلامی به‌عنوان اسلامی نکرده. این اولین اعتراض من است.»<sup>۱</sup> او اکنون خارج‌نشین و تمام وقت در خدمت رسانه‌های بیگانه است، در بهمن ۹۰ سید عطاءالله مهاجرانی برای پنجمین بار در جشنواره الجنادره شرکت کرد و در این باره گفت: من برای جشنواره الجنادره مثل یک دوست هستم و از طریق حضور در این ضیافت است که با برادران و اندیشمندان عرب ارتباط می‌گیرم. دستگاه امنیتی رژیم سعودی علاوه بر کمک ۱۸ میلیون دلاری به او، به وی وعده داده تا با گسترده کردن بخش فارسی شبکه العربیه، تعدادی از عناصر رسانه‌ای وابسته به این گروه را بکارگیری کند. عطاءالله مهاجرانی به همراه نوری‌زاد در این مراسم با شور و اشتیاق به سخنان شاه سعودی گوش داده و پس از پایان سخنان عبدالله به شدت برای او دست می‌زند.

### پرسش

۱. حق‌گویی حضرت یحیی را بازگویید.
۲. حق‌شناسی آسیه همسر فرعون را بیان کنید.
۳. حق‌بینی و دفاع از حق عمار یاسر را توضیح دهید.

---

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۸/۱۰/۲۴.

۴. شخصیت ابو موسی اشعری را تحلیل کنید.
۵. چرا شبث‌بن ربعی، را چهره‌ای چند رنگ نامیدیم؟
۶. دینار چگونه علی‌بن‌ابی‌حمزه بطائنی را به دام کشید.
۷. تقابل حسین‌بن‌روح و جعفر محمدبن‌علی شلمغانی را توضیح دهید.
۸. عملکرد فرزانه حقبین، احمدبن‌اسحاق را بیان کنید؟
۹. گنجی در کنفرانس برلین و مذاکره با اشیگل چه گفت؟
۱۰. آسیب‌های مهاجرانی در دوره تصدی وزارت ارشاد چه بود؟

درس ششم

## از زلال نگاه حق‌بین و حق‌شناس امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

### امام، اسوه حق‌بینی و حق‌شناسی

امام خمینی علیه السلام نامی ماندگار در تاریخ معاصر است. آثار وجودی دوران زندگانی ایشان، به‌ویژه در دوران پرفیض و برکتشان در ایران، به گونه‌ای است که ایشان را به حقیقتی زنده و پویا واسوه حق‌بینی و حق‌شناسی برای عصرها و نسل‌های پس از خود تبدیل کرده است.

امام راحل حق‌بین و حق‌شناس بود و در رصد کردن حوادث و رویدادها با نگاه ژرف و دقیق و اطمینان‌آور خود - که نتیجه سلوک روحی و معنوی و حضور تکلیف‌مدارانه ایشان بود - آینده و افق‌های پیش رو و رامی دید. حضرت امام خمینی علیه السلام از نگاه حق‌بین و حق‌شناس خارق‌العاده و قوه تشخیص حق از باطل و درک ماهیت باطل و فهم فرجام باطل‌گرایان برخوردار بود و ذهن و فکر باز و بیدارش همواره عمق رخدادها و وقایع سیاسی رامی‌کاوید و تحلیل‌های روشن ارائه می‌داد و راه و روش‌های کارآمد تجویز می‌کرد که به نتیجه و ثمر می‌نشست.

### ۱. قیام علیه شاه و تشکیل نظام جمهوری اسلامی

سربازان درگهواره‌ها؛ به گواهی تاریخ خیل عظیم جوانان و نوجوانان نقش بسیار مهمی در به ثمر رسیدن و پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس داشته‌اند

درحالی‌که امام عزیز این مسئله و این نسل انقلابی را از سال ۴۳ پیش‌بینی کرده و آمدنشان را انتظار می‌کشید و اینگونه بود که ابتدای کار در پاسخ افرادی که می‌گفتند با کدام یار و یاور می‌خواهید پیروز شوید، فرمود: سربازان من در گهواره‌ها هستند! **پیش‌بینی سقوط نظام شاهنشاهی؛** نیم قرن پیش و درحالی‌که خوش‌بین‌ترین افراد هم نمی‌توانستند در مخیله خود نابودی و فروپاشی حکومت مستبد و فرعون‌ی شاه را تصور کنند، امام (راحل) ره (با پیش‌بینی سقوط و نابودی این رژیم شیطانی حرکت بزرگ خویش را آغاز کرد و فرمود: ملت عزیز و پیرو حق امام علیه السلام (امام حسین)، با خون خود، سلسله ابلیس پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نمایند و پرچم اسلام را در پهنه کشور بلکه کشورها، به اهتزاز درمی‌آورد.<sup>۱</sup>

**پیش‌بینی تشکیل نظام جمهوری اسلامی؛** یکی از پیش‌بینی‌های بزرگ امام (راحل) علیه السلام، پیش‌بینی به ثمر رسیدن حرکت انقلابی ملت ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در این سرزمین است که آقای علی محمد بشارتی برای آقای ری شهری نقل کرده است و ایشان در کتاب خاطراتشان درج نموده: در تابستان سال ۱۳۵۸ هنگامی که مسئول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که آقای [سید کاظم] شریعتمداری در مشهد گفته است: من بالاخره علیه امام [خمينی] اعلام جنگ می‌کنم. خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارشی، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می‌داد، این جمله را که گفتم، سر بلند کرد و فرمود: اینها چه می‌گویند، پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می‌شویم، در اینجا حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم. پرسیدم: خودتان؟ امام سکوت کردند و جواب ندادند.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۴، ص ۹.

۲. خاطره‌ها، آیت الله ری شهری، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد اول، صفحه ۲۴۲؛ محمد دشتی، آینده و آینده سازان، ص ۱۰۵.

**دعوت به قیام، مبارزه، ایستادگی و جهاد و شهادت:** «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم ولی برای قبول زورگویی و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم بود.»<sup>۱</sup>

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، موضع روشنگرانه امام علیه السلام؛ نخستین حادثه‌ای که امام در قبال آن موضع گرفت، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که با مراجع طراز اول قم به مشورت نشست، اما آنچه اهمیت داشت، درگیر شدن بدنه حوزه، پس از چهار دهه انزوا و سکوت با سیاست بود و این آغازی بود که هیچ‌گاه پایانی نیافت. **مبارزه با کاپیتولاسیون:** امام خمینی در چهارم آبان ۱۳۴۳ سخنان شدیداللحنی علیه آمریکا و کاپیتولاسیون ایراد کرد. رژیم شاه بر آشفت و ایشان را به ترکیه و آنگاه به نجف تبعید کرد ولی مبارزات امام ادامه یافت.

**یوم الله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷:** انقلاب اسلامی ایران، میراث گرانقدر و ماندگار امام راحل علیه السلام و شهیدان گرانقدری است که رفتند؛ اگر چه در گلخانه قلبمان، چمنزاری از زخم کاشتند اما اصالت راهشان و معنویت پیام امام حق‌بین و شهیدان حق‌شناس، التیام بخش این دردهاست.

## ۲. مقابله با ملی‌گرایی

**طرح نظریه امت اسلام:** امام خمینی قدس سره در مقابله با ملی‌گرایی، با اتخاذ موضع منفی، آنها را در تضاد با اسلام معرفی و با نگاه حق‌بین خود نظریه «امت اسلام» را بازسازی و مطرح کردند؛ در این زمینه ایشان عقیده داشت:

«اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام «امت اسلام» در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه بر این دولت‌های اسلامی و مراکز پیدا بکنند، نتوانند؛ به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه [دارند].»<sup>۲</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۹.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۴۳-۴۴۴.

مقابله با حذف پسوند اسلامی از جمهوری اسلامی و مطرح کردن شعار جمهوری دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک اسلامی؛ امام (ره) فرمود: «جمهوری اسلامی دموکراتیک، ملت ما این را قبول نکرد... برای اینکه این اهانت به اسلام است.»<sup>۱</sup>

### ۳. مقابله با منافقین [برای مطالعه]

امام ژرف‌بین، قبل و بعد از پیروزی انقلاب، ماهیت نفاق را افشا کرد. امام خمینی (ره) فرمود:

منافق‌ها هستند که بدتر از کفارند... در قرآن بیشتر از آنها تکذیب شده تا دیگران، ما سوره منافقین داریم، اما سوره کفار نداریم، سوره منافقین داریم که برای منافقین از اول شروع می‌کند اوصافشان را می‌گوید. اسلام همیشه گرفتار یک همچو جمعیت‌هایی بوده است. نمایندگانی از این سازمان در سال ۱۳۵۱ با امام خمینی علیه السلام در نجف دیدار کردند اما امام حق‌بین و باطل‌شناس، آنها را تأیید نکرد. این گروه سه سال پس از آن دیدار (در سال ۱۳۵۴) رسماً و علناً به ایدئولوژی کمونیسم پیوستند.

سازمان در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب از امام خمینی (ره) با تعابیری چون «امام مجاهد اعظم» «قائد پرافتخار» «مجاهد آگاه» یاد می‌نمود. اما در عمل مواضعی مخالف مواضع ایشان داشت پس از یک دوره تقریباً دو ساله از اوایل سال ۶۰ در زمانی که کشور در التهاب جنگ و بی‌ثباتی می‌سوخت قدرت و اسلحه خود را به میان آوردند.

شهادی مظلوم محراب به دست منافقین ترور شدند. و در ۶۰/۶/۸ رئیس جمهور ساده‌زیست و مطیع امام، رجایی و نخست وزیر باهنر و اندیشمند را به شهادت رساندند.

۱. اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۴۴۲-۴۴۷.

امام خمینی علیه السلام با مدیریت افکار عمومی، مردم را به شناسایی منافقین دعوت کرد و با هوشیاری مردم و نهاد های انقلابی غائله خیابانی منافقین به سرعت جمع شد و اعضای این سازمان در اوج سرسپردگی به دامان صدام گریختند. بعد از اشغال عراق، سازمان رسماً در عراق تحت حمایت ارتش امریکا درآمد و نیروهای آنان با توجه به آشنایی با زبان فارسی و فرهنگ مردم مسلمان و شیعه عراق خدمات مورد نیاز نیروهای امریکایی را تأمین می‌کردند. در حال حاضر درخواست صریح دولت عراق مبنی بر اخراج منافقین از عراق آنان را به آوارگانی تبدیل کرده که در مانده و مستاصل به دنبال محلی برای استقرار می‌گردند.

#### پیش‌بینی‌های امام خمینی (ره) در عرصه‌های مختلف

پیش‌بینی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)؛ امام راحل قدس سره در مناسبت‌های مختلفی نظر خود را در مورد رهبری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بیان داشته و از تحقق این حقیقت در آینده خبر داده است، ایشان بعد از حادثه مسجد ابوذر در سال ۶۰، که منجر به جراحت شدید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) شد، بیان فرمود «خداوند ذخیره انقلاب را حفظ کرد». در مناسبت‌های متعدد دیگری نیز امام راحل به این امر اشاره دارد؛ از جمله: مرحوم حاج سید احمد خمینی نقل می‌کند:

«وقتی که آیت‌الله خامنه‌ای در سفر کره (شمالی) بود، امام گزارش‌های آن سفر را از تلویزیون می‌دید. منظره دیدار از کره، استقبال مردم و سخنرانی‌ها و مذاکرات آن سفر، خیلی جالب بود. امام بعد از آنکه اینها را مشاهده کرد، فرمود: الحق ایشان (ولی امر مسلمین) لیاقت رهبری را دارند.»

و بدین وسیله از آینده‌ای خبر می‌دهد که با حضور و درخشش مقام معظم رهبری کشتی انقلاب از طوفان‌های سهمگین حوادث به سلامتی عبور می‌کند.

**پیش‌بینی نابودی کمونیسم و سقوط شوروی؛** حضرت امام علیه السلام مدتی قبل از فروپاشی شوروی سابق و در زمانی که هیچ‌کس انتظار این واقعه مهم را نداشت، در نامه‌ای به گورباچف با پیش‌بینی سقوط قریب الوقوع این ابرقدرت، سران شوروی سابق را به راه حق دعوت نمود و فرمود: «جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد» هنوز مدت زمان کوتاهی از نامه تاریخی امام راحل علیه السلام نگذشته بود که در میان بهت و حیرت جهانیان، رژیم شوروی فروپاشید!

**پیش‌بینی حمله عراق به کویت؛** امام علیه السلام به سران کویت، که حمایت مالی گسترده‌ای را از رژیم صدام می‌کردند، خطاب فرمودند: «از اینکار پرهیزید که روزی آتش این فتنه دامن خودتان را می‌گیرد.»<sup>۱</sup>

و همانگونه نیز شد. عراق که از حمله به ایران مأیوس شده و خسارت زیادی دیده بود به کویت حمله کرد و این کشور ثروتمند را در ۲۴ ساعت غارت نمود. **پیش‌بینی عاقبت ذلت‌بار سران مزدور منطقه؛** زمانی که در دوران هشت سال دفاع مقدس اکثر سران مزدور کشورهای منطقه به دستور استکبار علیه انقلاب متحد شده و خوش خدمتی می‌کردند، امام راحل عاقبت ذلت‌بار آنها را گوشزد می‌کند، و می‌فرماید: «ابر قدرت‌ها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمی‌ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد. آنان منافع خود را ملاک قرار داده‌اند.»<sup>۲</sup> اما این دنیا پرستان تشنه قدرت از درک و هشدار این مرد الهی عاجز بوده و به سرنوشتی شوم دچار شدند. سرنوشت سیاه صدام حسین، حسنی مبارک، زین‌العابدین بن علی، علی عبدالله صالح، قذافی و... نمونه‌هایی از این عبرت‌هاست.

۱. صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰ ص ۳۲۸-۳۲۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰ ص ۳۲۸-۳۲۹.



**پیش‌بینی حرکت مردم مصر و عاقبت حسنی مبارک؛ حضرت امام علیه السلام با** شناخت عمیق از ملت مصر و پیشینه تاریخی و عمق دلبستگی این ملت نجیب به اسلام و روحیه ضد استکباری و ضد استبدادی این مردم، پیش‌بینی می‌کند که این مردم غیور با حرکت شجاعانه خود، مزدوران استکبار را به زباله‌دان تاریخ خواهند فرستاد. «ملت مصر به خیابان‌های بیابند و این تفاله‌های آمریکارا بیرون بریزند.»<sup>۱</sup>

**پیش‌بینی وقوع بیداری اسلامی در منطقه؛ امام راحل با نگاه حق‌بین و** ملکوتی خود از ورای دهها سال وقوع انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه را می‌دید. ایشان فرمود:

جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و ظالمان شروع شده و در حال گسترش است امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک تر می‌نماید... امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید.<sup>۲</sup>

و نیز فرمود:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم... انقلاب اسلامی ایران با تائید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است... ۱۳۶۰

**پیش‌بینی فروپاشی آمریکا از درون؛ امام راحل علیه السلام، فروپاشی و نابودی** امپراطوری آمریکا را پیش‌بینی نمود آن هم در زمانی که این ابرقدرت در اوج قدرت و همینه خود قرار داشت در این فضا است که مرد الهی قرن با بینش عمیق خود نابودی قریب‌الوقوع این امپراطوری را مژده می‌دهد و نابودی آن در آینده نزدیک را پیش‌بینی می‌کند:

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۸۵.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۷۵، ۱۳۶۰/۵/۱۰.

انقلاب اسلامی با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است و ان شاء الله با گسترش آن قدرتهای شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد.<sup>۱</sup> اوضاع متلاطم و آشفته سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمریکا در طی سالهای گذشته به خوبی نشان می‌دهد که پیش‌بینی بزرگ امام راحل در مورد زوال و سقوط آمریکای جنایکار در حال تحقق است.

**پیش‌بینی فتح قدس و آزادی فلسطین؛** امام راحل با نامگذاری روز قدس، ایده نابودی اسرائیل و محو آن از نقشه جهان و آروزی فتح بیت المقدس، عملاً یکی از بزرگ‌ترین پیش‌بینی‌های خود مبنی بر نابودی اسرائیل و آزادی قدس شریف را پایه‌گذاری کرد. این روزها که اسرائیل لحظه به لحظه بیشتر در مرداب نابودی و فروپاشی فرو می‌رود، جهانیان به صحت پیش‌بینی امام راحل پی برده، به صدق فرمایشات آن پیر روشن ضمیر ایمان می‌آورند که فرمود:

ان شاء الله فلسطین آزاد بشود و بیت المقدس، آنکه مسجد همه مسلمین است، به حال اول برگردد. و آنهایی که به مسلمین ظلم و ستم می‌کنند ان شاء الله خداوند دفع شر آنها را بکند.<sup>۲</sup> جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت.<sup>۳</sup>

باید همه بپا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم، و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم.<sup>۴</sup>

**پیش‌بینی نزدیک بودن ظهور و اتصال انقلاب اسلامی به ظهور؛** به جرأت می‌توان گفت بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و شوق‌آورترین پیش‌بینی حضرت امام، بحث نزدیک بودن ظهور و اتصال این انقلاب الهی به انقلاب جهانی امام عصر (عج) است.

۱. ۱۲ آبان ۱۳۶۰ ۶ محرم ۱۴۰۲.

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۰.

۳. صحیفه نور ج ۲۱، ص ۲۸۳.

۴. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب امامت از افق مکه مکرمه و  
کعبه آمال محرومان و مستضعفان.<sup>۱</sup>

و نیز فرمود:

انقلاب اسلامی با تایید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش  
است و ان شاء الله با گسترش آن قدرتهای شیطانی به انزوا کشیده  
خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی  
مهدی آخر الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه  
الفداء - مهیا خواهد شد.<sup>۲</sup>

ان شاء الله که این چهره های نورانی ذخیره برای اسلام باشد و متصل  
بشود این زمان به زمان ظهور مهدی - سلام الله علیه.<sup>۳</sup>  
مستضعفان که اکثریت قاطع جهان را تشکیل می‌دهند مطمئن باشند  
که وعده حق تعالی نزدیک است و ستاره نحس مستکبران رو به زوال و  
افول است.<sup>۴</sup>

با اطمینان می‌گوییم اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشاند، اسلام  
موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و  
سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.<sup>۵</sup>

همچنان که دیدیم بنیانگذارانقلاب اسلامی، با نگاه حق‌بین و حق‌شناس و  
ملکوتی خود بزرگ‌ترین حوادث عصر خود و آینده پیش رو را به خوبی پیش  
بینی نموده و با بیانات خود یاران حق را در رسیدن سریعتر به این آینده درخشان  
ترغیب کرده و بشارت داده است.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳۴۸.

۳. ۱۸ تیر ۱۳۵۸ ۱۴ شعبان ۱۳۹۹.

۴. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۶۲.

۵. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

### نگاه حق‌بین و حق‌شناس مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

عروج ملکوتی امام عزیز<sup>علیه السلام</sup> موجب شد دشمنان به نابودی انقلاب دل خوش کنند اما تداوم درخشش آفتاب وجود امام راحل و تجلی آن در کالبد فرزندی خلف، توهّمات دشمنان را باطل و جهان اسلام و جبهه مستضعفین را روشن و درخشان نمود، فرمایشات گهربار، مواضع حکیمانه و نگاه ملکوتی امام خامنه‌ای (مدظله)، خمینی دیگری را در اذهان زنده کرد.

آغاز رهبری امام خامنه‌ای مقارن با دوران بازسازی و نیز توسعه سیاسی بوده است. عملیاتی کردن صلح ایران و عراق، تشکیل رسمی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نهایی کردن فعالیت‌های شورای بازنگری قانون اساسی که براساس آن قید مرجعیت از شرایط رهبری حذف شد، تمرکز اختیارات به رئیس جمهور و حذف پست نخست وزیری، و در سطح بین‌المللی حادثه یازده سپتامبر در آمریکا، اشغال عراق و افغانستان، جنگ آمریکا علیه صدام در خلیج فارس و بحرانه‌ها و چالش‌های متعدد دیگر را باید در زمره رخدادهای این دوران یاد کرد. جلوه‌هایی از پرتو نگاه حق‌بین و حق‌شناس ولی امر مسلمین در هدایت صحیح سفینه انقلاب را باید در پیش‌بینی صحیح تحولات پیش‌رو که زمینه اتخاذ مواضع مناسب و صحیح را فراهم می‌آورد و در اقدامات معظم له، جستجو کرد.

#### ۱. پیش‌بینی تحولات خاورمیانه

پیش‌بینی آغاز بیداری اسلامی و تحقق خاورمیانه اسلامی؛ «امروز جهان و به‌ویژه جهان اسلام دوران حساسی را می‌گذراند. از سویی امواج بیداری سراسر دنیای اسلام را فرا گرفته، و از سوئی چهره غدار آمریکا و دیگر مستکبران از پرده تزویر و ریا، بیرون افتاده است. از سویی حرکت به سمت بازیابی هویت و اقتدار در بخشهایی از جهان اسلام آغاز شده و در کشوری به عظمت ایران اسلامی،

از زلال نگاه حق‌بین و حق‌شناس... ۱۷۳

نهالهای دانش و فناوری مستقل و بومی به بار نشسته و اعتماد به نفسی که محیط سیاسی و اجتماعی را متحول کرده بود به محیط علم و سازندگی کشیده شده است.<sup>۱</sup>

و نیز فرمود: «سنت الهی بر این قرار گرفته که ملتها هم بیدار بشوند و ما امروز می‌بینیم که ملتها هم روز به روز بیدار می‌شوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده‌اند.»<sup>۲</sup>

و فرمود: «امت اسلامی در راهی که مسلمین صدر اسلام را به اوج عظمت و عزت رسانید، پی در پی به پیش خواهد رفت.»<sup>۳</sup>

و از فرمایش مقام معظم رهبری است: «ملتها بیدار شده‌اند؛ خوشبختانه این بیداری در ملتهای مسلمان بیشتر است؛ ملتهای مسلمان، حکومت‌های مسلمان، اهمیت اسلام و عظمت اسلام و عظمت این تکیه‌گاه مورد اعتماد و قابل اطمینان را دارند درک می‌کنند. امروز بیداری اسلامی در دنیای اسلام موجب شده است که قدرتها دیگر آن توانایی گذشته را نداشته باشند.»<sup>۴</sup>

اینک با وقوع و استمرار بسیار عجیب انقلابهای مردمی و بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جهان به روشنی شاهد تحقق پیش‌بینی امام(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله) می‌باشد. همچنین در میان بهت و حیرت جهانیان، با بیداری اسلامی، سناریوهای دشمن نقش بر آب شده و خاورمیانه اسلامی در حال شکل‌گیری می‌باشد. رهبر معظم انقلاب فرمود:

شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است،

۱. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی بمناسبت کنگره عظیم حج - ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امام زمان عج - ۶۸/۱۲/۲۲.

۳. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت کنگره عظیم حج - ۱۳۸۶/۹/۲۷.

۴. پیام بمناسبت کنگره عظیم حج - ۱۳۸۶/۹/۲۷.

خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت و این خاورمیانه، خاورمیانه اسلام خواهد بود.<sup>۱</sup>

**پیش‌بینی شکست مذاکرات صلح خاورمیانه در اوج توافقات بین‌المللی؛** یک روز بعد از جنگ دوم خلیج فارس در کنفرانس مادرید، عرب‌ها و اسرائیلی‌ها را جمع کردند برای صلح خاورمیانه که آقا هم یک پیام مهم علیه آن داد. همه رفته بودند، رئیس‌جمهور سوریه، لبنان و... پشتیبان بین‌المللی هم داشتند، مثل آمریکا و شوروی. صلح به نظر ما و همه صاحب‌نظران قطعی بود. رسیدیم خدمت آقا و گفتیم که ما تنها ماندیم. فرمود: «درست است که همه دنیا جمع شده‌اند ولی من به شما می‌گویم صلح نخواهد شد و کنفرانس موفق نخواهد بود.» در شرایطی بود که تحلیل‌گران می‌گفتند کار تمام شد.... بعد از حدود یک ماه انتفاضة اول آغاز شد و در کمال ناباوری همگان، روند صلح شکست خورد.

**پیش‌بینی عاقبت فلاکت‌بار سران مزدور خاورمیانه؛** تجربه‌های حول و حوش ما در دنیای اسلام، پُر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه شیطان شدند. اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه‌داران و شرکت‌هایی که پشتوانه‌ی آن سیاست‌ها هستند، مفیدند، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بعد مثل سنگ استنجا‌ی شیطان - به قول مولوی - دورشان می‌اندازند.<sup>۲</sup>

**وقوع انقلاب در مصر با روحیه اسلامی - انقلابی ملت مصر [برای مطالعه]:** در حالی که پیش‌بینی آتشفشان خشم ملت انقلابی مصر تا همین اواخر برای بسیاری از کارشناسان ممکن نبود، ولی امر مسلمین در اوائل دهه ۷۰ با شناخت صحیح از روحیه انقلابی ملت مصر و استعداد و توان آنان برای به‌زیر کشیدن فرعونهای حاکم بر این کشور، ضمن پیش‌بینی حرکت مردمی، آنان را برای آغاز انقلاب تشویق می‌کرد: ملت مصر، ملت مسلمانی است. ملت مصر، دارای سابقه در اسلام است.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با گروه‌های مبارز فلسطینی - ۱۳۸۸/۱۲/۸.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران مراسم حج ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.

ملت مصر، افتخارات بزرگی در راه افکار نو اسلامی و مبارزات اسلامی دارد. این ملت، ملت غیوری است. یقین است که این ملت، حاضر نیست خیانت سران خودش را تحمل کند و با آنها درگیری پیدا می‌کند.<sup>۱</sup> حرکت طوفانی ملت مصر و به زیر کشیدن فرعون سه دهه این کشور، صحت پیش‌بینی معظم له را آشکار می‌سازد.

## ۲. پیش‌بینی پیروزی مقاومت و سقوط رژیم صهیونیستی

پیش‌بینی نابودی رژیم صهیونیستی و آزادی قدس شریف؛ معظم له در دیداری خصوصی با سیدحسن نصرالله در بیانی خطاب به ایشان محدوده زمانی کوتاهی برای این امر مشخص کرده و با این بشارت قلوب مشتاقان و منتظران را لبریز از شور و شوق نموده است: «آیت الله خامنه‌ای اعتقاد دارند که رژیم صهیونیستی رو به زوال و فروپاشی است و معتقدند، این سقوط چندان به طول نخواهد انجامید و به زودی شاهد فروپاشی رژیم صهیونیستی خواهیم بود... هنگامی که سخنان آیت الله خامنه‌ای درباره اسرائیل را با شرایط حاکم بر منطقه مقایسه می‌کنیم و آن را با موفقیت‌های مقاومت در جنگ تموز [۳۳ روزه] و جنگ غزه ارزیابی می‌کنیم ملاحظه می‌کنیم که فروپاشی و سقوط رژیم صهیونیستی امر دور از دسترسی نیست و ان شاء الله به زودی محقق خواهد شد.»<sup>۲</sup>

وقتی که مادر جنوب لبنان پیروز شدیم. خدمت آقا رسیدیم و من با تأسف و ناامیدی گفتم: «حضرت آقا هجده سال طول کشید تا حزب الله جنوب لبنان را آزاد کرد، فلسطین چقدر طول خواهد کشید؟!»

آقا فرمود: حالا که پرسیدید می‌گویم که اعتقاد دارم آزادی قدس کمتر از آن طول می‌کشد!

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران حج ۱۳۷۲/۲/۸.

۲. ناگفته‌های دبیر کل حزب الله لبنان.

### پیش‌بینی پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه [برای مطالعه]: جنگ ۳۳

روزه حزب الله لبنان که آن را به حق می‌توان از معجزات الهی در عصر حاضر به شمار آورد نیز انواری از پیش‌بینی‌های درخشان امام خامنه‌ای (مدظله) در خود دارد. سخنان دلنشین سیدحسن نصرالله چه زیبا از نگاه ملکوتی ولی امر مسلمین پرده‌بردای می‌کند:

در جنگ تموز [جنگ ۳۳ روزه]، تحلیل‌ها حاکی از یک جنگ محدود بود.... در اتاق عملیات بودیم و مقابله می‌کردیم. وضعیتمان خوب بود، ولی چند نفر از دوستان از نظر روحی و عاطفی ناراحت بودند. آیا اسیر گرفتن امل باعث این تهاجم و جنگ شده است؟ این سؤال ذهنمان را آزار می‌داد و بچه‌ها را در فشار روحی قرار می‌داد.... در این شرایط حساس بود که پیام الهام بخش آقا، رسید: «این حمله از قبل تدارک دیده شده است. می‌خواستند در غفلت حزب الله تهاجم وسیع داشته باشند. همه‌جا را بزنند و بعد حمله زمینی بکنند و مسلط بشوند و شروط خود را تحمیل کنند. این‌هایی که رفتند اسیر گرفتند، لطف خدا بود، این جنگ احزاب است «ستیلغ القلوب الحناجر» اگر به خدا توکل کنند و مقاومت کنند پیروزند به آقای سید حسن نصر... بگویید پیروزید و اگر در این جنگ پیروز شوید قدرتی می‌شوید که هیچ قدرتی در مقابلتان نمی‌ایستد. این را هم بگویید که آن‌ها می‌خواستند حمله کنند. اسیر گرفتیم جنگ را جلو انداختند و آخرین سفارششان هم این بود که به امام زمان عج توسل کنید.»

بعد از جنگ، از طریق یکی از دوستان آن را از آقا پرسیدم. آیت الله خامنه‌ای فرموده بود اطلاعات خاصی در این باره نداشتم. به ذهنم خطور کرد.<sup>۱</sup>

**پیش‌بینی عقب نشینی اسرائیل و پیروزی مقاومت در سال ۲۰۰۰؛ سیدحسن نصرالله می‌گوید:**

۱. ناگفته‌های سیدحسن نصرالله از ولی امر مسلمین امام خامنه‌ای (مدظله).



در دیداری که با آیت الله خامنه‌ای داشتیم و دیدگاه‌های خود را به ایشان عرضه کردیم، ایشان نظر دیگری داشت و به ما تأکید کرد که پیروزی شما در لبنان بسیار نزدیک است آنقدر نزدیک که خودتان هم تصورش را نمی‌توانید بکنید. این سخنان آیت الله خامنه‌ای بر خلاف تمام تحلیل‌ها و اطلاعات ارائه شده از فضای حاکم بر جنوب لبنان بود و هیچ نشانه‌ای دال بر عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی یا آمادگی این رژیم برای این عقب‌نشینی وجود نداشت؛... پس از آن عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان روی داد و این برای ما غافلگیر کننده نبود، چون خود را برای چنین عقب‌نشینی و پیروزی آماده کرده بودیم.<sup>۱</sup>

### ۳. افول و فروپاشی آمریکا و غرب

پیش‌بینی سقوط غرب و آمریکا [برای مطالعه]؛ سالهاست که امام خامنه‌ای در بیانات روشن‌گر خود به صراحت به آغاز نابودی تمدن غرب و به‌ویژه آمریکا اشاره می‌فرماید:

مقام معظم رهبری در دیدار جوانان مدرسه مجتهدی خطاب به آنان فرمود:  
شما شاهد سقوط غرب خواهید بود.

شما جوانها آن‌روز را خواهید دید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد؛ از اوج توانایی‌ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حضيض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد.<sup>۲</sup>  
نفوذ امریکا رو به افول است ... دنیا حتی به عنوان یک ابرقدرت نافذالکلمه هم دیگر از آنها حرف شنوی ندارد.<sup>۳</sup>

۱. ناگفته‌های سید حسن نصرالله از ولی امر مسلمین امام خامنه‌ای (مدظله).

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیة‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵.

### پیش‌بینی افول آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و گرفتاری در باتلاق عراق؛ سید

حسن نصرالله می‌گوید: آمریکا به گونه‌ای به خاورمیانه لشکر کشید که همه بر این باور بودند که منطقه وارد عصر آمریکایی خود شده است. ... درحالی که مقام معظم رهبری با توجه به دیدگاه استراتژیک شان این خواسته‌ها را رد و تأکید می‌کرد و می‌فرمود: اوضاع آنگونه که ملاحظه می‌کنید بر وفق مراد آمریکایی‌ها نیست؛ نگران نباشید آمریکا هم اکنون به اوج خود رسیده و از هم اکنون به بعد باید در انتظار فرود و افول این کشور و به ویژه ناکامی طرح‌هایش در منطقه باشیم و باید بر این پایه و دیدگاه با موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های آمریکا در منطقه برخورد کنید و تعامل داشته باشید.

امام خامنه‌ای (مدظله) تأکید کرد که این سخنانشان بر پایه داده‌های صحیح و درست است و بدانید آمریکا پس از این که نتوانست از منافع خود در منطقه حمایت کند، اقدام به اشغال عراق و افغانستان خواهد کرد و با تمام نیروی نظامی خود به منطقه لشکرکشی خواهد کرد که این دلیل بر ضعف و ناتوانی این کشور است نه اقتدار و توانمندیش و نتیجه‌گیری‌های این گونه‌ای که صورت می‌گیرد، ناشی از جهل و نادانی ملل منطقه از یک سو و حاکمان آنها از سوی دیگر است.<sup>۱</sup> مقام معظم رهبری در مورد تجاوزگری آمریکا فرمود:

اقدامات سیاه و فراموش‌نشده‌ی اشغالگران در عراق و به ویژه نجف اشرف نشان‌دهنده‌ی سیاست آمریکایی‌ها مبنی بر کاربرد زور و سرکوب است اما این سیاست کاملاً اشتباه، بدون شک شکست خواهد خورد.<sup>۲</sup>

### پیش‌بینی خروج نظامیان آمریکایی از عراق؛ خروج نظامیان آمریکایی از

عراق یکی از رویدادهای حداقل از زمان جنگ جهانی دوم به بعد است؛ آمریکا

۱. ناگفته‌های سید حسن نصرالله از ولی امر مسلمین امام خامنه‌ای (مدظله)

<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=12605>

۲. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۶/۴.

از جنگ جهانی دوم در هر کشوری که به صورت نظامی وارد شده بود، ژاپن و کره، کویت و عربستان، به بهانه پایگاه‌های نظامی‌اش نیروهای ارتش خود را در آن کشور مستقر کرد اما در عراق مجبور شد، بیش از ۵۰۰ پایگاه نظامی خود را تعطیل و همه نیروهای نظامی خود را که در بیشترین حالت به ۱۷۰ هزار نفر هم رسیده بودند، از این کشور خارج کند تا مردم عراق، ثمره استقامت دولت مردمی خود را بر پافشاری بر خروج نیروهای خارجی در این کشور بچشند. این خروج ذلت‌بار که به یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های نظامی امریکا در تاریخ این کشور و هم‌ردیف با جنگ ویتنام تبدیل شده، بار دیگر بر مواضع دقیق و رویکرد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب صحه گذاشت. رهبر حق‌بین در سال ۸۳، یک پیش‌بینی دقیق از وضعیت نهایی این اقدام نظامی ارائه کرد:

«بر اساس همه اصول و موازین بشری، کار امریکایی‌ها محکوم و مذموم و تنفرانگیز است، و براساس همه قواعد عالم طبیعت، کار آنها محکوم به شکست است. امریکایی‌ها بدانند دیر یا زود با ذلت و سرافکنندگی از عراق خارج خواهند شد. برادران عراقی ما می‌توانند این دوره را کوتاه کنند؛ می‌توانند رفع این خطر بزرگ را نزدیک کنند؛ با چه چیزی؟ با وحدت کلمه، با تمسک به اسلام، با حفظ روحیه اسلامی و ایمانی خود و با به کارگیری عقل و حکمت و تدبیر.»<sup>۱</sup>

اهمیت این اظهارات رهبر انقلاب در جایی است که در سال ۸۳، امریکا و نظامیان‌ش در وضعیت نسبتاً مناسبی در عراق به سر می‌بردند و در رویای اشغال مادام‌العمر این کشور و تسلط دائمی بر منابع نفتی عراق، روزگار می‌گذراندند. پیش‌بینی گسترش بیداری ملت‌های خاورمیانه به قلب اروپا؛ ولی امر مسلمین در اردیبهشت سال جاری پیش‌بینی کردند که این بیداری اسلامی تا قلب اروپا پیش خواهد رفت. معظم له این بشارت بزرگ را حتمی و قطعی عنوان فرمود:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۸۳/۱/۲۶

من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملتهای اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست؛ حرکت عظیمی است.<sup>۱</sup>

#### ۴. طرح مکتب امام در مقابل مکتب ایرانی [برای مطالعه]

مقام معظم رهبری در سالروز رحلت امام خمینی علیه السلام، فرمود: «مکتب امام همان مکتب اسلام است».

مقام معظم رهبری، هادی حق‌بین و حق‌گوی انقلاب، با به کار بردن لفظ مکتب امام خمینی در روز ۱۴ خرداد ۹۰ مفاهیم مکتب ایرانی را در ملاءعام به چالش کشید و دوباره میدان دفاع به میدان تهاجم تبدیل شد ایشان فرمود: «در باب مکتب امام، این نکته را ملت عزیز ایران کاملاً می‌دانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه قلبی و احساسی و عاطفی نیست.... بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند.... مکتب امام یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا،

۱. بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۹۰/۲/۱۴.

اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کارگرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است.<sup>۱</sup>

با این معیارها جریان انحرافی باید پاسخگوی انحراف خود از بعضی ابعاد مکتب حضرت امام خمینی (قدس سره) باشد.

#### ۵. آگاهی و اقدام نسبت به تهاجم فرهنگی

رهبر فرزانه انقلاب به عنوان دیده‌بان امین انقلاب اسلامی از تهاجم فرهنگی دشمنان خبر داد. از شیخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی دشمن سخن گفت. از تشکیل جبهه ناتوی فرهنگی علیه انقلاب اسلامی پرده برداشت و فرمود:

در حال حاضر، یک جبهه بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده، تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست.<sup>۲</sup>

این هشدار، اولین واکنش مقام معظم رهبری به غفلت احتمالی مسئولین فرهنگی در آینده بود. رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان، این قشر را افسران جوان در مقابله با جنگ نرم دشمنان دانسته، در جمع اساتید دانشگاه‌ها، از آنان با عنوان فرماندهان و طراحان صحنه در مقابله با جنگ نرم دشمن یاد کرد و سر انجام اولویت اصلی کشور را مقابله با جنگ نرم دشمنان اعلام فرمود.

#### ۶. مقابله با انحرافات سیاسی و عبور از فتنه‌ها

بررسی نقش رهبر معظم انقلاب اسلامی در بصیرت‌افزایی پیرامون حوادث فتنه سال ۱۳۸۸ مروری بر حوادث و تحولات چند دهه اخیر به خوبی نقش و جایگاه رهبری الهی را در مدیریت بحران‌ها نشان می‌دهد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد ۹۰.

۲. از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷ آذر ۱۳۶۸.

در حقیقت آنچه ضامن بقا و حیات این شجره طیبه است، حضور ملتی با ایمان در صحنه حفظ نظام اسلامی است که با پشتیبانی و اطاعت کامل از رهبری معظم انقلاب اسلامی و در سایه عمل به آموزه‌های اسلامی، دژ مستحکم نظام اسلامی را به وجود آورده است. از این رو تلاش برای ایجاد فاصله بین ملت و رهبری و از سویی دیگر غبار آلود کردن فضای کشور به نحوی که امکان تشخیص از توده‌های مردم گرفته شود، تنها راهکاری بود که می‌توانست به شکست این ملت یکپارچه و مصمم بینجامد.

با این راهکار بود که آخرین سناریوی براندازی و ضربه زدن به نظام اسلامی در قالب سناریوی کودتای مخملین در آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری در دستورکار کودتاگران قرار گرفت.

**تحلیل «فتنه عمیق»؛** در مقابل اقدامات فتنه‌گران بود که بصیر بزرگ انقلاب اسلامی، با تحلیل «فتنه عمیق» در قالب جنگ نرم دشمن با بصیرت‌افزایی و تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف حوادث، وظیفه خطیر روشنگری را برای مهار فتنه برعهده گرفت. در این میان چند محور در دستورکار معظم‌له قرار گرفت:

- تشریح عظمت حماسه تاریخی ۲۲ خرداد، زلزله سیاسی برای دشمنان؛
- تشریح سناریوی برنامه‌ریزی شده کودتای مخملین و جنگ نرم؛
- توصیه به فتنه‌گران: حرکت در مسیر قانونی و مرزبندی با دشمن؛
- توصیه به نهادهای قانونی: اجرای کامل و قاطع قانون؛
- توصیه به نخبگان: کسب بصیرت برای خودشان و برای دیگران؛
- قدردانی از حماسه ملت در دفاع از انقلاب اسلامی.

**نتایج و برکات حضور حکیمانه و نگاه حق‌بین و حق‌شناس مقام معظم رهبری**

در حوادث و بحران‌ها؛ حضور مقتدرانه و حکیمانه مقام معظم رهبری و مدیریت ایشان در حوادث و بحران‌های پیش آمده، نتایج ارزشمند و قابل توجهی داشته است که به برخی از اهم آنها اشاره می‌شود:

از زلال نگاه حق‌بین و حق‌شناس... ۱۸۳

- اقتدار مردمی و معنوی انقلاب و رهبری؛ حادثه عظیم ۹ دی و راهپیمایی ۲۲ بهمن پس از ماه‌ها مظلومیت انقلاب و رهبری و جنگ روانی سنگین تبلیغاتی و رسانه‌ای همراه با دروغ و تهمت، توانست سیمای مقتدر نظام اسلامی و پایگاه عظیم مردمی و اعتماد ملت به انقلاب و مقام معظم رهبری را به نمایش بگذارد.

- انزوای سیاسی و مردمی جریان فتنه؛

- انسجام بیشتر بین مردم از یک سو و بین مردم و نظام از سوی دیگر؛

- شکست سنگین ضد انقلاب و دنباله‌های داخلی آنها و بالا رفتن ضریب امنیتی کشور؛

- افزایش جایگاه و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی.

#### ۷. پیش‌بینی مشارکت بیشتر مردم در انتخابات نهم مجلس روز دوازدهم اسفند ماه نود

مقام معظم رهبری پیش‌بینی فرمود:

ان شاء الله خواهیم دید در انتخابات آینده - که حالا دو سه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری‌ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی‌خبران داخلی کردند، یک حضور مستحکم قوی‌ای در انتخابات خواهند داشت.<sup>۱</sup>

تحقق این پیش‌بینی: میزان مشارکت واجدان شرایط رای دادن در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نسبت به دوره هشتم، ۱۱ درصد رشد داشته است و میزان مشارکت مردم در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی را ۶۴ درصد بود.

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۸/۶/۲، مصادف با ۲۱ رمضان ۱۴۳۰.

### پرسش

۱. پیش‌بینی امام از سقوط نظام طاغوت را بیان کنید.
۲. مقابله امام با ملی‌گرایی را توضیح دهید.
۳. پیش‌بینی امام برای رهبری امام خامنه‌ای (مدظله) را بیان کنید
۴. پیش‌بینی سقوط غرب و آمریکا توسط مقام معظم رهبری را توضیح دهید
۵. پیش‌بینی خروج نظامیان آمریکایی از عراق را توسط مقام معظم رهبری توضیح دهید.
۶. محورهایی که در مقابل اقدامات فتنه‌گران در دستور کار مقام معظم رهبری قرار گرفت را بیان کنید.
۷. نتایج و برکات حضور حکیمانه و نگاه حق‌بین و حق‌شناس مقام معظم رهبری در حوادث و بحران‌ها را بر شمایید.